

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص ۲ سفید

نگرش‌هایی نو به

# آموزه مهدویت

دکتر بهرام اخوان کاظمی

(استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز)

سرشناسه	: اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	: نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت/ بهرام اخوان کاظمی
مشخصات نشر	: قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ص
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.
موضوع	: مهدویت.
موضوع	: مهدویت - انتظار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ن ۳۵ الف/۴/۴ BP۲۲۴
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۸۰۱۹۳

### نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت

نویسنده: دکتر بهرام اخوان کاظمی

ناشر: انتشارات آینده روشن

ویراستار: علی‌رضا جوهرچی

بازبین ویرایش: سیدرضا سجادی‌نژاد

نمونه‌خوانان: محمد اکبری، نرگس صفرزاده

طراح جلد: رسول محمدی

صفحه‌آرا: علی قنبری

چاپ: گل‌ها

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

بها: ۳۸۰۰۰ ریال

شابک: ۳ - ۶ - ۹۶۶۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش:

◀ قم: خیابان صفاییه، کوچه ۲۳، پلاک ۵ - تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۴۰۹۰۲

◀ تهران: خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، نبش کوچه بامشاد، شماره ۵۲۵، پخش کتاب

پکنا، تلفن ۸۸۹۴۰۳۰۳

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: مفهوم‌شناسی و جایگاه آموزه مهدویت
۲۱	فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی
۵۷	فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت
۹۱	فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی‌سازی غربی و جهانی‌سازی مهدوی
۹۳	- مفهوم جهانی‌شدن و برداشت‌های مختلف از آن
۱۰۴	- جهان‌گرایی و جهان‌شمولی اسلام
۱۰۸	- جهانی‌سازی مهدوی و شاخصه‌های آن
۱۳۱	فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست
۱۵۷	فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال - دموکراسی
۲۲۱	منابع

ص ٦ سفید

## مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی موعود و برقراری حکومت جهانی امام عصر علیه السلام، از اصلی ترین اعتقادات متمایز مکتب نجات بخش تشیع به شمار می رود. این موضوع در باورها، مناجات ها و دعاها ی شیعی به بارزترین شکل به چشم می خورد. امروزه این باور، به دلایل مختلفی رفته رفته در حال تبدیل شدن به اعتقاد و خواست عمومی جامعه بشری است. بدبختانه، در عصر فرامدرنیته که علم و فن آوری استیلا دارد و انواع مکاتب به ظاهر عقلانی و پیشرفته بشری سردمدارند، نه تنها سعادت که صلح، امنیت و آرامش واقعی برای بشر حاصل نیامده است. بسیاری از انسان ها با معضلات بی شماری مانند جنگ، گرسنگی، بی سوادی، عقب ماندگی، جهل و خرافه پرستی مواجهند. جنگ ها و تهدیدهای بی پایان، هم چنان بر فضای زیست روانی و فیزیکی انسان ها سایه می افکند. از سوی دیگر، انسان و جامعه به ظاهر پیشرفته غربی نیز با دوری از تعالیم الهی،

سر در گریبان تمایلات نفسانی و مادیت صرف سوداگرایانه نهاده و در حقیقت معنا و هویت واقعی انسانی خود را از دست داده و در بحران معنای زندگی و تحیر، گم‌گشتگی و از خود بیگانگی بیشتری قدم نهاده است. همین مسئله، رفته‌رفته در او احساسی به وجود آورده که بدان منجی خواهی گویند.

خوش‌بختانه با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه‌السلام توجه به امام عصر علیه‌السلام و آموزه مهدویت، چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان و چه در سطح دنیا، افزایش فوق‌العاده‌ای یافته و البته این عنایت در چند سال اخیر بسیار بیشتر شده است؛ به‌ویژه آن‌که طرح این‌گونه مسائل از قالب‌های سنتی پیشین خارج گشته و از منظرهای مختلف و تازه، ابعاد آکادمیک گسترده‌ای یافته است. امروزه مراکز پژوهشی و آموزشی مختلفی در سطح حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری و در پاسخ به خواست و عطش بی‌پایان عمومی، با نگاهی ژرف‌اندیشانه و ملاحظه مقتضیات زمانی و مکانی جدید، در سطوحی به این موضوع گسترده می‌پردازند.

کتاب *نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت* نیز به این منظور و برای پاسخ‌گویی به این نیاز نوشته شده و از منظرهای جدیدی به مسئله آموزه مهدویت و حیات طیبه مهدوی می‌پردازد.

در فصل نخست، مفهوم و جایگاه و کارایی آموزه مهدویت و نوع تعامل آن با پاره‌ای از مفاهیم به ظاهر هم‌پیوند تشریح می‌گردد؛ فصل دوم در بردارنده مستدلّات اهتمام عالی دولت مهدوی به ارتقاء نهایی کرامت‌های انسانی و حقوق بشردوستانه است؛ در فصل سوم، به گونه‌ای تفصیلی به دو ارمغان اساسی حکومت طیبه مهدوی یعنی «عدالت» و «امنیت» پرداخته می‌شود؛ فصل چهارم، شامل مباحثی تطبیقی در مقایسه دو آموزه جهانی‌سازی غربی و جهانی‌سازی مهدوی است و در آن به طور مستدل و با ذکر معایب و معضلات جهانی‌سازی غربی، برتری جهانی‌سازی مهدوی اثبات می‌گردد؛ در فصل پنجم، پس از توضیح



موضوع با اهمیت حقوق محیط زیست، رعایت آرمانی این حقوق در آموزه و حیات طیبه مهدوی به بحث کشیده می‌شود؛ در فصل ششم، ضمن نقد مبانی لیبرال - دموکراسی و تشریح ایرادها بر این الگو و مدینه فاضله کاذب جهان سرمایه‌داری غرب، بیست شاخص برتری دین‌سالاری سپهری مهدوی (آخرین وجه تکاملی مردم‌سالاری دینی) بر نظام‌های بشری و به‌ویژه بر لیبرال - دموکراسی تبیین می‌شود.

در خاتمه جا دارد از مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) برای نشر این اثر تشکر نمایم. با این امید که این تلاش‌ها مرضی درگاه ذات احدیت و موجب خشنودی آن امام همام یعنی موعود منتظر عجله فرجه قرار گیرد.

بهرام اخوان کاظمی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

شهریور ۱۳۸۵

ص ۱۰ سفید

### مفهوم‌شناسی و جایگاه آموزه مهدویت

اصطلاح «دکترین» و یا به بیانی «آموزه»، از واژه‌ها و مصطلحاتی به شمار می‌رود که به تازگی وارد مباحث و ادبیات مهدویت‌شناسی شده است. صاحب‌نظران درباره وجه تسمیه، میزان رسایی و کاربرد دکترین مهدویت، اختلاف نظر دارند. حتی برخی، اصطلاحات دیگری را برای اشاره به این موضوع پیشنهاد داده‌اند. در نتیجه، برای توضیح بیشتر مطلب، در این فصل تلاش شده تا با طرح پرسش‌هایی، تنویر لازم در این زمینه صورت گیرد و به دنبال آن، جایگاه آموزه مهدویت و کارآمدی آن در عصر حاضر تشریح شود. بنابراین، طرح پرسش و پاسخ‌های هفت‌گانه ذیل بدین منظور صورت پذیرفته است:

### الف) تعریف لغوی و اصطلاحی دکترین و نوع کاربرد آن

واژه «Doctrina» در زبان لاتین به معنای دکترین، آموزش و علم می‌باشد. کلمه Doctrine با تلفظ، املا و معانی مشابه نیز به زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسوی راه یافته است. برای نمونه، این اصطلاح در سال ۱۱۶۰ میلادی به معنای علم و دانستن وارد زبان فرانسه شد و ریشه آن در این زبان از کلمه «docere» به معنای آموزش دادن است. دکترین در زبان فارسی به اصطلاح «آموزه» ترجمه شده، هر چند در لغت‌نامه‌های عمومی به معنای اصول، عقیده، مجموعه عقاید پیروان یک مکتب و نیز پیش‌نهادها ترجمه شده است. فرهنگ لغت‌های غیرفارسی، مترادف‌هایی مانند دگم (نکات و اصول تردیدناپذیر)، تئوری، افکار، سیستم، تز، مذهب و فلسفه برای دکترین یاد کرده‌اند، اما شاید بتوان چند تعریف دیگر را برای بیان کاربرد دکترین به اجمال ارائه کرد:

۱. مجموعه‌ای از مفاهیم که با تأکید بر صدق خود، مدعی ارائه تفسیرهای لازم در عرصه‌های عملی و کنش‌های حیات بشری و الگوهای ضروری برای هدایت و اداره حیات مزبور در این قلمروند؛
۲. مجموعه آرا، عقاید، سازوکارها و راه‌کارها و آموزش‌ها که تفسیرهای راه‌بردی از حوزه‌های اساسی حیات بشر در عرصه‌های نظری و عملی را برای به‌زیستی و مدیریت بهینه حیات فردی و جمعی بشر ارائه می‌دهند؛
۳. مجموعه افکار و عقاید مکتبی ادبی یا فلسفی یا اصول تردیدناپذیر یک مذهب.

دکترین‌ها می‌توانند در عرصه‌های مختلف مذهبی، فلسفی، اخلاقی، هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه شوند.

### ب) تفاوت دکترین با مفاهیمی چون ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان

ابتدا یادآور می‌شویم که فقدان تعاریف قطعی و اجماعی از واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات، از مشکلات مباحث علوم انسانی است، تا جایی که گاهی برای یک

اصطلاح مانند «قدرت»، نزدیک ۱۵۰ تعریف ذکر می‌شود. علاوه بر این، نبود تیقن در معانی واژه‌ها سبب شده که این تعاریف در برخی و یا حتی بسیاری از بخش‌های خود، دارای هم‌پوشی و مترادف معنایی باشند. در نتیجه، در تفکیک تفاوت معنایی اصطلاح دکترین با مفاهیمی مانند ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان، ممکن است با مشکلات و هم‌پوشی‌های معنایی روبه‌رو شویم، ولی در هر صورت به‌طور قطع می‌توان اذعان کرد که دکترین، با وجود برخی همانندی‌ها، به معنای این مفاهیم نیست. در بین این مفاهیم، ایدئولوژی معنای بسیار گسترده‌تری را دربرمی‌گیرد و حتی در تعاریف متعددی، ایدئولوژی را شامل دکترین و اعم از آن دانسته‌اند و رابطه «عموم و خصوص من وجه» را بین آنها قائل شده‌اند. برای نمونه، در تعریف ایدئولوژی گفته‌اند:

۱. مجموعه‌ای از آرا، اعتقادات و دکترین‌های خاص درباره یک دوره، یک جامعه یا یک طبقه اجتماعی؛

۲. سامانه‌ای (سیستمی) از آرا و فلسفه‌ها درباره جهان و زندگی.

البته در برخی تعاریف دیگر، ایدئولوژی را زیرمجموعه و محتوای دکترین‌ها به شمار می‌آورند؛ هم‌چنان که گفته‌اند، ایدئولوژی مجموعه‌ای سامان‌مند از آراست که یک دکترین را می‌سازد. برخی دیگر از تعبیر درباره ایدئولوژی بدین شرح است:

۱. ایدئولوژی، فلسفه سیاسی - اجتماعی و سامان‌مندی از اندیشه‌هاست که دارای طرحی آرمانی از جامعه بوده و هم می‌خواهد جهان را توضیح دهد، و هم آن را دگرگون سازد و این دگرگون‌سازی را از هواداران خود طلب می‌کند؛

۲. به تعبیر مارکس، ایدئولوژی «آگاهی دروغین» و دسته‌ای از باورهای غیرواقعی به شمار می‌آید که بیان‌گر خواست‌ها و سودهای یکی از طبقات اجتماعی است و تصویری نادرست از جهان و امور را به ذهن متبادر

می‌کند. از طریق این آگاهی‌های دروغین و باورهای کاذب، هم مردم خود را می‌فریبند و هم طبقات غالب و استثمار کننده آنان را فریب می‌دهند.

۳. ایدئولوژی مجموعه تجلیات ذهنی است که همراه با ایجاد پیوند میان افراد پدیدار می‌شود و از راه تحریک حواس به وسیله واقعیت خارجی در آگاهی انسان شکل می‌گیرد؛

۴. ایدئولوژی حالاتی از آگاهی است که با عمل سیاسی پیوند دارد و تقریباً به صورت‌هایی از آگاهی اطلاق می‌شود که به شکل واژه‌ها یا گفتار (discus, discours) درآمده باشد. ایدئولوژی اصولاً و صرفاً گفتار نیست، بلکه هسته‌ای غیرکلامی به شمار می‌آید که حالت وجودی آن کلامی است. بنابراین، گفته می‌شود که ایدئولوژی گفتاری مبتنی بر عمل سیاسی است. با وجود این تعابیر، ایدئولوژی با وجود پاره‌ای همانندی‌ها، به معنای دکترین به کار نمی‌رود و در عین حال نیز تعبیری مناسب برای بیان اندیشه مهدویت نیست؛ زیرا ایدئولوژی اساساً از حیث ارزشی، نه درست است و نه نادرست، بلکه فقط امکان دارد که موفق یا ناموفق و منسجم یا نامنسجم باشد. ایدئولوژی را فقط می‌توان براساس ناکارایی و انسجام‌نداشتن آن نقد کرد؛ افزون بر آن که امروزه از اصطلاح ایدئولوژی، نسبتاً برای تبیین و نام‌گذاری مجموعه افکار نظام‌های فکری بسته، قشری، دگماتیک و جزم‌اندیش و مانند آن استفاده می‌کنند و واژه ایدئولوژی را غیرارزشی و فقط عمل‌گرایانه می‌دانند؛ هم‌چنان که «ژان بشلر» پنج کارکرد ایدئولوژی را شامل صف‌آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه‌گری، پرده‌پوشی (که نوعی حیل‌گری سیاسی برای فریب دیگران است)، موضع‌گیری، دریافت یا ادراک می‌داند.<sup>۱</sup> ایدئولوژی از این منظر، ابزاری سیاسی است که به‌ویژه در

۱. ژان بشلر، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، ص ۶۱ - ۹۹.

کارکرد «دریافت یا ادراک»، عمل سیاسی را ساده می‌کند، تمامی جامعه را در خود جای می‌دهد و رو به آینده دارد. اما درباره «مکتب» (School, Ecole) و تفاوت آن با دکترین باید گفت که به نظر می‌رسد مکتب، بسیار عام‌تر از اصطلاح دکترین و حتی ایدئولوژی باشد؛ زیرا ممکن است دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های بسیاری را در خود جای دهد. مکتب در حقیقت، معرف حوزه‌ای است که بر بنیادی خاص بنا شده و روش‌ها، آموزش‌ها و تعالیم و پیروان ویژه خود را دارد، ولی اساس این آموزش‌ها و تعالیم و راه‌کارها در حوزه‌های نظری و عملی، بر محوری واحد و اسلوبی ویژه پی‌ریزی شده است.

اصطلاح دکترین با اصطلاح «نظام» (ordre - order) نیز ممکن است مشابهت‌هایی داشته باشد؛ هر چند این دو، مترادف نیستند. در تعریف نظام گفته شده که جامعه در هر زمان راه‌حلی را برای حل مشکل توزیع کالاهای کم‌یاب (قدرت، ثروت، منزلت و...) و انتخاب نهادها و ارزش‌ها نشان می‌دهد. این راه‌حل‌ها ممکن است موفق یا ناموفق باشند و با هم هم‌آهنگ یا ناهم‌آهنگ باشند، ولی مجموع چنین راه‌حلی را می‌توان نظام نامید. شاید هر نظام دربرگیرنده دکترین‌های یگانه و یا متعددی باشد، هم‌چنان‌که دکترین نیز ممکن است سرانجام خود را به طراحی نظامی سیاسی، اجتماعی، فکری و... معطوف کند.

هم‌چنین معمولاً گفتمان، چه از لحاظ پیچیدگی معنایی و چه از لحاظ سطح کمی و کیفی، اعم از دکترین نیست، بلکه معمولاً دکترین امکان دارد از گفتمان‌های متعدد استفاده کند؛ زیرا گفتمان به معنای گفت‌وگوی متقابل، تبادل آرا و محاوره براساس استدلال است.

به نظر می‌رسد که هیچ یک از این اصطلاحات و تعابیر نمی‌تواند به درستی و کمال، بیان‌گر اندیشه مهدویت باشد و بهتر است برای این منظور از تعابیر

اسلامی و قرآنی - و نه اصطلاحی غربی مانند دکترین - استفاده شود. شاید استفاده از تعبیری مانند حیات طیبه مهدوی یا حیات طیبه در عصر مهدوی، نظام یا حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، نهضت، قیام و یا اصلاح جهانی حضرت مهدی علیه السلام مناسب‌تر باشد. بهره‌گیری از اصطلاح غربی دکترین، علاوه بر کافی نبودن بار معنایی این واژه، نوعی «تجددگرایی بیانی ناموزون» و اسم‌گذاری تحمیلی زمانه را به ذهن متبادر می‌کند و در عین حال، اندیشه سترگ مهدوی را به سطوحی نازل تقلیل می‌دهد؛ هم‌چنان‌که امروزه برای تبیین راه‌برد فلان سیاست یا متفکر و رئیس‌جمهور از اصطلاح دکترین یاد می‌کنند، مانند: دکترین مونروند، آیزنهاور، نیکسون، برژینسکی، برژنف، موازنه قوا و ... .

هم‌چنین با توجه به خنثا بودن مفهوم ایدئولوژی و گستردگی کاربردهای منفی آن، استفاده از این اصطلاح نیز توجیه ندارد. درباره مکتب باید گفت که این واژه فاقد بار منفی است و حتی برای تبیین ادیان الهی هم از آن استفاده می‌شود؛ چون حضرت مهدی علیه السلام ارمان آورنده مکتب و دین جدیدی نیست و در حقیقت مکتب نبوی و علوی را تکمیل می‌کند و آنها را به سرانجام و مقصود نهایی می‌رساند و در واقع احیاگر اسلام است. با وجود این، نمی‌توان از اندیشه مهدوی، تحت عنوان «مکتب» یاد کرد و یا دست‌کم، عنوان مناسبی نیست؛ زیرا حضرت، مجدد مذهب و بزرگ مصلح و احیاگر اسلامی است و نه واضع مکتب جدید. ایشان با زدودن خرافه‌ها و حشو و زواید از اسلام، غربت و مهجوریت را از اسلام نبوی و علوی می‌زداید و حیات آن را تجدید می‌کند.

اصطلاحات نظام و گفتمان نیز رسایی لازم را برای بیان اندیشه مهدویت ندارند؛ زیرا در بین تمام این اصطلاحات، کلمه «نظام» در این زمینه سزاوارتر می‌نماید و می‌توان با افزودن کلمه قرآنی «طیبه»، با کلمات «نظام طیبه مهدوی» از حکومت جهانی و اندیشه مهدوی هم یاد کرد.



### ج) چیستی دکترین مهدویت و معنای آن

به نظر می‌رسد کاربرد واژه دکترین برای بیان اندیشه مهدویت مناسب نباشد، ولی در هر حال، کسانی که دکترین مهدویت را به کار برده یا می‌برند، دکترین را به معنای آموزه‌های ویژه امام مهدی علیه السلام می‌دانند که تفسیری راه‌بردی از حوزه‌های اساسی حیات بشری هم‌چون انسان‌شناسی، سیاست، اقتصاد، جامعه، حکومت، روابط بین‌الملل و... ارائه می‌دهد و در حقیقت نوعی اندیشه و سازوکار آرمانی و در عین حال تحقق‌پذیر و جهان‌شمول برای نجات و به‌زیستی حیات بشر بر مبنای احیا و تجدید اسلام نبوی و علوی است.

### د) منزلت و موقعیت دکترین مهدویت در تعالیم اسلامی

هم‌چنان که در بسیاری از مکاتب فکری و مذهبی جهان امروز، اعتقاد به مصلح جهانی، مدینه فاضله، هم‌چنین موعود و منجی‌گرایی و هزاره‌گرایی وجود دارد، نظام فکری و اجرایی مهدویت، در تعالیم اسلامی و آرای بسیاری از فرق آن، منزلت و موقعیت ویژه و بالایی دارد. برخی از متفکران مانند ابن‌خلدون و بعضی دیگر به این نظام فکری شبهاتی نارسا وارد کرده‌اند، ولی در گستره فرق اسلامی، این اعتقاد به استواری وجود دارد. البته بدیهی است اختلافاتی هم در این زمینه وجود داشته که بیشتر آنها اعتقادی و یا در مورد شخصیت منجی یعنی حضرت مهدی علیه السلام است. برای نمونه، درباره رجعت اختلافاتی وجود دارد و یا این‌که برخی از فرق سنی بر خلاف تشیع به تولد آن حضرت در آینده معتقد هستند و مانند زیدیه (از فرق شیعی) که معتقدند امام باید قادر به جنگ و دفاع باشد. بنابراین، مهدی غایب را به امامت نمی‌پذیرند و هم‌چنین امامی را که کودک باشد نیز امام نمی‌شمارند. در هر حال، اعتقاد به مهدویت، از ضروری‌ترین اعتقادات اسلامی به ویژه شیعی به شمار می‌رود و خاتمیت و تکامل‌نهایی رسالت اسلام، منوط به ظهور مهدی موعود است و خاتمیت قطعی این دین مبین با آن معنا می‌یابد.

**ه) دکترین مهدویت؛ تئوری‌ای در فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی یا اعتقادی کلامی؟**

منحصر کردن نهضت مهدویت به یک تئوری و فلسفه تاریخ یا فلسفه سیاسی، چیزی جز کوچک‌نمایی این نهضت اصلاحی جهان‌شمول جامعه بشری نیست. تئوری یا نظریه در بهترین صورت خود، بیان بررسی اثبات شده یا سازه‌های تصویری و فرضیه‌های ثابت شده درباره ماهیت واقعی اشیاء و رابطه علت و معلولی بین پدیده‌هاست و در واقع روابط علی بین پدیده‌ها و متغیرها را به طور شفاف تبیین می‌کند و می‌کوشد قدرت پیش‌بینی و آینده‌نگری داشته باشد. بدیهی است که نظریه در صورت اثبات مکرر، به قانون علمی می‌انجامد که در واقع از اصول کلی درباره رابطه حتمی، قطعی و همیشگی بین متغیرها حکایت می‌کند و از مشاهده حقایق یا فرآیندهای منطقی به دست می‌آید؛ در حالی که اندیشه مهدویت، چه در حیطه نظری و چه در عرصه عملی، چیزی بسیار فراتر از یک یا چند نظریه تعمیم نیافته محدودنگر و حتی فراتر از یک قانون علمی است و هم‌چنین بسیاری از حقایق، واقعیت‌ها و کشف بسیاری از مجهولات عالم بشری و سپهر آفرینش را در بردارد. البته با توجه به این که مباحث امامت در عرصه علم کلام مطرح می‌شوند، اندیشه مهدویت را - آن هم نه از باب حصر - در زمره اعتقادات کلامی می‌توان برشمرد؛ هر چند بسیاری از حوزه‌های علوم اسلامی نیز بدان اشارت دارند.

**و) نقش دکترین مهدویت در دنیای جدید و در کنار دیگر تئوری‌های جهانی**

در بسیاری از ادیان الهی و بشری و مکاتب فکری، انواعی از منجی‌گرایی، هزاره‌گرایی، موعودگرایی و اعتقاد به ظهور مدینه فاضله و مصلح جهانی وجود دارد و حتی در دنیای جدید نیز این اعتقادات با قوت و قدرت مطرح می‌شوند؛ هم‌چنان‌که دنیای غرب در بطن باورهای مسیحی خود، به ظهور مجدد مسیح ایمان دارد و در مواعظ و توصیه‌های خود، این باور را به شدت تبلیغ می‌کنند. بنابراین، طرح اندیشه مهدویت در فضای قرن بیست و یکم نه تنها استبعادی ندارد، بلکه مخاطبان بسیاری در جهان در انتظار تحقق چنین ایده و آرمانی

هستند و دوست دارند با زوایای مختلف این اندیشه بیشتر آشنا شوند. بدیهی است موج عظیم اسلام‌خواهی در جهان و گرایش روزافزون جهانیان به این دین که حتی موجب هراس و وحشت سردمداران کلیسا و دولت‌های غربی شده، نقشی اساسی در اقبال به اندیشه مهدویت دارد و باید در این زمینه با ابزارهای کارآمد و جدید رسانه‌ای، به تبلیغ و تنویر لازم همت گماشت؛ در دوره‌ای که ایدئولوژی‌ها رو به پایانند، مارکسیسم فرو می‌پاشد و بحران‌های متوالی و دامن‌گیر لیبرال - دموکراسی گسترده می‌شوند، اندیشه جهان‌شمول مهدویت شایستگی طرح و جلب مخاطبان جهانی خود را داشته و دارد.

#### **ز) توانایی دکتربین مهدویت در پاسخ‌گویی به انسان‌ها و جوامع پس از ظهور**

بی‌گمان اندیشه مهدویت در اساس و با توجه به ذخایر و منابع عظیم اسلامی، مطالبات روزافزون انسانی را در حوزه‌های متفاوت می‌تواند به صورت بالقوه پاسخ گوید. این اندیشه باید در حوزه نظری و عملی مورد بازکاوی و تفسیرهای روزآمد واقع شود. از این‌رو، شایسته است که هزاران حدیث مورد تنویر و تفسیرهای انتقادی قرار گیرد و شبهات فراوان در این زمینه پاسخ داده شود تا احادیث ضعیف و ناموثق کنار رود. آن‌گاه با توجه به عرصه‌های جدید حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بشری و مقتضیات زمانی و مکانی جدید، احادیث درباره عصر ظهور، بازنگری و مصداقیابی گردد و به ویژه خصوصیت‌های حکومت جهانی مهدوی، مدت این حکومت، وضعیت دیگر ادیان، اقوام و حقوق اقلیت‌ها، نوع حکومت، جایگاه جمهوری اسلامی در عصر ظهور و قبل از آن، نوع برخورد حضرت با عرب‌ها و فارس‌ها، میزان استفاده از زور یا بهره‌گیری از اقناع و مجادله به نحو احسن، شناسایی شخصیت‌ها و جریان‌های مثبت و منفی عصر ظهور و مصداق‌های معاصر مخالفان و هواداران حکومت مهدوی، مشخص گردند. برای نمونه، باید یادآوری کرد که سنوات حکومت حضرت در احادیث موثق، به طرق مختلف حدود ده، بیست، هفتاد و نود سال ذکر شده، یا بنابر برخی از احادیث، هر سال حکومت ایشان برابر ده سال زمان فعلی است و نیز

درباره سرانجام و شهادت یا درگذشت طبیعی حضرت مهدی علیه السلام بیان‌ها و احادیث روشنی وجود ندارد. بدیهی است از دلایل اصلی این ابهامات این بوده که ائمه بزرگوار اسلام در وضعیت خفقان و استبداد، نمی‌توانستند زوایای کاملی از حکومت جهانی موعود را مشخص سازند و یا به دلیل حساسیت سیاسی این احادیث، تلاش برای کتمان‌سازی آنها توسط راویان، به تضعیف و چندگویی روایات منجر شده است.

هم‌چنین با توجه به طرح مسائل مستحدثه و تازه، تطبیق این احادیث با موضوعات جدید، کار ساده‌ای نیست و جا دارد حوزه‌های فکری و حلقه‌های مطالعاتی گسترده‌ای به تأمل‌ورزی در این زمینه پردازند و علاوه بر ایجاد کرسی‌های علمی و تأسیس رشته‌های مرتبط با این موضوعات در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، صدها کتاب و پایان‌نامه و تزه‌ای دکتری در این قلمروها به رشته تحریر درآید و مباحث از حالت صرف انشا و ادبیات زیبا و یا «نوستالژیک» و یا همراه با مدح و ثناهای فراوان، به گونه‌ای مستدل و واضح بیان شود و مواضع حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و ویژگی‌های آن، تبیین و شفاف‌سازی گردد. البته با توجه به این‌که حکومت مهدوی ادامه و تتمه و تکمله رسالت نبوی و امامت علوی است، این تنویر نباید به احادیث مربوط به زمان حضرت مهدی علیه السلام منحصر گردد، بلکه باید نهضت احیا و تجدید حیات اسلامی مهدوی را نیز در عصر حاضر آغاز کرد و کوشید چهره واقعی و بشردوستانه و متعالی اسلام به‌ویژه تشیع برای همگان آشکار گردد. آن‌گاه باید شبهات، دروغ‌پردازی‌ها، اتهامات ناروا، خرافه‌ها، جهالت‌ها و زنگارهای منتسب و الصاق‌شده بدان که دشمنان و یا ناآگاهان به آن زده‌اند، از آن زدوده شود. روشن است در چنین صورتی، توان اسلام و اندیشه مهدویت برای پاسخ‌گویی به مطالبات بشری بیش از پیش آشکارتر خواهد شد و رغبت آنها به این حیات طیبه که موعود قرآنی است، روزافزون خواهد گردید.

### کرامت انسانی در دولت مهدوی

اهتمام به ارتقای کرامت‌های انسانی و حقوقی بشردوستانه از موضوعات بسیار با اهمیت، به‌ویژه در سدهٔ اخیر بوده است. متأسفانه، این اهتمام با وجود تلاش‌های فراوان اندیشه‌ورزان و جامعه‌بشری، نه‌تنها تاکنون به نتایج پذیرفتنی نینجامیده که این حقوق و کرامت‌ها در بسیاری از انحاء عالم وضعیت اسفناک و بغرنجی دارد.

آیین رحمت و رأفت اسلام، از زمان تالؤ خویش، از منظری الهی به به‌سازی وضعیت بشر و حفظ حقوق و کرامت‌ها و ارزش‌های انسانی نگریده و توجه ویژه‌ای به این امر مبذول داشته است. اسلام همواره کوشیده تا مکارم اخلاقی را

به نهایت کمال برساند. به همین دلیل، شواهد بسیار غنی در منابع قرآنی و روایی این موضوع را تأیید می‌کنند.

از سویی، تبیین جایگاه کرامت‌های انسانی در دولت و عصر مهدوی از موضوعات مهمی به شمار می‌رود که تاکنون بدان کمتر پرداخته شده است. امروزه برخی با تصورات نادرست و چه بسا مغرضانه، از امام عصر علیه السلام صرفاً تصویری خشن و غیر رأفت‌آمیز ترسیم می‌نمایند. از همین رو، نتایج چنین پژوهش‌هایی، این توهم‌ها را از اساس زایل می‌کند و بر غلبه همه‌سویه جوانب انسانی و کریمانه قیام حضرت و شخصیت مکرم ایشان مهر تأیید می‌زند.

سؤال اصلی این پژوهش را این‌گونه می‌توان خلاصه نمود: کرامت‌های انسانی در دولت حضرت مهدی علیه السلام چه جایگاهی دارد و خاست‌گاه اصلی، مبانی و شاخصه‌های آن کدامند؟ و اساساً این کرامت‌ها بر حول چه محور و مداری تحقق و ابتنا می‌یابند؟

برحسب پرسش یادشده، مدعا و مفروض این نوشتار، این‌گونه سامان یافته است: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و در آموزه دولت مهدوی خاست‌گاهی الهی دارد، یعنی انسان نه بر محور انسان بلکه بر محور خدا به کرامت و بزرگواری می‌رسد و میان افزایش تقرّب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت‌های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان، در دولت مهدوی از بالاترین کرامت‌ها و تعظیم‌ها برخوردارند.

این مقاله برای پاسخ به پرسش‌ها و آزمون صدق روایی مدعای فوق، مباحث اصلی را در سه بخش اصلی تدوین کرده است: ابتدا پیشینه تاریخی موضوع کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه، به‌ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می‌گردد و سپس موضوع کرامت در قرآن و روایات تبیین می‌شود و در نهایت، مبحث کرامت انسانی به تفصیل در دوره ظهور تشریح شده و خاست‌گاه‌های

اصلی، شاخصه‌ها و مبانی آن با استناد به منابع روایی بیان می‌گردد.

### الف) کرامت انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقام انسان، انسانیت و کرامت و حقوق انسانی از موضوعاتی بوده که از دیرباز مورد توجه فراوان ادیان، فلاسفه و اندیشه‌ورزان بشری بوده است. امروزه نیز مبحث حقوق بشر<sup>۱</sup> به این موضوع بااهمیت می‌پردازد. این حقوق، از حق زیستن که طبیعی‌ترین حق انسان به شمار می‌رود، شروع می‌شوند و به حقوق معنوی که موجد کمال و اعتلای بشر هستند، مثل آزادی بیان، آزادی قلم و اندیشه ختم می‌گردند. امروزه حقوق مزبور از محدوده مرزهای ملی به صحنه بین‌المللی گذر کرده و به ظاهر در اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت یافته است. البته به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده، بلکه ادیان الهی به‌ویژه اسلام نخستین اعلامیه‌های حقوق را دربرداشته‌اند و فلاسفه و دانش‌مندان نیز به گونه‌ای از حقوق بشر دفاع کرده‌اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه‌ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است. هم‌چنین تاریخ تمدن بشر، شاهدکوشش پیامبران، فلاسفه و متفکران و انسان‌دوستان مشرق و مغرب زمین در اعتلای شأن و کرامت انسان و دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی اوست؛<sup>۲</sup> در این باره به انعقاد «حلف الفضول» توسط محمد امین علیه السلام و قبل از بعثت آن حضرت و هم‌چنین تأسیس نهاد مشابهی که در زمان اسماعیل پیامبر، به صورت پیمانی در قبیله «جرحم» که به نحوی، با هدف حمایت و دفاع از حقوق بشر شکل گرفته، می‌توان اشاره نمود.

از سویی توجه به موضوع کرامت انسانی و حقوق بشر را در این چنین اسنادی

۱. حقوق بشر به زبان انگلیسی «Human Rights» و به فرانسه «Droits de L'homme» و به عربی «حقوق الانسان» نامیده می‌شود.

۲. نک: حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۸.

تاریخی می‌توان مطالعه کرد: قانون حمورابی پادشاه بابل (۲۱۲۳ - ۲۰۸۰ قبل از میلاد)، قانون اساسی آتن (۵۰۷ قبل از میلاد)، منشور کوروش پادشاه هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلاد)، الواح دوازده‌گانه روم (۴۵۱ قبل از میلاد)، اقدامات ژوستینیان امپراتور روم (قرن ششم قبل از میلاد) در جهت احیا و اصلاح الواح دوازده‌گانه روم، قطع‌نامه ماکناگارتا معروف به منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵ میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (۱۸۶۶ میلادی)، منشور آزادی‌ها مصوب دادگاه عمومی ماساچوست (۱۶۴۱ میلادی)، اعلامیه استقلال امریکا (۱۷۶۶ میلادی)، لایحه حقوقی ویرجینیا (۱۷۷۶ میلادی). بنابراین اسناد<sup>۱</sup> زمام‌داران به رضا یا اکراه، رعایت حقوق و آزادی‌ها و کرامت انسان‌ها را به تناسب شرایط زمانی و مکانی خویش، جزو دستور و برنامه کار خود قرار دادند.

با وجود طرح مباحث کرامت انسانی در کهن‌ترین اسناد بشری، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشینه‌ای کمتر از شصت سال دارد. در واقع این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (۱۹ آذر ۱۳۷۲ شمسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و رسماً انتشار یافت. از آن‌جا که مواد این میثاق تنها هنگامی اجرایی می‌شد که ۳۵ کشور به آن ملحق شوند، از این‌رو فرآیند این الحاق‌ها مدت‌ها طول کشید تا آن‌که در ۱۹۶۶ میلادی پس از تکمیل امضاها، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر از حیث عملی قابلیت پی‌گیری یافت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک مقدمه و سی ماده دارد. مقدمه اعلامیه متضمن سلسله مفاهیم و اندیشه‌هایی بنیادی است که امضاکنندگان اعلامیه، اعتماد و اعتقاد راسخ خود را به آن اعلام داشته‌اند. آن مفاهیم عبارتند از:

۱. وحدت اعضای خانواده بشری، حیثیت ذاتی انسان (کرامت انسانی) و شناسایی حقوق ناشی از آن (حقوق بشر)؛

۱. نک: اعلامیه‌های حقوق بشر، ص ۲ (مقدمه).



۲. آزادی عقیده و بیان، و آزادی از ترس و فقر و به‌طور کلی استقلال فرد؛
۳. حمایت حقوق بشر از راه اجرای قانون (حاکمیت قانون)؛
۴. برابری حقوق انسان و برابری ملت‌ها و دولت‌ها؛
۵. توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها.

نویسندگان اعلامیه، وحدت اعضای خانواده بشری (افراد بشر)، کرامت انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌دانند و ظهور جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر رها باشند، بالاترین آمال بشری اعلام می‌نمایند. مقدمه اعلامیه چنین آغاز می‌شود:

از آن‌جا که حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد... از آن‌جا که عدم شناسایی و تحقیق حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام شده است...<sup>۱</sup>

اعلامیه در سی ماده، حقوق بشر را با وضوح و صراحت کاملی اعلام می‌دارد و آنها را برای رشد و پرورش شخصیت انسانی ضروری می‌داند. (ماده ۲۸ و بند ۱ از ماده ۳۰)<sup>۲</sup>

متأسفانه باوجود این تلاش‌ها برای حفظ و رعایت کرامت انسانی، نتایج به دست آمده فاقد موفقیت‌های لازم و درخور بوده و به اعتقاد صاحب‌نظران، «به رغم تلاش‌هایی که صورت گرفته و موفقیت‌هایی که به دست آمده، وضع حقوق

۱. نک: آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۲. برای مشاهده متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، نک: اعلامیه‌های حقوق بشر، ص ۱۲ - ۱۷. هم‌چنین برای بررسی تحلیلی این اعلامیه نک: آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹ - ۲۳۲ و حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۹ - ۳۸۱.

بشر از هر زمان دیگری بحرانی‌تر و اسفناک‌تر است. علوم و فنون بیش از آنچه در خدمت حقوق باشند، در خدمت پایمال کردن حقوق انسان‌ها در ابعاد وسیع و وحشت‌ناک قرار گرفته‌اند. حتی خود حقوق بشر نیز از زمانی که به صورت ابزارهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در آمده، به صورت ابزاری برای سرکوب ملت‌های ضعیف به کار گرفته شده است و متأسفانه اندیشه‌ها و نظریه‌های انتزاعی که به مدت دویست سال در دفاع از حقوق بشر به کار گرفته شده‌اند، هیچ کمکی به پیشرفت موضوع نکرده‌اند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، فقدان حمایت‌ها و نبود ضمانت اجرایی میثاق‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر از دلایل چنین ناکامی‌هایی است که به ناکارایی چنین اعلامیه‌ای انجامیده؛ چنان‌که ارزش حقوقی این میثاق نیز کاملاً زیر سؤال رفته است. ارزش‌یابی نهایی این اعلامیه در حفظ کرامت انسانی از دید کلی از صاحب‌نظران این‌گونه بیان شده است:

در پایان باید دانست با وجود آن‌که اعلامیه حقوق بشر، فاقد ارزش حقوقی است، لکن باید این حقیقت را پذیرفت که اصول اعلامیه در معاهدات بین‌المللی رسوخ کرده و به صورت عرف بین‌المللی درآمد است که خود از جمله منابع حقوق بین‌المللی به‌شمار می‌رود...<sup>۲</sup>

با این وجود، ضمانت اجراهای مندرج در میثاق‌ها بسیار ضعیف است و از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد، به‌ویژه میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سعی نمی‌کند که اجرای این دسته از حقوق بشر را به گونه مؤثری تضمین نماید...<sup>۳</sup>

گفتنی است که یکی دیگر از علل ناکارایی اعلامیه جهانی حقوق بشر و

۱. حقوق بشر، ص ۵ (مقدمه مترجم).

۲. آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۳۲.

۳. همان، ص ۲۳۳.

میثاق‌های آن، ناهم‌سازی معدودی از موارد آن (مانند ماده ۱۶ و ۱۸) با موازین اسلامی است و به همین دلیل نیز کشورهای مسلمان در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، اعلامیه حقوق بشر را در پنجم اوت ۱۹۹۰ (پانزدهم مرداد ۱۳۶۹) در ۲۵ ماده به تصویب رساندند،<sup>۱</sup> هرچند که این اعلامیه نیز همانند سایر میثاق‌ها در حد حرف و انتزاعیات باقی مانده و فاقد ضمانت اجرا و حمایت و تحقق عملی است.

### ب) کرامت انسانی در قرآن و روایات

مفهوم «کرامت» در لغت، در مقابل «لثامت» و «دنائت» و «دنیا» قرار می‌گیرد؛ هم‌چنان‌که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «من کرمت نفسه صغرت الدنيا فی عینه». <sup>۲</sup> بنابراین، کرامت از مفاهیم استعلایی است که از طریق تعالی روح و به گونه‌ای ایجابی و با نزاهت و دوری از همه پستی‌ها و دنائت‌ها به گونه‌ای سلبی بر قامت انسان وارسته از همه تعلقات، وابستگی‌ها و دل‌بستگی‌ها و آلودگی‌های دنیوی پوشانده می‌شود.

راغب اصفهانی از دو جهت به معنای کرامت می‌پردازد. کرامت خداوند با استناد به آیاتی مانند: «فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ»<sup>۳</sup> نام احسان و نعمت‌هایی است که خدا می‌دهد و از این طریق ظهور می‌کند و در جایی که بخواهد انسان توصیف شود، به نام آراستگی‌ها و افعال نیکی که از او آشکار می‌شود، کرامت گفته می‌شود، ولی درباره او کریم نمی‌گویند. سپس راغب می‌گوید: واژه کرامت معنای عامی دارد و به هر چیزی که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، کرامت می‌گویند. به همین دلیل خداوند درباره گیاه می‌گوید: «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ

۱. برای ملاحظه اعلامیه اسلامی حقوق بشر نک: اعلامیه‌های حقوق بشر، ص ۴-۱۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۳.

۳. «بی‌گمان پروردگارش بی‌نیاز و کریم است.» (سوره نمل، آیه ۴۰)

زَوْجِ كَرِيمٍ<sup>۱</sup>. هم‌چنین اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفعی و فایده‌ای برساند که در آن پیچیدگی و مانع نباشد.<sup>۲</sup>

جالب آن‌که یکی از معروف‌ترین اسامی قرآن در نزد مسلمانان، «قرآن کریم» است؛ هم‌چنان‌که با گشودن این صحیفه الهی، به کلمات و واژگان بسیاری برمی‌خوریم که با کلمه «کریم» پیوند خورده است؛ واژه‌هایی همانند: «رسول کریم»،<sup>۳</sup> «رزق کریم»،<sup>۴</sup> «اجر کریم»،<sup>۵</sup> «کتاب کریم»،<sup>۶</sup> «رب الکریم»،<sup>۷</sup> «زوج کریم»،<sup>۸</sup> «مقام کریم»،<sup>۹</sup> «عرش کریم»،<sup>۱۰</sup> «ملک کریم»،<sup>۱۱</sup> «قول کریم»،<sup>۱۲</sup> «عزیز کریم»،<sup>۱۳</sup> «قرآن کریم»<sup>۱۴</sup> و «مدخل کریم».<sup>۱۵</sup>

با نگاهی کوتاه و گذرا به واژگان پیش‌گفته، به جز مواردی که مختص ذات الهی است، درمی‌یابیم که بسیاری از آنها درباره انسان و یا امور درباره اوست، مانند: رزق، زوج، اجر و... علاوه بر واژه کریم، مشتقات دیگری از این واژه به صور مختلف در قرآن کریم به کار رفته که هرکدام یادآور نکته‌ای خاص و بیان‌گر موضوعی در این زمینه است.

۱. «و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم.» (سوره لقمان، آیه ۱۰)

۲. نک: معجم مفردات الفاظ القرآن، باب الکریم، ص ۴۴۵ - ۴۴۶.

۳. سوره دخان، آیه ۱۷.

۴. سوره حج، آیه ۵۰.

۵. سوره حدید، آیه ۱۱.

۶. سوره نمل، آیه ۲۹.

۷. سوره انفطار، آیه ۶.

۸. سوره لقمان، آیه ۱۰.

۹. سوره دخان، آیه ۲۶.

۱۰. سوره مؤمنون، آیه ۱۶.

۱۱. سوره یوسف، آیه ۳۱.

۱۲. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۱۳. سوره دخان، آیه ۴۹.

۱۴. سوره واقعه، آیه ۷۷.

۱۵. سوره نساء، آیه ۴.

قرآن کریم آن جا که می‌خواهد در میان گرامیان، با کرامت‌ترین را نزد خداوند معرفی کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»<sup>۱</sup> را یادآور می‌شود و آن جا که اوصاف نیکان را یادآوری می‌کند، به عبور کریمانه آنان می‌پردازد: «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»<sup>۲</sup> و وقتی به ملائک محافظ انسان اشاره می‌کند، آنان را به «کِرَامًا كَاتِبِينَ»<sup>۳</sup> می‌ستاید که نشان از جایگاه و موقعیت آنها نزد فرشتگان دیگر دارد و در آن هنگام که از نامه‌های یادآوری کننده همراه با ارائه دهندگان آنها یاد می‌کند، به وصف کرامت می‌خواند: «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ... \* بِأَيْدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ»<sup>۴</sup> که یادآور قیامت است و تنهایی او.<sup>۵</sup>

گفتنی است که انواع کرامات الهی مذکور در قرآن را در دو نوع تکریم عام و تکریم خاص می‌توان جای داد: نوع اول این توجّهات و کرامات، عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و ... را شامل می‌شود که بیان‌گر صفت رحمانیت خداوند است. همان‌گونه که در تفسیر صفت «رحمان» آمده، رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را دربرمی‌گیرد.<sup>۶</sup> کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخّر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی از این جمله‌اند.

نوع دیگر کرامات الهی به بشر، خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته‌اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها، رحمت خاصی عطا کرده که غیرمؤمنان، از آن بی‌نصیبند. از این نوع کرامت و

۱. «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۲. «و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند.» (سوره فرقان، آیه ۷۲)

۳. سوره انفطار، آیه ۱۱.

۴. «در صحیفه‌هایی ارجمند، ... به دست فرشتگانی، ارجمند و نیکوکار.» (سوره عبس، آیه ۱۶)

۵. نک: «فضیلت از یاد رفته»، ص ۴ و ۵.

۶. نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸.

رحمت در لسان قرآن و تفاسیر، به رحمت خاص یاد شده است. مفسران در معنای «رحیم» گفته‌اند که نوعی از رحمت خاص پروردگار است که تنها مؤمنان را شامل می‌شود: «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»<sup>۱</sup> و نیز خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»<sup>۲ و ۳</sup>

به هر حال، تعدد آیات قرآنی مربوط به موضوع کرامت انسانی بیان‌گر آن است که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان ارزش و اهمیت قائل نشده است.<sup>۴</sup> قرآن انسان را جانشین خدا بر روی زمین می‌داند<sup>۵</sup> و وی را موجودی می‌خواند که فرشتگان بر او سجده کرده‌اند،<sup>۶</sup> همه آسمان‌ها و زمین در تسخیر او هستند و موجودات جهان آفرینش سرتمکین در برابر او فرود آورده‌اند.<sup>۷</sup> در نظر اسلام، انسان مقام و ارزش والایی دارد و خداوند، سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم ساخته است. روح خدا در آدم دمیده شده و شایسته تکریم و تعظیم گردیده و حتی فرشتگان مأمور شده‌اند که بر او سجده کنند. انسان در نظر اسلام دارای مقام خلیفه‌الله است.<sup>۸</sup> در این زمینه آیات و روایات فراوان وجود دارد، به‌ویژه آیه‌ای از سوره اسراء کرامت انسانی را با وضوح هرچه تمام‌تر اعلام می‌دارد:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾<sup>۹</sup>

۱. «و به مؤمنان همواره مهربان است.» (سوره احزاب، آیه ۴۳)

۲. «[خداوند] نسبت به آنان مهربان و رحیم است.» (سوره توبه، آیه ۱۱۷)

۳. نک: همان، ص ۱۹.

۴. برای نمونه نک: چکیده مقالات همایش بین‌المللی امام خمینی علیه السلام و قلمرو دین (کرامت انسان).

۵. سوره بقره، آیه ۳۰.

۶. سوره بقره، آیه ۳۴.

۷. سوره ابراهیم، آیه ۳۲.

۸. سوره بقره، آیه ۲۹.

۹. آیه ۷۰.

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

گفتنی است که از نظر اسلام، همان‌طور که از پاره‌ای آیات از جمله آیه ۲۹ از سوره بقره برمی‌آید، همه انسان‌ها صرف‌نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار آنها دارای کرامت هستند، هرچند که انسان باتقوا دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است. به دیگر سخن، هر انسان کرامت ذاتی دارد، اما گروهی از انسان‌ها علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی یا اکتسابی نیز هستند که بنا به آیه معروف: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۱</sup> با تقوا به دست می‌آید. اسلام به‌ویژه بر این کرامت تأکید دارد، در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین کشورها، به این کرامت توجه چندانی نشده است.<sup>۲</sup> البته دلیل چنین امری بدیهی می‌نماید؛ در این دست از اعلامیه‌ها که بر مبنای تفکر انسان‌مدارانه و اومانستی و لیبرالیستی غربی نگاشته شده، نظام‌ها و اندیشه‌های سکولار حاکم بر جوامع غرب، مبنای کرامت را در خود انسان و فرد جای داده‌اند و انسان و ارزش‌های صرف انسانی و مادی را جای‌گزین خدا و ارزش‌های الهی نموده‌اند و در حقیقت و برخلاف تفکر اسلامی، خاست‌گاه کرامت‌های انسانی را الهی ندیده‌اند و بلکه آن را بشری پنداشته‌اند و آن را در دایره حقوق طبیعی انسان‌ها تعریف کرده‌اند و لذا مبنای جعل آن را غالباً بشری و نه الهی به‌شمار می‌آورند. به همین دلیل، برخی از مواد این اعلامیه‌ها با پاره‌ای از موازین ادیان الهی و از جمله اسلامی دارای درجاتی از مغایرت است.

همان‌طور که آیات الهی، منشأ و خاست‌گاه کرامت‌های انسانی را الهی می‌بینند، روایات اسلامی نیز چنین دیدگاهی اصولی دارند. در این‌گونه روایات در موضوعاتی مانند «کرم»، «کرامه»، «کریم»، «کرام»، و «اکرام» به موضوع کرامت

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، ص ۳۸۲ - ۳۸۳.

پرداخته شده است و صفات متعدد الهی و در رأس آنها تقوا که مایه تقرب به درگاه ذات احدیت می‌گردد، از مؤلفه‌های تحقق کرامت به حساب آمده است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

لا کرم کالتقوی؛<sup>۱</sup>

هیچ کرمی مانند تقوا نیست.

من اتقی ربّه کان کریماً؛<sup>۲</sup>

هر کس تقوای الهی پیشه کند، کریم است.

إنّما الکرّم التنزّه عن المعاصی [المساوی]؛<sup>۳</sup>

به درستی که کرم به معنای اجتناب از گناهان و بدی‌هاست.

الکرم حسن السجیة و اجتناب الدنیة؛<sup>۴</sup>

کرم به معنای سجایای نیکو و اجتناب از پستی‌هاست.

أملک علیک هواک و شُحّ بنفسک عمّا لایحلّ لک، فإنّ الشحّ بالنفس  
حقیقة الکرّم؛<sup>۵</sup>

هوای نفس بر تو سیطره دارد، بر نفست از آن چیزی که بر تو حلال نیست، بخل ورز و از او دریغ دار؛ زیرا در حقیقت این امساک نفس، عین واقعیت کرم است.

الکرم نتیجة علوّ الهمة؛<sup>۶</sup>

کرم و کرامت نتیجه علو همت است.

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته؛<sup>۱</sup>

۱. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲. همان، ص ۳۷۴.

۳. همان، ص ۳۶۳.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.



کسی که نفس او کریم و بزرگوار شود، شهوتش بر او خوار و ضعیف می‌گردد.

الکریم من تجنّب المحارم و تنزّه عن العیوب؛<sup>۲</sup>

کریم کسی است که از محارم اجتناب نموده و خود را از عیب‌ها منزّه می‌دارد.

یستدلّ علی کرم الرجل بحسن بشره و بذل برّه؛<sup>۳</sup>

کرامت مرد با روی گشاده و بذل و بخشش نیکی‌هایش اثبات می‌گردد.

الکریم یعفو مع القدرة، و يعدل مع الإمرة و یکفّ لسانه، و یبذل إحسانه؛<sup>۴</sup>

کریم کسی است که هنگام قدرت عفو می‌کند و در هنگام امارت و امیری عدالت می‌ورزد و زبانش لجام دارد و نیکی‌هایش را بذل و بخشش می‌کند.

هم‌چنین در روایت جالبی، پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کرامت را با تدین یکی دانسته و فرموده‌اند: «کرم الرجل دینه»<sup>۵</sup> کرامت هر شخصی در دین وی نهفته است. در روایت دیگری امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام سه چیز را دال بر کرامت فرد می‌داند که عبارتند از حسن خلق، فروخوردن خشم و چشم‌پوشی و گذشت.<sup>۶</sup>

بدیهی است که همه این روایات و دیگر اشارات قرآنی، سر چشمه کرامت انسانی و بشری را در دیانت و فطرت الهی انسان جست‌وجو می‌کنند و معنای واقعی و متعالی آن را از این منظر می‌نگرند. البته به کرامت، نه تنها از زاویه فردی و اخلاقی که از زوایای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز چنین نگریسته می‌شود و کاملاً می‌توان این برداشت از کرامت و جایگاه آن را در تعاملات اجتماعی و

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۶۵.

۳. همان، ص ۳۶۲.

۴. همان، ۳۶۶.

۵. همان، ص ۳۶۲.

۶. «ثلاثة تدلّ علی کرم المرء: حسن الخلق و کظم الغیض و غضّ الطرف.» (همان)

سیاسی ملاحظه نمود؛ هم‌چنان‌که امام علیه السلام نیز ویژگی‌های دولت کریمه را در تقابل با دولت فرومایه چنین به تصویر کشیده است:

دولة الکریم تظهر مناقبه، دولة اللئیم تکشف مساویه و معایبه؛<sup>۱</sup>  
دولت کریمه دولتی است که مناقب و نیکی‌های آن آشکار می‌شود و دولت فرومایه و لئیم، دولتی است که بدی‌ها و معایب آن بروز می‌یابد.

### ج) کرامت انسانی در عصر ظهور

#### ۱. زوال کرامت‌ها از ملاحم قبل از ظهور

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام از زوال کرامت انسانی و بروز ناامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها و فتنه‌های فراوان و فساد گسترده به عنوان ملاحم و نشانه‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام و ویژگی عصر غیبت یاد شده است، از جمله خطبه ۱۳۸ *نهج البلاغه*<sup>۲</sup> چنین مضامینی دارد؛ هم‌چنان‌که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید:

مَنّا مهدی هذه الأُمَّة إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا کبیر یرحم صغیراً و لاصغیر یوقر کبیراً فیبعث الله عند ذلك مهدینا التاسع من صلب الحسین یفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاء یقوم فی الدین فی آخر الزمان کما قمت به فی أوّل الزمان و یملاً الأرض عدلاً کما ملئت جوراً؛<sup>۳</sup>

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شده و فتنه‌ها آشکار شود و راه‌ها مورد راه‌زنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعضی دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است

۱. همان، ص ۳۶۶.

۲. نک: *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۳. محمدباقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴.

برج و باروهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتح می‌کند و در آخرالزمان برای دین قیام می‌کند؛ همان‌طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پرشده، از عدل و داد، پر و سرشار می‌سازد.

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۰۸ *نهج البلاغه* با جملاتی مانند: «تفیض اللئام فیضاً و تغیض الکرام غیضاً...» عصر فرومایگی قبل از ظهور و فراگیری لئامت و نُدرت‌یابی کرامت را به‌خوبی تشریح فرموده‌اند؛ دوره‌ای که همانند جامعه هابزی، انسان‌ها گرگ یک‌دیگر شده و درنده‌خویی جای انسانیت و مدنیت را می‌گیرد. این ملاحم که مسخ همه ارزش‌ها و کرامت‌های الهی و انسانی را دربردارد، از دید امام علیه السلام چنین بیان شده است:

پس در آن هنگام که بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود و جهل و نادانی بر مرکب‌ها سوار و طاغوت زمان عظمت یافته و دعوت‌کنندگان به حق اندک و بی‌مشتی خواهند شد. روزگار چونان درنده خطرناکی حمله‌ور شده و باطل پس از مدت‌ها سکوت، نعره می‌کشد. مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند و در جدانشدن از دین متحد می‌گردند و در دروغ‌پردازی با هم دوست و در راست‌گویی دشمن یک‌دیگرند. و چون چنین روزگاری می‌رسد، فرزند با پدر دشمنی می‌ورزد و باران خنک‌کننده، گرمی و سوزش آورد، پست‌فطرتان و لئیمان همه‌جا را پر و لبریز می‌نمایند و افراد با کرامت و بزرگواری به شدت کم‌یاب و کاسته می‌گردند. مردم آن روزگار چون گرگان و پادشاهان چون درندگان، تهی‌دستان طعمه آنان و مستمندان چون مردگان خواهند بود، راستی از میانشان رخت برمی‌بندد و دروغ فراوان می‌شود. با زبان تظاهر به دوستی دارند، اما در دل دشمن هستند. به گناه افتخار می‌کنند و از پاک‌دامنی به شگفت می‌آیند و اسلام را چون پوستینی وارونه می‌پوشند.

بدیهی است در چنین زمانی با تکریم دون‌پایگان، مجالی برای احترام به کرامات واقعی انسانی نخواهد بود و مؤمنان و شیعیان ذلیل خواهند شد.

در این باره علامه مجلسی از غیبت نعمانی حدیثی را از امام علی علیه السلام بدین شرح نقل نموده است:

روزی بیاید که شیعیان مانند بز باشند که شیر نداند دست روی کدام یک از آنها بگذارد! یعنی عزت آنها از دست رفته و کسی احترامی برای آنها قائل نیست و کسی ندارند که در کارهای خود به وی پناه برند.<sup>۱</sup>

## ۲. امام مهدی علیه السلام مظهر کرامت‌ها و سرآمد کریمان

امام مهدی علیه السلام همانند جد خویش اکرم‌الاکرمین و خاست‌گاه کرامت است. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بارها خود را چنین متصف می‌نمود و می‌فرمود: «أنا أكرم الأكرمين»<sup>۲</sup> یا «أنا أكرم ولد آدم علی ربی».<sup>۳</sup> هم‌چنین با توجه به روایات فراوانی که سنت و سیره امام عصر را هم‌سان سنت و سیره نبوی و علوی به شمار می‌آورند، بسیار بدیهی است که دولت تحت فرمان مهدوی، بر محور کرامت و لحاظ عالی‌ترین حد کرامت‌های الهی و انسانی حرکت کند و تبلور یابد. در همین زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سنته سنتی یقیم الناس علی ملتى و شریعتی و یدعوهم إلی کتاب ربی عزوجل؛<sup>۴</sup>

سیرت و سنت او، سیرت و سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند.

و یا امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

إن قائمنا إذا قام لبس لباس علی و سار بسیرته؛<sup>۵</sup>

۱. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۱.

۲. میزان الحکمه، ص ۳۷۳.

۳. همان.

۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

به درستی که قائم ما در هنگام قیام، لباس علی را پوشیده و به سیره او حرکت و عمل می‌کند.

مهدی موعود علیه السلام همانند سایر ائمه هدی مظهر کرامت، انس و شفقت و دل‌سوزی با مردم بوده و پناه‌گاه عالمیان است و این مقام جز در قالب امامت شیعی تصورشدنی نیست. این مطلب در روایت امام رضا علیه السلام این‌گونه توصیف شده است:

الإمام الأئیس الرفیق و الوالد الشفیق و الأخ الشفیق و الأمّ البرّه بالولد الصغیر  
مفزع العباد فی الداهیه النّاد؛<sup>۱</sup>

امام، آن‌هم‌دم‌همراه و آن‌پدر‌مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) بوده و همانند مادر دل‌سوز به فرزند خردسال و پناه‌گاه بندگان در واقعه هول‌ناک است.

یکون اولی الناس بالناس من أنفسهم، و أشفق علیهم من آبائهم و أمهاتهم، و  
یکون أشدّ الناس تواضعاً لله عزّوجلّ، و یکون آخذ الناس بما یأمر به، و أكفّ  
الناس عمّا ینهی عنه... و یکون أعلم الناس و أحکم الناس و أتقى الناس و  
أحلم الناس، و أسخی الناس و أعبد الناس... و تنام عیناه و لاینام قلبه...<sup>۲</sup>  
او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر  
خداوند از همه متواضع‌تر است. آن‌چه به مردم فرمان می‌دهد، خود بیش از  
دیگران به آن عمل می‌کند و آن‌چه مردم را از آن نهی می‌کند، خود بیش از  
همگان از آن پرهیز می‌کند... او عالم‌ترین، حکیم‌ترین، باتقواترین،  
صبورترین، بخشنده‌ترین و عابدترین مردمان است... و اگر چشمان او به  
خواب رود، قلبش بیدار است...

امام مهدی علیه السلام سرآمد کریمان عالم، متواضع‌ترین فرد جهان بشری در برابر

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۷ و ۴۳۹. (به نقل از: الزام الناصب، ص ۹ و ۱۰)

خداوند بوده<sup>۱</sup> و در شتاب به سوی نیکی‌ها و بزرگواری‌ها، مجاهد و مجتهدی سخت‌کوش است.<sup>۲</sup> او کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب را دارد<sup>۳</sup> و می‌توان وی را سرآمد تهجدپیشگان و شب‌زنده‌داران و ساجدان به درگاه الهی به شمار آورد. امام کاظم علیه السلام اوصاف عبادی امام غایب را چنین برشمرده است:

او [مهدی علیه السلام] بر اثر تهجد و شب‌زنده‌داری رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات می‌کند... او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌کند.

اوصاف کریمانه امام عصر به کرات در روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ همان‌طور که امام علی علیه السلام با ذکر این اوصاف، بزرگواری و کرامت فرزند دوازدهم خود را مایه پناه و گردهم‌آیی مسلمین و تجدید عزت و عظمت آنها به حساب آورده است:

مردی است نیرومند، شمشیری از شمشیرهای خدا، بزرگی است بخشنده و با استقامت. فرق او به قله عظمت می‌ساید و بزرگواری همیشگی او بر بهترین اصول استوار است... پناه دادن وی به مردم بی‌پناه از شما بهتر، علمش از شما افزون‌تر و جهدش در صله ارحام از همه بیشتر است. خداوندا با بیعت کردن با وی، مردم را از اندوه بیرون آور و مسلمانان را از پراکندگی نجات ده! ...<sup>۴</sup>

### ۳. کرامت‌های انسانی با خاست‌گاهی الهی

حکومت جهانی امام عصر علیه السلام در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و

۱. «قال الرضا علیه السلام: یكون أشدّ الناس تواضعاً لله عزّوجلّ.» (نک: همان، ص ۴۳۶)

۲. «قال الرضا علیه السلام: الجحاح المجاهد المجتهد.» (نک: همان، به نقل از: جمال الاسبوع، ص ۴۱۰)

۳. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۴. مهدی موعود، ص ۳۴۲.

برداشتن موانع این مسیر است و می‌خواهد وعده الهی<sup>۱</sup> تفوق جهانی اسلام بر سایر ادیان را محقق نماید و در سایه حاکمیت امام عصر<sup>ع</sup>، بانگ توحید را همه‌جا فراگیر سازد و شرک و کفر را نابود کند. اساساً حیات معنوی وجه تمایز انسان با سایر موجودات است و همین حیات، او را به خداوند حیات آفرین می‌رساند و به مقام قرب الهی نایل می‌کند؛ هم‌چنان‌که قرآن کریم بر همین مبنا، انسان را به سوی احیای واقعی فرا می‌خواند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

از این رو، در زمان حاکمیت جهانی دولت کریمه، این بخش از وجود آدمی و مکارم عالی و ارزش‌های انسانی در همه ابعاد سامان گرفته و رونق و طراوت می‌یابد و از دلایل فضیلت‌مداری و کرامت‌محوری چنین دوره‌ای، نابودی شرک و برطرف شدن همه زمینه‌های صفات رذیله است. به فرموده امام باقر<sup>ع</sup>:

... هر آینه (در زمان امام مهدی<sup>ع</sup>) دین محمد<sup>ص</sup> به هر جا که شب می‌رسد خواهد رسید و عالم‌گیر خواهد شد، به گونه‌ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان‌گونه که خداوند وعده کرده است.<sup>۳</sup>

در حکومت دین‌سالار مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و با از بین رفتن بسیاری از گناهان، کرامت‌های الهی و دروازه‌های برکت به سوی عالمیان گشوده خواهد شد. امام علی<sup>ع</sup> در عبارات‌های مختلفی ضمن شرح

۱. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.» (سوره صف، آیه ۹ و سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره فتح، آیه ۲۸)

۲. سوره انفال، آیه ۲۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

تفصیلی این دوران فرموده است:

او [حضرت مهدی علیه السلام] خواسته‌ها و امیال را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد...<sup>۱</sup> بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند، رونق کشاورزی بی‌اندازه می‌شود، زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی‌بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می‌آورند؛ نماز جماعت رونق می‌گیرد، عمرها طولانی می‌گردد، امانات ادا می‌شود، درختان پرمیوه و برکات فراوان می‌گردد، اشرار نابود می‌شوند، اختیار باقی می‌ماند و دشمنان اهل بیت باقی نمی‌مانند.<sup>۲</sup>

در عصر ظهور کرامت‌های الهی و بشری در بستر احیای امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد و «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»<sup>۳</sup> و خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام این امت را پس از آن که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند<sup>۴</sup> و او آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد کرد؛ همان‌طور که در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از امام غایب بوده، این اشاره آمده است:

أین طامس آثار الزیغ والأهواء، أین قاطع حبال الكذب و الإفتراء؛

کجاست آن‌که ریسمان‌های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن‌که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟

بر همین منوال، امام هیچ بدعتی را وا نمی‌گذارد، مگر این‌که آن را ریشه‌کن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۳.

۳. «قال الباقر علیه السلام: المهدی و أصحابه... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.» (نک: الغیبه، ص ۲۴۲، روایت ۲۶)

۴. «قال النبی صلی الله علیه و آله: ... لیصلح الأمة بعد فسادها.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳)



کند و از هیچ سنتی الهی نمی‌گذرد، مگر این که آن را برپا نماید.<sup>۱</sup> هم‌چنین از اقدامات اساسی جهت تمهید و بسترسازی احیای کرامت‌ها و فضایل عالی در جامعه آخرالزمان، نابودی شیطان به دست امام عصر علیه السلام است. علامه مجلسی در *بحارالأنوار* در ذکر روایتی نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره «وقت معلوم» که خداوند به شیطان فرمود منتظر آن باشد<sup>۲</sup> پرسیدند و ایشان فرمود:

روز قیام قائم ماست؛ وقتی خداوند او را برانگیخته می‌کند (و آماده قیام است) و در مسجد کوفه است. در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می‌رود، به آن جا می‌آید و می‌گوید: ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند. آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می‌رسد.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، عصر ظهور، دوران تکمیل و متمیم مکارم اخلاقی و کرامت‌های انسانی خواهد بود؛ دوره‌ای که با عملیات اصلاحی دولت مهدوی، آدمیان به نهایت تزکیه نفسانی، بلوغ و تکامل اخلاقی می‌رسند و ایمان آنها از حیث عقیدتی و عمل کامل می‌شود و مسلمانان و مؤمنان عزت می‌یابند و منافقان و بی‌دینان ذلیل می‌گردند؛ همان‌گونه که در دعای افتتاح، این وضعیت آرمانی و کریمه این‌گونه از خدا مطالبه گردیده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزَّ بِهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ وَتَذُلُّ بِهَا  
النِّفَاقُ وَأَهْلُهُ؛

خدایا! از تو امید داریم که دولت با کرامت امام زمان را به ظهور آوری، و اسلام و اهلس را با آن عزت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

۱. «قال الباقر علیه السلام: ... و لا یترک بدعة إلا أزالها و لاسنة إلا أقامها.» (همان، ج ۵۸، روایت یازدهم)

۲. «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ». (سوره حجر، آیه‌های ۳۷ و ۳۸ و سوره ص، آیه ۸۱)

۳. مهدی موعود، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶.

#### ۴. کرامت‌محوری و کرامت‌خواهی در ادعیه امام مهدی علیه السلام

در مجموعه دعا‌های حضرت مهدی علیه السلام که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود نیز کرامت‌خواهی و کرامت‌محوری موج می‌زند. برای نمونه در دعای معروف زیر امام علیه السلام ضمن درخواست هدایت الهی به منزله مبنای کرامت (و اکرنا بالهدی)، راه‌کارهای فراوانی را برای همه قشرهای اجتماعی در کسب کرامت از مسیر اطاعت الهی و دوری از معاصی و محرمات الهی بیان می‌فرمایند:

بارها! به ما توفیق فرمان‌برداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و نیت پاک و بی‌آلایش و شناخت و معرفت به آنچه نزد تو ارزش‌مند است، عطا فرما و ما را به هدایت و پایداری تکریم نما و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت لبریز فرما و شکم ما را از اطعام حرام و شبهه‌ناک پاک گردان و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز باز دار و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ دار و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان! به دانش‌مندان ما زهد و بی‌رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی و به دانش‌آموزان ما جدیت و شوق و رغبت و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری و به بیماران مسلمان شفا و آسایش و به مردگان آنان رأفت و رحمت، به پیرمردان ما وقار و متانت، به جوانان، بازگشت به سوی تو و توبه، و به زنان، حیا و عفت عنایت فرما و به ثروت‌مندان تواضع و سعه صدر و به فقیران صبر و قناعت و به رزمندگان نصرت و پایداری و به اسیران آزادی و آسایش و به امیران و فرماندهان دادگری و مهربانی و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما! و به توشه و سرمایه حجج و زائران برکت عنایت کن و حج و عمره‌ای که بر آنان واجب ساخته‌ای، ادا فرما! به فضل و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.<sup>۲</sup>

این عبارت زیبا، بلند و متعالی از ادعیه امام غایب به‌خوبی نشان می‌دهد که در

۱. برای نمونه نک: صحیفه المهدی، صحیفه مهدیه.

۲. مصباح‌الکفعمی، ص ۲۸۱.

اندیشه اسلامی و مهدوی کرامت‌های انسانی بدون ابتدای بر مبادی ایمانی و توحیدی فاقد معنا و دلالت لازم بوده و این ارزش‌ها چه در حوزه‌های فردی و چه در تعاملات اجتماعی بر مبنای عمل به آموزه‌های دینی و اتصاف به اخلاقیات اسلامی شکل می‌گیرد.

#### ۵. بیعت‌نامه مهدوی، منشور کرامت‌مداری و بشردوستی

بدیهی است که رعایت کرامات انسان‌ها و حقوق بشردوستانه - مبتنی بر آیین توحیدی اسلام - تنها به امام عصر علیه السلام ختم نمی‌شود، بلکه یاران وی نیز عالم و عامل به این حقوق و مظهر آن در تعاملات فردی و اجتماعی هستند؛ زیرا آنان به خداوند و امام خود شناخت فراوان دارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور دارند؛ هم‌چنان‌که امام علی علیه السلام درباره ایشان فرموده است:

رجال عرفوا الله حقّ معرفته و هم أنصار المهدی فی آخرالزمان؛<sup>۱</sup>  
مردانی که خدا را آن‌چنان که باید، شناخته‌اند، یاران مهدی در آخرالزمانند.

و یا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

رجال كأن قلوبهم زیرالحدید لایشوبها شکّ فی ذات الله أشدّ من الحجر؛<sup>۲</sup>  
آنان مردانی‌اند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است و از سنگ سخت‌ترند  
و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

کرامت‌محوری یاران مهدی علیهم السلام بسیار طبیعی است؛ زیرا این یاوران، از پیشوایی خود الگو گرفته‌اند و روزها و شب‌ها را با یاد معبود سپری می‌کنند و روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته، همواره خود را در محضر خدا می‌بینند و از یاد او لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند. روایات متعددی مؤید این مطلب است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

۱. منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم؛ توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس شده است، جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب.<sup>۱</sup>

امام مهدی علیه السلام با یاران عابد و زاهد خود جهت شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت گسترشان، میثاقی می‌بندند که به حق می‌توان آن را منشور حقوق بشر دوستانه و کرامت‌محورانه دولت مهدوی به شمار آورد؛ بیعتی که امام علی علیه السلام در وصف آن فرموده‌اند:

یبايعون علی أن لا یسرقوا و لا یزنوا، و لا یسبوا مسلماً و لا یقتلوا محرماً و لا یهتكوا حرماً محرماً و لا یهجموا منزلاً و لا یضربوا أحد إلا بالحق و لا یکنزوا ذهباً و لافضة و لا برأ و لا شعيراً و لا یأكلوا مال الیتیم و لا یشهدوا بما یعلمون...<sup>۲</sup>

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سرفروود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، گرد هم جنس‌بازی (و اعمال منافی عفت) نگریند، خوراکی را انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی‌ها باز دارند، جامه‌های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...

این میثاق الهی و بشر دوستانه یک جانبه نیست و امام عصر علیه السلام نیز خود را

۱. همان، ج ۵۳، ص ۷.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۶۹.

بدان مکلف می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... و یشرط علی نفسه لهم، أن یمشی حیث یمشون و یلبسون کما یلبسون و یرکب کما یرکبون و یکون من حیث یریدون و یرضی بالقلیل و یملاً الأرض بعون الله عدلاً کما ملئت جوراً، یعبده حقّ عبادته، و لا یؤاخذ حاجباً ولا یؤاباً.<sup>۱</sup>  
... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود، جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن‌گونه که مردم می‌خواهند و به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خداوند پر از عدالت کند؛ چنان‌که پر از ستم شده باشد، خدا را آن‌طور که شاید بپرسند و برای خود حاجب و نگهبان و دربان اختیار نکند.

امام مهدی علیه السلام بر مبنای همین میثاق الهی و کریمانه، «بارانش را در همه شهرها پراکنده می‌کند و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمان‌روایان اقلیم‌های مختلف می‌گرداند و به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند».<sup>۲</sup> امام علیه السلام در حفظ حقوق و کرامت مردم و به‌ویژه بی‌نویان بسیار کوشا بوده و بر کارگزاران خود در این امر نظارت شدیدی دارد. به تعبیر روایات، «مهدی علیه السلام بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسئولان دولت خویش بسیار سخت می‌گیرد و بر بی‌نویان بسیار رئوف و مهربان است»<sup>۳</sup> و به همین دلیل، حاصل چنین سیره الهی و کرامت محورانه، تعظیم و تکریم امت اسلامی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

۱. همان.

۲. قال الصادق علیه السلام: «یفرق المهدی أصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الإحسان و یجعلهم حکاماً فی الأقالیم و یأمرهم بعمران المدن.» (نک: تاریخ عصر غیبت، ص ۴۸۳. به نقل از: الامام المهدی، ص ۲۷۱)

۳. قال الصادق علیه السلام: «المهدی سمح بالمال، شدید علی العمال، رحیم بالمساکین.» (همان، به نقل از: الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷)

يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا وَ يُعْطَى الْمَالَ صَحَاحاً وَ تَكْتُرُ الْمَاشِيَةَ وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ؛<sup>۱</sup>

در پایان روزگار امت من، مهدی خروج می‌کند. خداوند در زمان او زمین را با باران رحمتش سیراب می‌کند، زمین گیاهانش را می‌رویاند. او ثروت را به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌نماید. در آن زمان چهارپایان در جهان فراوان شود و امت را تکریم نموده و عظمت می‌بخشد.

بدین ترتیب در دولت کریمه مهدوی، کرامت انسان‌ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد که به عالی‌ترین حد خود خواهد رسید. گفتاری از امیرمؤمنان علیه السلام بهترین شاهد روایی بر توصیف نوع کرامت‌بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور است:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. بردهٔ مسلمان در بندی نمی‌ماند جز این که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و بدهکاری نمی‌ماند مگر این که دین او را می‌دهد و مظلومه‌ای نمی‌ماند جز این که آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند مگر این که دیه او را می‌دهد... و کشته‌ای نمی‌ماند جز این که دین او را می‌پردازد و خانواده او را تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می‌نماید تا آنجایی که زمین را سرشار از عدل و داد می‌نماید، همان‌گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لبریز است...<sup>۲</sup>

در چنین وضعیتی که امام علیه السلام به منزله ملجأ و قله کرامت و اکرم‌الاکرمین عالمیان بوده، «امت اسلامی به سوی او پناه می‌برند، آن‌چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می‌گستراند، هم‌چنان که پر از ستم شده، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می‌گرداند.

۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۰ - ۷۵۱. (به نقل از: عقد‌الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

۲. همان، ص ۶۷۱ - ۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ص ۲۲)

«خفته‌ای را بیهوده بیدار نمی‌کند و خونی را (به ناحق) نمی‌ریزد»<sup>۱</sup> و بدین ترتیب «ساکنان آسمان، مردم زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا، و ماهیان دریا همه و همه از او خشنود می‌شوند».<sup>۲</sup>

### ۶. برخی مبانی و شاخصه‌های کرامت‌محوری جامعه مهدویت

کرامت‌محوری و کرامت‌خواهی جامعه و دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می‌توان از آنها به مبانی و شاخصه‌های تحقق کرامت‌های مزبور نیز یاد کرد. روایات بسیاری نیز بر این الزامات و مقومات شاهدند که به گونه‌ای موجز برخی از آنها می‌آید:

#### یکم. عدالت و نفی تبعیض

تحقق عدالت و استیفای کامل حقوق همگان، از اساسی‌ترین مبانی و پایه‌های تأمین کرامت‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی به شمار می‌رود. بدیهی است که عدالت به منزله شعار اصلی حکومت عدل‌گستر مهدوی، ضامن تحقق این کرامت‌های عالی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر اعظم ﷺ:

... فیما لأ الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض...<sup>۳</sup>

پس زمین را از عدل و قسط پر می‌کند، همان‌گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند.

هم‌چنین امام صادق علیه السلام سوگند یاد می‌کند که مهدی علیه السلام عدالت را هم‌چنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. قال النبی ﷺ: «تأوی إلیه أمته کما تأوی النحل إلی یعسوبها یملاً الأرض عدلاً کما ملئت جوراً، حتی یكون الناس علی مثل أمرهم الأول لا یوقظ نائماً و لا یهریق دمأ.» (منتخب الأثر، ص ۴۷۸)  
 ۲. قال النبی ﷺ: «فیفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر.» (همان، ص ۴۷۳)

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

۴. «أما والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم، کما یدخل الحرّ و القرم.» (همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲)

از سویی اعمال عدالت در جامعه مهدوی بدون تبعیض بوده و حتی بدکاران از عدالت و مساوات امام علیه السلام بهره‌مند می‌گردند. امام باقر علیه السلام، نفی تبعیض پیش‌گفته را چنین شرح داده است:

... فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسُّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبِرِّ مَنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛<sup>۱</sup>

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می‌کند و میان همه مردم چه نیکوکار و چه بدکار، به عدالت رفتار می‌نماید.

عدالت‌ورزی امام عصر علیه السلام به گونه‌ای است که در حیطة قضا و قضاوت نیز کرامت قضایی همگان تأمین می‌شود؛ زیرا امام با استفاده از علم لدنی و برحسب اشراف بر کنه و باطن وقایع، قضاوت می‌نماید و حتی به طلبیدن گواه شاهدان نیازی ندارد.<sup>۲</sup>

### دوم. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار

تحقق کامل امنیت و صلح فراگیر، از ویژگی‌های اساسی عصر ظهور است. خاستگاه بسیاری از حقوق و ارزش‌های بشری در کسب امنیت روانی، جانی، مالی و... نهفته و همانند تعامل عدالت و کرامت، میان امنیت واقعی و همه کرامت‌های عالی، تعاملی مستقیم و دوجانبه وجود دارد؛ زیرا تأمین امنیت به معنای مصونیت‌بخشی این کرامت‌ها از هرگونه گزند و آسیب محتمل است. در روایت معروف امام علی علیه السلام دوره امنیت و صلح فراگیر جامعه عادلانه مهدوی چنین تشریح گردیده است:

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن‌چنان که باید می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل‌های بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌شود؛ به

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. قال الباقر علیه السلام: يقضى بقضاء داود و سليمان لايسأل بينة؛ «مهدی علیه السلام بر اساس داوری‌های حضرت داوود و سلیمان داوری می‌کند و مطالبه گواه و دلیل نمی‌کند.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۴۶)



گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و نه ددی او را آزار می‌دهد و نه می‌ترساند.<sup>۱</sup>

### سوم. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت‌ها

در دولت کریمه مهدوی، اسلام آیینی برتر و متعالی است که با براهین و استدلال‌های روشن به جهانیان معرفی می‌شود اکثر آنان نیز آن را خواهند شناخت و پذیرفت. اگر معاندان و لجاجت‌پیشگانی هم به این امر تن ندهند و به حق‌ستیزی ادامه دهند، سرانجام مجبور خواهند شد که بر اساس جریان جهانی و عالم‌گیری حق‌جویانه اسلام، بدین حق‌گرایش یابند. بدین ترتیب، همان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی قائم آل محمد قیام می‌کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند مگر این که کلمه طیبه «لا إله الا الله محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته شود».<sup>۲</sup>

از سویی چون بخش اعظم جهانیان با میل و رغبت خود به دین اسلام می‌گروند، تحمیل عقیده در عصر و دولت کریمه مهدوی از اساس باطل و بی‌بنیاد است. همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

زمین را همان‌گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می‌کند. اهل آسمان‌ها و اهل زمین و پرنندگان آسمان به خلافت او رضایت می‌دهند.<sup>۳</sup>

البته علاوه بر رضایت همگان از این دولت کریمه و اجماعی بودن مشروعیت آن، عالمیان بنابه روایات پیش آمده، از آن فرح‌ناک و مسرور خواهند بود؛ زیرا

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمد ارومیه‌ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۳. «بمأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، يرضى بخلافته أهل السموات وأهل الأرض والطير في الجوّ...» (بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵)

محور کار حضرت مهدی علیه السلام - همان‌طور که از نامشان نیز برمی‌آید - هدایت جامعه بشری است که بدیهی می‌نماید اصل و اساس هدایت، بر اقناع می‌بایستی مبتنی باشد.

بنابر دلالت روایات، حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زیور، تورات، انجیل و... را نمایان می‌سازد و بر اساس نسخ اصلی آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت‌وگو می‌کند و آن بر آنان حکم می‌راند تا آن‌که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان‌شمول مهدوی هدایت گردند.<sup>۱</sup> اوج اکرام و کرامت بخشی امام علیه السلام و دولت ایشان در این است که امام «... بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زیور با زیور و بین اهل قرآن با قرآن، قضاوت خواهد کرد».<sup>۲</sup> بدین‌سان اگر اقلیت‌های دینی محدودی هم در جامعه مهدوی وجود داشته باشند، از تکریم آنها و احترام به عقایدشان کوتاهی نخواهد شد.<sup>۳</sup>

#### چهارم. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن‌آوری

کمال عقلانیت بشری در دوره ظهور، ضامن تحقق کرامت‌های عالی الهی و انسانی است. روایات فراوانی بیان‌گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می‌رسد؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم؛<sup>۴</sup>

۱. برای رؤیت روایت مربوطه نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.
۲. قال الباقر علیه السلام: «... و يحكم بين أهل التوراة بالتوراة و بين أهل الإنجيل بالإنجيل و بين أهل الزبور بالزبور و بين أهل القرآن بالقرآن» (نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۵).
۳. برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب و دولت مهدی علیه السلام» (قسمت اول)، فصل‌نامه انتظار موعود، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳؛ همان (قسمت دوم)، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۴.
۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶: منتخب الأثر، ص ۴۸۲. گفتنی است که در برخی کتب روایی (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) به جای «أخلاقهم»، «أحلامهم» آورده شده است، یعنی حضرت قائم آرمان‌ها، آرزوها و فرزاندگی آنان را به تمامیت می‌رساند.

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می‌کشد و عقل آنها زیاد می‌شود و به واسطه این رشد عقلی، اخلاق آنها نیز کامل می‌گردد.

در عصر مهدوی دانش بشری به دست‌آوردهایی مافوق تصور می‌رسد و ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می‌شود؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام به تفصیل این شکوفایی علوم و بالندگی فن‌آوری را بیان نموده‌اند.<sup>۱</sup> بسیار هویداست که در این دوره طلایی معرفت بشری، کرامت‌ها و ارزش الهی به گونه‌ی غریبی بر جوامع انسانی مسلط می‌گردند و جنبه ملموسی می‌یابند و این گسترش کرامت‌ها و حکمت بر جامعه بشری به گونه‌ای خواهد بود که زنان خانه‌دار هم حکمت می‌آموزند و بی‌نیاز از دیگران بر اساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می‌پردازند؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

... به مردم زمان قائم علیه السلام آن‌چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زنان در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه داوری می‌کنند و نیازی به دیگری ندارند.<sup>۲</sup>

### پنجم. تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی

حفظ کرامت‌های انسانی بدون توجه به رفاه و وضعیت معیشتی مردم در واقع فاقد معنای لازم است و در اسلام توجه به «معاد» و «معاش» با هم دیده شده و همین دو لازم و ملزوم هم دانسته شده‌اند. این تلازم در عصر ظهور در نهایت کمال محقق می‌گردد و همه انسان‌ها و به‌ویژه مؤمنان از حیث معیشت و رفاه به عالی‌ترین سطوح ممکن خواهند رسید. توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله از این وضعیت بدین صورت است:

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. «... تؤتون الحكمة في زمانه حتى إن المرثة لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله.» (همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲)

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد، اموال انبوه شود. هرکس نزد مهدی آید و بگوید به من مالی ده او بی‌درنگ می‌گوید: بگیر.<sup>۱</sup>

به فرموده امام صادق علیه السلام، حضرت ناچیزترین دیون و طلب‌های شیعیان را حتی اگر سیر و خشخاش باشد، پرداخت می‌کند و «در دنیا اعلام می‌دارد که هرکس طلبی از یکی از شیعیان دارد، بیاید بگیرد».<sup>۲</sup>

در دولت مهدی علیه السلام رباخواری از بین می‌رود<sup>۳</sup> و اموال توسط حضرت بدون آن‌که شمارش شوند، تقسیم می‌گردند<sup>۴</sup> و تمام معادن و گنج‌های زیرزمینی در حکومت او آشکار و استخراج می‌شوند و بر روی زمین مخروبه‌ای نمی‌ماند مگر آن‌که به وسیله آن حضرت آباد شود.<sup>۵</sup> بدین ترتیب، جامعه بشری به استغنائی کامل خواهند رسید و حتی فقیری برای دریافت زکات، صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. بخشی از روایات امام صادق علیه السلام در این باره بدین صورت است:

... و زمین خزینه‌های خود را آشکار می‌گرداند، به نوعی که خلائق همه آنها را در روی زمین می‌بینند و مرد در آن وقت کسی را می‌طلبد برای این‌که از مالش به او اعطا نماید تا این‌که صلۀ رحم به‌جا بیاورد و یا این‌که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید، یافت نمی‌گردد و خلائق به سبب آن‌چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی‌احتیاج خواهند بود.<sup>۶</sup>

۱. همان، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲. مهدی موعود، ترجمه دوانی، ص ۱۱۸۱.

۳. قال الصادق علیه السلام: «و یذهب الربا» (منتخب الأثر، ص ۴۷۴).

۴. «و یقسم المال و لایعده» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۲، به نقل از: صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۹).

۵. «و تخرج له الكنوز و لایبقی فی الأرض خراب إلا یعمره» (منتخب الأثر، ص ۴۸۲).

۶. مهدی موعود، ترجمه ارومیه‌ای، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳).

### ششم. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی

از ضمانت‌ها و عوامل تحقق کرامت‌های عالی در دولت کریمه مهدوی آن است که بیماری‌های جسمی و روانی انسان‌ها در این دوره از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی مؤمنان به طور شگفت‌آوری نیرومند می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌کند و تن‌درستی را به آنان باز می‌گرداند.<sup>۱</sup>

امام زین‌العابدین علیه السلام این وضعیت را این‌گونه تشریح می‌نمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلاها را از شیعیان ما دور خواهد کرد و قلب‌های آنان را به مانند پاره‌های آهن خواهد ساخت و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون خواهد نمود. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت.<sup>۲</sup>

کرامت‌بخشی به مؤمنان در این دوره به جایی خواهد رسید که توانایی‌های شنوایی و بینایی آنها توسعه بی‌بدیل و شگفت‌آوری خواهد یافت؛ آن‌گونه که مؤمنان در شرق و غرب هم‌دیگر را با وجود اختلاف و بُعد مکانی، مشاهده خواهند نمود؛<sup>۳</sup> و به فرمایش امام صادق علیه السلام:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنها و مهدی ما واسطه و نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد.<sup>۴</sup>

البته در دولت کریمه، میان برخورداری از سطوح عالی ایمانی و کرامت‌های

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۳. (به نقل از: مشکوة الأنوار، ص ۸۰)

۳. نک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۴. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

اعطایی خداوند متعال، رابطه مستقیمی وجود دارد و این‌گونه قابلیت‌ها و استعدادها در مؤمنان واقعی که همان شیعیان هستند، رؤیت‌پذیر و تحقق‌یافتنی است.

### هفتم. رعایت و محترم شمردن حریم‌های خصوصی و عمومی

در نظریه‌ها و مکاتب مردم‌سالار امروزی، دخالت و تعدی به حریم خصوصی افراد و یا عدم پاسخ به مطالبات در حوزه حقوق عمومی، از نشانه‌های حکومت‌های بسته و جامع‌القوا (توتالیترا) است که خواه ناخواه نتیجه چنین عمل‌کردی، تضییع و تضییق کرامت‌ها و حقوق انسان‌ها خواهد بود. دولت کریمه مهدوی از این قبیل آفات و نقایصی به دور است و در مقابل چنین نظام‌های سرکوب‌گری قرار دارد. لذا در این حکومت، هرگونه تجاوز به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی و با آن مقابله می‌گردد. برای نمونه در دولت کریمه، حتی اشراف بر منزل دیگران، یا ریزش آب از ناودان منازل به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه‌های مردم و یا ساخته شدن بخشی از یک بنا در راه‌های عمومی، با برخورد حکومت مواجه خواهد شد و این موارد هرچند با تخریب مسجد برطرف می‌گردد. روایت امام صادق علیه السلام گواه روشنی بر این کرامت‌خواهی و دفاع از حقوق خصوصی و عمومی مردم در این دوره آرمانی است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می‌کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد مگر این‌که کنگره و اشراف آن را خراب نماید و به حال ساده و بدون اشراف گذارد؛ شاه‌راه‌ها را توسعه می‌دهد؛ هرگوشه‌ای از خانه‌ها را که در راه عمومی قرار دارد، اصلاح می‌کند و ناودان‌هایی را که مشرف به راه مردم است، بر می‌دارد؛ هر بدعتی را برطرف می‌سازد و هر سنتی را باقی می‌گذارد...<sup>۱</sup>

۱. مهدی موعود، ترجمه دوانی، ص ۱۱۲۱.

در حدیث مشابه دیگری، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

و وسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَ أَبْطَلَ الْكُنُفَ وَ الْمِيزَابَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ...<sup>۱</sup>

راه‌های اصلی را توسعه می‌دهد، بالکن‌هایی که به داخل راه‌ها آمده از بین می‌برد، ناودان‌هایی را که به کوچه‌ها می‌ریزد، برمی‌دارد...

## نتیجه

جامعه بشری از دیرباز به کرامت و حقوق انسانی اهمیت می‌داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) مبتکر این حقوق نبوده، بلکه ادیان الهی به‌ویژه اسلام از نخستین مدافعان کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه بوده‌اند. امروزه وضع حقوق بشر، به دلایل متعددی از جمله فقدان ضمانت اجرا و کارایی لازم این‌گونه اعلامیه‌ها و میثاق‌ها و استفاده سیاسی ابزاری از آنها، بحرانی‌تر و اسفناک‌تر گشته و حتی علوم و فنون در خدمت پایمال کردن حقوق انسان‌ها در ابعاد وسیع و دهشت‌ناک قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نگاه قرآنی و روایی به موضوع کرامت انسانی، حاکی از متونی غنی و شواهد بسیار ملموسی در این‌باره است. این قراین نشان می‌دهند که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان و کرامت‌های وی ارزش و اهمیت قائل نشده است. آیات الهی و روایات معصومان علیهم‌السلام؛ منشأ و خاست‌گاه کرامت‌های انسانی را الهی می‌دانند و بین این‌دو تلازم کاملی را برقرار می‌نمایند.

در مبحث اصلی و تفصیلی مقاله، جایگاه کرامت‌های انسانی در عصر ظهور تبیین شد و مشخص گردید که زوال این کرامت‌ها از ملاحم و نشانه‌های اصلی دوران ماقبل ظهور است. آن‌گاه با استناد به روایات، امامت شیعی و از جمله امام

۱. ظهور حضرت مهدی، ص ۳۲۵. (به نقل از: شیخ مفید، الإرشاد، ص ۷۶۵)؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۸؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

مهدی علیه السلام، مظهر کرامت و سرآمد کریمان دانسته شدند و بر الهی بودن ریشه و خاستگاه کرامت‌های انسانی در دوره ظهور تأکید گردید. چنان‌که مستدل گذشت، حتی ادعیه امام عصر علیه السلام نیز سرشار از کرامت‌محوری و کرامت‌خواهی است. سپس بیعت‌نامه امام عصر با یاران خویش به گونه‌ای استدلالی منشور کرامت‌مداری و بشردوستی آموزه مهدویت مطرح گردید. آن‌گاه تشریح گردید که کرامت‌محوری و کرامت‌خواهی دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می‌توان آنها را مبانی و شاخصه‌های تحقق کرامت‌های مزبور یاد کرد. آن الزامات و مقومات عبارت بودند از:

۱. عدالت و نفی تبعیض؛
  ۲. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار؛
  ۳. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت‌ها؛
  ۴. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن‌آوری؛
  ۵. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی؛
  ۶. رعایت و محترم شمردن حریم‌های خصوصی و عمومی.
- بدین ترتیب، این نوشتار با پاسخ به پرسش اصلی خویش مدعا و مفروضی چنین را تأیید نمود: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و آموزه و دولت مهدوی خاستگاهی الهی دارد؛ انسان نه بر محور انسان‌مداری، بلکه بر مدار خدامداری به کرامت و بزرگواری می‌رسد و میان افزایش تقرّب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت‌های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان در دولت مهدوی از بالاترین کرامت‌ها و تعظیم‌ها برخوردارند.



### عدالت مهدوی و امنیت

در منابع اسلامی، آیات و روایات بسیاری درباره اهمیت دو مقوله اساسی و حیاتی عدالت و امنیت<sup>۱</sup> و جایگاه رفیع آنها در تمام ابعاد زندگی بشری وارد شده است. با نگاهی گذرا به روایاتی که درباره امام مهدی علیه السلام و عصر ظهور ایشان وارد شده، به خوبی درک می‌شود که عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دست‌آوردهای امام موعود به بشر خواهد بود. ذکر این مسئله در روایات، متواتر است. انقلاب مصلحانه حضرت به منظور تکمیل دیانت و رسالت نبوی و امامت اصلاح‌گرایانه معصومان علیهم السلام، این نهضت را به پایان خواهد برد و

---

1. Justice ,Security.

تمام اقوام و ملل و آحاد بشری، بدون هیچ‌گونه تبعیض و گزینشی، طعم و حلاوت عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید و اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست.

در این فصل برای فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی در عصر ظهور و شناخت شاخصه‌های آن از جمله عدالت و امنیت و تعامل این دو مفهوم، افزون بر تفحص در روایات عصر ظهور، به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام مراجعه خواهد شد. با توجه به اهمیت این موضوع، نوشتار حاضر تلاش دارد با نیم‌نگاهی به ماهیت، معانی و منزلت این دو مفهوم در اندیشه اسلامی، جایگاه آنها را نیز در حکومت مهدوی تا اندازه‌ای روشن سازد.

#### الف) بی‌عدالتی و ناامنی از شاخصه‌های اصلی دوره پیش از ظهور

بررسی زمینه‌های تاریخی بروز و تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی در جهان اسلام، مسئله مهمی است که باید به ریشه و دلایل اساسی این پدیده اشاره کرد. ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدن‌ساز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال مجاهدت ایشان، به اصلاحات و ترقی‌ات اساسی در عصر و اجتماع آن روز انجامید، ولی متأسفانه در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت‌طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به دنبال زنده کردن ریشه‌های جاهلیت و شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی - اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند و یا این‌که فریب‌کارانه خود را جزو گروندگان و مؤمنان به اسلام جای زدند. این حرکت‌های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه‌ها و حرکت‌های گذشته جاهلی دوباره سربرآورد و انقلاب و نهضت انسان‌ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت. برخی نمونه‌های مهم این انحراف عبارتند از: به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا که به ترتیب در

سال‌های ۴۰، ۴۹ و ۶۱ هجری بزرگ‌ترین خسارت‌ها را به عالم اسلامی وارد ساخت.

انحراف سیاسی امت اسلامی و عامل اساسی تثبیت بی‌عدالتی و ناامنی، ماجرای سقیفه در نیمه اول هجری است. در آن جریان برخی پس از تمرد از دستور و نص صریح نبوی مبنی بر اولویت امام علی علیه السلام برای جانشینی، امامت و ولایت در عرصه ظاهری و دنیوی را از امام غصب کردند. پس از آن، با احیای ریشه‌های ارتجاعی زندگی سیاسی - اجتماعی جاهلی و قبیله‌ای، روند برگشت به این دوران تیره آغاز و دنبال شد.

تبدیل خلافت به ملوکیت و تبعات منفی بعدی آن، انحراف‌های برخاسته از قضیه سقیفه را کامل کرد. هم‌چنین با افزایش گم‌راهی مردم و هواپرستی و هوس‌زدگی آنها بر اثر سیاست‌های وقت خلفا و حاکمان ستم‌گر، امامان معصوم کم‌کم یآوری مردمی را از دست داند و در جوئی پر از بی‌عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. از سوی دیگر، این اوضاع نامساعد به غیبت امام عصر علیه السلام انجامید. تا پیش از آن، سیاست فشار و اختناق، امامان را وادار کرده بود تا فعالیت خود را در نهان دارند و گفتار و کردار خویش را همراه با تقیه، در پوشش کتمان و رمز حفظ کنند.

امام مهدی علیه السلام در چنین فضایی، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد. پنج‌سال از عمر شریف ایشان در زمان حیات پدر بزرگوارش گذشت؛ هنگامی که دستگاه حاکم خلفای عباسی امام حسن عسکری علیه السلام را به زندگی مخفیانه و محتاطانه واداشته بود. در نهایت، به سبب فشارهای مذکور و گم‌راهی مردم و همراهی نکردن آنها، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ قمری به طول انجامید و امام پس از گذشت تقریباً هفتاد سال از غیبت صغرا، از سال ۳۲۹ تا کنون در غیبت کبرا به سر می‌برد، تا با اجازه الهی ظهور یابد و زمین را پر از عدل و امان کند.

افزون بر این، خودکامگان با حذف امام علی علیه السلام از صحنه خلافت، زمینه تحریف شریعت اسلامی و مسخ عدالت آرمانی را آغاز کردند. به یقین، می‌توان خودکامگی و زورمداری را به منزله بزرگ‌ترین عامل این تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به شمار آورد. در واقع، بخش گسترده‌ای از تاریخ نظام‌های سیاسی به نظام‌های خودکامه اختصاص دارد؛ حکومت‌هایی که شیوه اعمال قدرتشان بر زور و چیرگی خشونت‌آمیز و اجبار مبتنی بوده و به دلیل بی‌عدالتی، نامشروع به شمار می‌رفته‌اند. چنین حکومت‌هایی مجبور بوده‌اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه‌های معصومان علیهم السلام پردازند و عملاً نیز در کار خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفع امنیت کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقانی، ائمه یازده‌گانه علیهم السلام را به شهادت رساندند و بسیاری از منادیان حق و رهروان آنها را شکنجه، تبعید یا شهید کردند و یا این‌که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به‌در ساختند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، همواره تهدیدها و حملات پی‌درپی، از عوامل پدیدآورنده ناامنی در جهان اسلام بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضات و مخالفان سرسخت و کینه‌توز داخلی و خارجی بوده و این درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به‌طور مداوم ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی جهان اسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه‌ای بوده که آن را در معرض تاخت و تازها و حملات پی‌درپی و سهم‌گین قرار داده است؛ حملاتی چون تهاجم مغول‌ها، جنگ‌های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه‌جانبه استعمار

۱. هم‌چنان‌که درباره سرنوشت این شیعیان در دعای ندبه چنین آمده است: «فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصی من اقصی...؛ تا آن‌که به ظلم ستم‌کاران امت، گروهی کشته و جمعی اسیر و فرقه‌ای دور از وطن شدند.»

غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم کشورهای اسلامی (قرن ۱۹ میلادی و ۱۳ هجری)، تثبیت نامنی، ایجاد رکود اقتصادی - اجتماعی، تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشته که تأثیرات منفی و عقب‌نگه‌دارنده آنها تا به امروز باقی است.

پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام بروز نامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها و فتنه‌های فراوان را از ملاحم و نشانه‌های ظهور مهدی موعود علیه‌السلام و ویژگی‌های عصر غیبت یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup> امام علی علیه‌السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی علیه‌السلام] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند؛ هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و جنگ و دندان نشان می‌دهد. با پستان‌هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد، به سوی شما می‌آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام‌داری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که تا آن روز متروک مانده، زنده می‌کند.<sup>۲</sup>

هم‌چنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ این پرسش که چه موقعی قائم شما قیام می‌کند، فرمود: «زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد».<sup>۳</sup>

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۳. «سئل عن النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متى يقوم قائمکم، قال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶)

پیامبر ﷺ در روایت دیگری به شکل مفصل‌تری ناامنی و بی‌عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

مَنَّا مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السَّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لِاصْغِيرٍ يَوْقِرُ كَبِيرًا فَيَبِيعُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّنَا التَّاسِعَ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفْتَحُ حِصُونَ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غَفْلَاءَ يَقُومُ بِالدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قَمَتَ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا؛<sup>۱</sup>

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها آشکار گردد و راه‌زنان بر راه‌ها بایستند و بعضی از مردم به بعضی دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی، مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است، برج و باروهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتح می‌کند و در آخرالزمان برای دین به پا می‌خیزد، همان‌طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، سرشار می‌سازد.

در همین زمینه، محمد بن مسلم از اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین نقل می‌کند: به درستی که برای قیام قائم ما - که بر او درود باد - نشانه‌هایی است که خداوند عزوجل آنها را برای مؤمنان قرار داده است.

او این علامت‌ها را از امام می‌پرسد و ایشان نیز با اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره، می‌فرماید:

این که خداوند فرموده است: «و قطعاً شما را به چیزی [از قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و

۱. همان، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴.

شکیبایان را مژده ده»، یعنی این که مؤمنان پیش از خروج قائم این گونه آزمایش می شوند.<sup>۱</sup>

شایسته است پیش از این که به وضعیت عدالت و امنیت در عصر حکومت مهدوی اشاره شود، تعاریف این دو مفهوم را بررسی کنیم و جایگاه آنها را در منابع اسلامی بازخوانیم.

### ب) مفهوم و جایگاه عدالت

ابهام در تعریف و معنا از دشواری‌های بحث مفهوم بنیادی عدالت است. البته این دشواری باعث نشده که مکاتب دینی، سیاسی، اجتماعی و... در ارائه دیدگاه‌های خود در این باره کوتاهی ورزند. برای مثال، فلسفه و اندیشه سیاسی غرب در این زمینه میراثی غنی دارد. در نظر برخی از اندیشه‌ورزان این حوزه، تعریف و شمارش همه معانی عدالت وهمی بیش نیست و این مفهوم دچار ابهامی علاج ناشدنی است.<sup>۲</sup> با وجود این، در اندیشه اسلامی کلمه عدل را معمولاً با چند معنا و کاربرد مختلف به کار می‌برند که برگرفته از قرآن، سنت نبوی و سخنان امام علی علیه السلام است. این معانی عبارتند از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، قراردادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به مقدار، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود توسط خدای متعال و... .

۱. عن محمد بن مسلم قال، سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ» قلت: «و ما هي جعلني الله فداك؟» قال: «ذلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَلَنَبِّئَنَّكُمْ﴾ - یعنی المؤمنین قبل خروج القائم - بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَتَقْصُصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشَرِ الصَّابِرِينَ»؛ (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱، روایت ۱۲۲۸. (به نقل از: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴)

2. See: Cchaim Perelman, Justice ET raison, eed, p.12-14, 1970, edition de universite de Bruxelles.

هم‌چنین عدالت در فرقه‌ها و گرایش‌های گوناگون در اندیشه سیاسی اسلام مانند فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اندرزنامه‌نویسی، ادبیات سیاسی، تاریخ و فلسفه اجتماعی تعریف شده است. در آرای همه متفکران این نحله‌ها و مکاتب، تعابیر متعدد و همانندی از مفهوم عدالت به پیروی از قرآن و سنت، صورت گرفته که بخشی از آنها بدین شرح است:

۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات؛<sup>۱</sup>
۲. عدالت به معنای «وضع کلّ شیء فی موضعه؛ قرار دادن هر چیز در جای خویش»؛
۳. عدالت به معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه؛ حق را به مقدار رساندن» و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها و نفی تبعیض و نامترداف با برابری مطلق؛
۴. عدالت به معنای اعتدال‌گرایی، میانه‌روی و رعایت ملکات متوسط؛<sup>۲</sup>
۵. عدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مدینه و سپردن راه‌بری نفس و مدینه به خرد و خردمندان؛
۶. عدالت به معنای راستی و راست‌کرداری و راست کردن؛
۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا؛<sup>۳</sup>
۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی به بهترین صورت ممکن و اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت؛<sup>۴</sup>
۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم برابر خیرات مشترک عمومی؛<sup>۵</sup>

۱. این تعریف از عدالت، در تمام آثار دانش‌مندان اسلامی آمده است. برای نمونه نک: اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ص ۲۵۸.

۲. نک: سیاست‌نامه، ج ۲، ص ۵۷ و ۹۸.

۳. نک: همان، ص ۳.

۴. نک: مقدمه ابن‌خلدون، ج ۱، ص ۷۱-۷۲ و ۵۳۷-۵۴۳؛ همان، ج ۲، ص ۷۱۱-۷۱۶.

۵. نک: فصول المدنی، فصل ۵۸، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ هم‌چنین نک: اخلاق ناصری، ص ۳۰۱-۳۰۸.



۱۰. عدالت به معنای «حُسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل»؛<sup>۱</sup>
۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و هم‌سازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت؛
۱۲. عدالت به معنای انصاف؛<sup>۲</sup>
۱۳. عدالت به معنای عقد و قرارداد اجتماعی افراد، برای تقسیم کار در زندگی مدنی مبتنی بر شریعت؛<sup>۳</sup>
۱۴. عدالت به معنای مفهومی هم‌سان با عقل و خرد عملی؛<sup>۴</sup>
۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملکهٔ راسخه‌ای که باعث ملازمت تقوا در ترک محرمات و انجام‌دادن واجبات می‌گردد؛<sup>۵</sup>
۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.
- البته برخی از این تعریف‌ها رواج و اجماع بیشتری دارد. برای مثال، امام علی علیه السلام و بیشتر متفکران اسلامی از گذشته تاکنون، اذعان داشته‌اند که عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به مقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست. بر مبنای این تعریف، هر چیز باید در جای مناسب خویش قرار گیرد و در جایگاه خود باید به انجام وظیفه ویژه خود بپردازد. شاهد این مدعا این‌که در قرآن بر همین اساس در سوره کهف، از دو باغ سبز و خرم با میوه‌های فراوان سخن می‌رود:

۱. نک: همان، ص ۱۳۶.

۲. نک: نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، کلمات قصار، ش ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.

۳. نک: الاشارات والتنبیها، ج ۴، ص ۶۱؛ هم‌چنین نک: الشفاء والالهیات، ص ۴۴۱.

۴. نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.

۵. نک: الاصلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، ص ۱۳۹.

﴿كَلِمَاتُ الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا﴾<sup>۱</sup>

هر یک از این دو باغ محصول خود را [به موقع] می‌داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی‌ورزید.

یعنی باغ هم در حقیقت عادل است و عدالت یعنی این‌که در نظام هستی به وظیفه خود عمل می‌کند. موجودات دیگر نیز همانند این دو باغ بر پایه عدل استوارند. خواهیم دید که در عصر مهدوی، با حکم‌فرمایی عدالت، زمین و زمان و طبیعت نیز عدالت پیشه می‌کنند و با عمل به وظایف بایسته خویش، بشر را بیشتر بهره‌مند خواهند کرد و میوه‌ها و فایده‌های پنهان خود را برای بهینه‌ترین نوع استفاده به بشر تقدیم خواهند نمود.

درباره بیان منزلت عدالت، به دلیل بدیهی و مبرهن بودن شأن والای عدالت، به توضیح فراوان نیازی نیست. تنها ذکر همین نکته بس که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در همه اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، عدالت است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل‌های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند. بنابراین، چه بیانی رساتر از این‌که قرآن استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از دو هدف اساسی و فلسفه بعثت انبیا ذکر کرده<sup>۲</sup> و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین انسان معرفی کرده است.<sup>۳</sup> هم‌چنین اساس حکمیت و حکومت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه به شمار می‌آید. از سوی دیگر، کثرت آیات و روایات درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه، اهمیت جایگاه این مفهوم در

۱. سوره کهف، آیه ۳۳.

۲. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.» (سوره حدید، آیه ۲۵)

۳. نک: سوره شوری، آیه ۱۵؛ سوره مائده، آیه ۸؛ سوره نساء، آیه ۵۸؛ سوره نحل، آیه ۹۰.



آیات مکی و ۵۲۱ مورد آیات مدنی به شمار می‌روند.<sup>۱</sup> پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با کلمه‌های اسلام، ایمان و مؤمن اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت را نشان می‌دهد. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، در ادعیه اسلامی و شیعی بسیار دیده می‌شود.

این مفهوم در منابع اسلامی، عرصه وسیعی دارد و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را دربرمی‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه تعریف‌شدنی و دست‌رس‌پذیر است. البته این امر نسبی و نه مطلق به شمار می‌رود و تابع وضع، امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را تنها به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه‌های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد، بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز انطباق کامل دارد. قرآن و روایات هرگونه امنیتی را سرچشمه یافته از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی می‌دانند و خاستگاه هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای را بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم و استکبار یاد کرده‌اند. هم‌چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست. می‌توان گفت که بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی و دوری آنها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین

۱. برای اطلاع‌نک: *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم* (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۳. کلمه «الْأَمْنُ» در مجموع سه بار، دوبار آن در سوره مکی انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و یکبار آن در سوره مدنی نساء آیه ۸۳ به کار رفته، کلمه «أَمْنًا» دوبار یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مدنی نور، آیه ۵۵ استفاده شده و هم‌چنین واژه «أَمْنَةً» دوبار در سوره‌های مدنی آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ کاربرد داشته است.

سازوکار تأمین امنیت به شمار می‌آید. حال، چه در نظام اسلامی باشد، چه در عصر مهدوی و حکومت حضرت مهدی علیه السلام. این نظام باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می‌کنند، فراهم آورد. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. بی‌گمان، حکومت‌های دنیایی تا پیش از ظهور، به اجرای کامل و بهینه این امور قادر نیستند و این‌گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد.

آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وجود دارد که نمونه‌هایی از آنها آورده می‌شود:

۱. قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾<sup>۱</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده، به سودشان مستقر کند و بپوشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

علامه طباطبایی رحمته الله درباره این آیه فرموده است:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جای‌گزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، امنیت و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را نوید داده است.

۲. بنا به آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»،<sup>۲</sup> حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز بنا به آیه «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»،<sup>۳</sup> آن‌جا را خانه امنی برای مردم قرار داد.

این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌کند.<sup>۴</sup> پروردگار جهان به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می‌کند.<sup>۵</sup> با اجابت دعای حضرت ابراهیم،

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۲. «و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان.» (سوره ابراهیم، آیه ۳۵)

۳. «و چون خانه [کعبه] را محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم.» (سوره بقره، آیه ۱۲۵)

۴. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِّنْ خَوْفٍ؛» «پس باید خداوند این خانه را بپرستید. همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد.» (سوره قریش، آیه ۳ و ۴)

۵. «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ \* لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛» «و این شهر امن و امان. [که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آوردیم.» (سوره تین، آیه ۳ و ۴)

خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ چنان‌که در طول تاریخ حوادث ناامن‌کننده کمتر آن‌جا اتفاق افتاده، و هم به آن‌جا امنیت تشریحی عطا فرمود؛ زیرا به فرمان الهی همه انسان‌ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن‌جا ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی، که به این حرم و خانه کعبه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می‌توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی، آذوقه را بر آنها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.

امن دانستن خانه کعبه، در حقیقت اهمیت امنیت را بیان می‌کند که این بنا را بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری وجود دارد؛ هم‌چنان‌که در سوره تین، مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

مراد از ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ مکه مشرفه است، و بلد امینش خوانند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: ﴿وَلَكُمْ يَرْوَأْنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا﴾.<sup>۱ و ۲</sup>

۳. در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾،<sup>۳</sup> تحقق نهایی چنین شهری در جایی به‌جز عصر و حکومت امام مهدی علیه السلام محقق نخواهد شد.

۴. یکی از مصداق‌های مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در

۱. «آیا ندیده‌اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۷)

۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۳. «و خدا شهری را مثال زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید.» (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

قرآن، امنیت دانسته شده است. برای نمونه، علامه طباطبایی در مورد آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ»<sup>۱</sup> به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد: بَرَكَات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

هم‌چنین ایشان در تفسیر آیه «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا»<sup>۳</sup> با بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در آیه را چنین بر می‌شمارد:

منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آنها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید. در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یک‌دیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه اینها شدند.<sup>۴</sup>

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در «ثُمَّ تَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۵</sup> آورده است: و نیز در **مجمع‌البیان** است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابوجعفر و ابو عبدالله علیه‌السلام نیز روایت شده است.<sup>۶</sup>

۱. «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بَرَكَاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.» (سوره اعراف، آیه ۹۶)

۲. همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۳. «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمنان [یک‌دیگر] بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرت‌گاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

۴. همان، ج ۵، ص ۳۷۶.

۵. سوره تکوین، آیه ۸.

۶. امام باقر و امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان‌ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید



ایشان در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه»<sup>۱</sup> و «حیات طیبه»<sup>۲</sup>، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌کند؛ هم‌چنان‌که یکی از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می‌داند.<sup>۳</sup> ۵. «اولوا الالباب» در قرآن، به امنیت و سلامت جاودانی بشارت داده شده‌اند، به تعبیر علامه مجلسی<sup>۴</sup>:

جمله «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می‌دهند؛ سرانجامی که هرگز دست‌خوش زشتی و مذمت نگردد.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر بنا به آیه «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ»<sup>۵</sup> در روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح در بهشت گام می‌نهند، به آنها نوید امنیت و سلامت می‌دهند و می‌گویند: به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید. ۶. هنگامی که خانواده حضرت یوسف عليه السلام وارد مصر شدند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر، به مسئله امنیت اشاره می‌کند و به پدر و مادر و برادران خودش می‌گوید:

«ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ»<sup>۶</sup>

ان‌شاءالله، با [امن و] امان داخل شهر شوید.

این نشان می‌دهد، نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌هاست؛ زیرا هرگاه امنیت از

پاسخ دهند: "ثم لتسئلن عن النعيم، قيل هو الأمان." (نک: همان، ج ۲۰، ص ۶۰۷؛ طبرسی، مجمع‌البیان،

ج ۱۰، ص ۵۳۸؛ هم‌چنین نک: بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲، روایت هشتم)

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۶۵.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

۵. سوره حجر، آیه ۴۵.

۶. سوره یوسف، آیه ۹۹.

میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیش‌برد هدف‌های اجتماعی.<sup>۱</sup>

۷. امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:

﴿فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ﴾<sup>۲</sup>

کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟

در سخنان و روایات معصومان عليهم السلام نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آنها ذکر می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

من أصبح معافى فى بدنه آمناً فى سربه عنده قوت يومه فكأنما خیرت له الدنيا بحذافیرها؛<sup>۳</sup>

هرکه تنش سالم و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

ایشان هم‌چنین فرموده است:

الأمن والعافية نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس؛<sup>۴</sup>

امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

امام صادق عليه السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و فرموده است:

۱. نک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

۲. سوره انعام، آیه ۸۱.

۳. نهج الفصاحه، ص ۵۹.

۴. همان.

خمس خصال من فقد منهنّ واحدة لم يزل ناقص العیش، زایل العقل، مشغول القلب: فأولها صحّة البدن والثانية الأمن و...<sup>۱</sup>

پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه دل‌مشغولی می‌گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامت و دومین آن امنیت است و ... .

در روایتی دیگر، امنیت، عدالت و فراوانی، سه نیاز اساسی مردم به شمار آمده است:

ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرّاً إليها: الأمن، والعدل والخصب؛<sup>۲</sup>

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.

امام علی عليه السلام در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بنندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آنها می‌شمارد. هم‌چنین در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهية العيش فى الأمن»؛<sup>۳</sup> رفاه زندگانی در امنیت است.» و «لانعمة أهنأ من الأمن»؛<sup>۴</sup> هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

#### د) عدالت، خاستگاه و بستر امنیت

اصولاً در چگونگی فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی، در عصر ظهور و شاخصه‌های آن مانند عدالت و امنیت، دو راه می‌توان در پیش گرفت: نخست، تفحص در روایات عصر ظهور و راه دوم مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومان عليهم السلام به‌ویژه امام علی عليه السلام.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۱، روایت یکم.

۲. تحف العقول، ص ۳۳۴.

۳. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴. همان، ج ۶، ص ۴۳۵.

روشن است که معصومان علیهم‌السلام، همه در سیره و سنت یک شیوه دارند؛ زیرا همه از نوری یکتا آفریده شده و ترجمان وحی هستند. از سویی، حکومت آرمانی امام عصر علیه‌السلام در واقع، ادامه تلاش‌های اصلاح‌طلبانه امامان معصوم علیهم‌السلام به‌ویژه برای به ثمر نشاندن حکومت نافرجام امام علی علیه‌السلام است که به دلیل فشار خودکامگان مسلط، و هواپرستی و گمراهی مردم ادامه نیافت. از سوی دیگر، مراجعه به سیره و سنت سیاسی - اجتماعی دیگر معصومان علیهم‌السلام به‌ویژه سیره علوی، رافع پاره‌ای از ابهام‌ها و کمبودهایی است که امروزه در فهم دقیق وضعیت عصر ظهور با آنها مواجه هستیم. به همین دلیل، در این گفتار ابتدا برای فهم ارتباط عدالت مهدوی و امنیت به سیره دیگر معصومان علیهم‌السلام رجوع می‌کنیم.

حضرت علی علیه‌السلام، عدالت را رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت به‌شمار می‌آورد. امام، عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت»، «بالاترین موهبت الهی»، «فضیلت سلطان»، «سیر و نگه‌دارنده دولت‌ها»، «مایه اصلاح رعیت»، «باعث افزایش برکات»، «مایه حیات آدمی و حیات احکام» و «مانوس خلائق» ذکر می‌کند. ایشان حکومت را به «عدالت‌گستری» مشروط دانسته، نظام آمریت را بر «عدل» مبتنی می‌داند. از این دیدگاه «ملاک حکم‌رانی و قوی‌ترین بنیان، عدل است»؛ بنیانی که «قوام عالم به آن مبتنی است».<sup>۲</sup>

۱. «العدل فوز و کرامة»، «الإنصاف أفضل الفضائل» (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان علیه‌السلام، ص ۹۷)؛ «العدل أفضل سجية» (همان، ص ۱۰۰)؛ «الإنصاف أفضل الشیم» (همان، ص ۹۷)؛ «أسنی المواهب العدل» (همان، ص ۱۱۲)

۲. «العدل فضیلة السلطان»، «العدل جنة الدول»، «العدل يصلح الرعية»، «العدل مألوف»، «اعدل تحکم»، «العدل نظام الأمر»، «بالعدل تتضاعف البرکات»، «العدل حياة»، «العدل حياة الأحکام»، «ملاک السياسة العدل»، «العدل أقوى أساس»، و «العدل أساس به قوام العالم» (میزان الحکمه، باب العدل، ص ۷۸-۹۰)

علی علیه السلام هیچ وقت برای حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت عقب ننشست، بلکه بر عکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمامداران و نفوذ محبت آنان در دل مردم می‌داند. امام علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

إنَّ أفضلَ قرةِ عينٍ الولايةَ استقامةَ العدلِ في البلادِ و ظهورَ مودةِ الرعيّةِ و إنَّه تظهر مودّتهم إلّا بسلامة صدورهم؛<sup>۱</sup>  
تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه‌هایشان [خالی بودن از کینه و بغض حاکمان].

پس اگر زمامداران عادل‌پیشه باشند، قلب‌ها به سوی آنان جذب می‌گردد و عقده‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود. این خود تضمین‌کننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم آن با ملت است. عدل‌محوری نظام سیاسی، باعث می‌شود مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومی‌دی از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلاف‌کاری، تضعیف اخلاق عمومی و ازهم‌پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که خواه‌ناخواه، نتیجه آن ناپایداری امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت است.

از دید امام علی علیه السلام، رهبران و کارگزاران نظام اسلامی با رعایت عدالت در سطوح مختلف سامانه سیاسی، نتایج مثبت فراوانی را به بار می‌آورند. این آثار برای شخص رهبران عبارتند از: استقلال و توان، نفوذ حکم، ارزش‌مندی و بزرگ‌مقداری، بی‌نیازی از یاران و اطرافیان، مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکمرانی آنها و بالا رفتن شأن، عظمت و عزت ایشان.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.

۲. «من عدل تمکن.» (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۵)؛ «من عدل عظم قدره.» (همان، ص ۱۹۳)؛ «من

به اعتقاد امام علی علیه السلام، «هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند»<sup>۱</sup> و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد.

مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه است؛ زیرا «عدل، انتظام امور مردم و جامعه را سبب می‌شود» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح کند»، اجرای عدالت «مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌کند»<sup>۲</sup> و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی - صنعتی) تأثیر بسزایی دارد.<sup>۳</sup> اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت، خشونت اثری نخواهد داشت. حضرت به یکی از والیان خود می‌فرماید:

استعمل العدل، و احذر العسف والحيف، فإن العسف يدعو بالجلاء، و الحيف يدعو إلى السيف؛<sup>۴</sup>

به عدالت کار کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی وامی‌دارد و بی‌دادگری شمشیر در میان آورد.

از این سخنان نتیجه گرفته می‌شود که از دیدگاه امام علی علیه السلام، عدالت‌ورزی

- عدل فی سلطانه استغنی من أعوانه. (همان، ص ۳۴۳)؛ «من کثر عدله حمدت أيامه.» (همان، ص ۲۹۰)؛ «من عدل فی سلطانه و بذل إحسانه أعلى الله شأنه و أعز أعوانه.» (همان، ص ۳۹۶)
۱. «لن تحصن الدول بمثل استعمال العدل فيها.» (همان، ص ۷۰)؛ «من عمل بالعدل حصن الله ملكه و من عمل بالجور عجل الله هلكه.» (همان، ص ۳۵۵)؛ «العدل جنة الدول.» (همان، ج ۲، ص ۶۲)؛ «إعدل تدم لك القدرة.» (همان، ص ۱۷۸)
۲. «العدل قوام البرية.» (زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام، ص ۹۹)؛ «حسن العدل نظام البرية.» (همان، ص ۱۳۸)؛ «عدل الساعة حياة الرعية و صلاح البرية.» (همان، ص ۱۷۵)؛ «العدل يستديم المحبة.» (همان، ص ۱۰۰)؛ «الإنصاف يرفع الخلاف و يوجب الائتلاف.» (همان، ص ۱۰۱)؛ «بالعدل تصلح الرعية.» (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۴)
۳. «ما عمّرت البلدان به مثل العدل.» (زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام، ص ۱۹۳)
۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۶۸، ص ۱۳۰۴.

زمام‌داران باعث برچیده شدن خشونت‌گرایی و شورش مردم علیه حکومت می‌گردد و اطمینان، آرامش و محبت به نظام سیاسی، به جای احساس نومیدی و سرخوردگی و تنفر از حکومت، در دل ایشان جای می‌گیرد. با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشنت، تفرقه، ناامنی و ناپایداری، به وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد. همین معانی در سخنان دیگر معصومان نیز آمده است. حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدک می‌فرماید:

خدای سبحان، ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه‌داشتن از آلودگی و شرک واجب کرد و عدالت را برای تأمین اطمینان و آرامش دل‌ها لازم نمود؛ اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد و با امامت و رهبری، تفرقه آنها را رفع کرد و نیز عدالت در احکام را برای تأمین انس و هم‌بستگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه قرار داد.<sup>۱</sup>

هم‌چنان‌که امام سجاد علیه السلام به والی و سلطان می‌فرماید:

حق مردم بر تو آن است که بدانی ایشان به دلیل ضعف خود و قوت تو زیر فرمان‌روایی و رهبری تو قرار گرفته‌اند. پس واجب است که با آنها عدالت پیشه کنی و برایشان همانند پدری مهربان باشی و از نادانی‌هایشان گذشت‌نمایی و در عقوبت و مجازاتشان عجله نکنی و ضروری است درباره نیروی فرادستی خود نسبت به آنان، که عطیه الهی است، شکر خدا را به جای آوری.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر در روایات، استبداد، سرکوب‌گری و خودکامگی، منشأ ناامنی و بروز شورش و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و از میان رفتن حکومت به شمار آمده است. از این رو، برای اعمال بهینه قدرت سیاسی و دستیابی به آرمان‌های والای حکومت مانند امنیت، برخورد دوستانه و مودت‌آمیز، بدون کاربرد خشونت

۱. نک: «اجرای عدالت، مهم‌ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۰۸۲، ۲۳ دی ۱۳۶۸.

۲. همان.

و سرکوب‌گری مردم، توصیه شده است. بنابراین، با نهی شدید استبداددورزی، بر رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت پافشاری گردیده است. اگر عدالت متعامل با امنیت به شمار آید، بدیهی است ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی‌ثباتی خواهد بود. امام علی علیه السلام، یکی از نشانه‌های ظلم را سرکوب کردن (تغلب) زيردستان می‌داند و چیرگی فرد بر فرودستان را از نشانه‌های ستم‌گری می‌داند.<sup>۱</sup>

امام علیه السلام در بسیاری از سخنانش، استبداد، خودکامگی و خشونت کارگزاران نظام سیاسی با مردم را به شدت نهی کرده و برخورد ملاطفت‌آمیز و عادلانه با آنها را سفارش فراوان فرموده است. ایشان این شیوه را عامل بقا و ماندگاری حکومت و نومیدی دشمنان می‌داند و حقوق میان حکومت و مردم را دوسویه دانسته، این حقوق و رعایت آن را مایه انتظام در روابط مردم و عزت دین آنان به شمار می‌آورد. آن حضرت صلاح مردم را در صلاحیت حکومت‌ها و صلاح حکومت‌ها را در استواری و استقامت مردم می‌داند.<sup>۲</sup>

روشن است که دست‌آورد چنین امامت و حکومتی، چه در عصر علوی و چه در عصر مهدوی، عدالت و امنیت و حیات طیبه و کامل است و با ظلم، تغلب (چیرگی و سرکوب) و هم‌چنین اعمال خشونت منافات دارد.

#### هـ) عدالت و امنیت، دست‌آورد فراگیر حکومت مهدوی

بنابر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد علیهم السلام، اسیر پراکندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران پراکندگی، نابرابری و ناامنی، با ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنابر آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر علیه السلام خلیفه خدا

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲، ص ۱۲۵۱.

۲. همان، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۱.



می‌شوند و دین حاکم می‌گردد. در این صورت، بنا به وعده الهی، امنیت جای ترس را می‌گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوش‌بختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و همه گنج‌های خود را برای انسان رو خواهد کرد.

با این که اخبار و روایات بیان‌گر هرج و مرج و چیرگی بی‌عدالتی و ناامنی در عصر پیش از ظهور است، به نظر می‌رسد این وضعیت به صورت مطلق در همه جهان حاکم نباشد. بنابراین، این باور انحرافی که برای شتاب بخشیدن به ظهور حضرت، به افزایش فساد و ناامنی باید کمک کرد، کاملاً مردود و مخالف اسلام است؛ مگر نه این که خود امام عصر علیه السلام حضور خود را در عصر غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه می‌کند،<sup>۱</sup> یا در روایتی دیگر می‌فرماید:

إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛<sup>۲</sup>

به‌درستی که من مایه امان اهل زمین هستم؛ هم‌چنان‌که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان‌ها هستند.

ده‌ها روایت از پیامبر و امامان وارد شده که خود و اهل‌بیت را مایه امان ساکنان زمین به شمار آورده‌اند.<sup>۳</sup> حضور امام عصر علیه السلام چه به صورت غایب و چه به صورت ظاهر و در زمان قیام، مایه بارش فیض و نعمات الهی به سوی مردم است. به طور طبیعی، این جریان در دوره حکومت مهدوی به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتصال فیض میان خداوند و مردم، از طریق امام برطرف خواهد شد. البته آن هنگام، مردم این واسطه خیر و نعمت نامرئی را آشکارا خواهند دید و لمس خواهند کرد.

۱. «و أما وجه الانتفاع بي في غيبتي فكالاتنفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب.» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲)

۲. همان، ج ۷۸، باب ۳۰، ص ۳۸۰، روایت یکم.

۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «و أهل بيتي أمان لأهل الأرض.» (همان، ج ۲۳، باب ۱، ص ۳۷، روایت ۶۴)

همه امامان شیعه در زمان خود واسطه فیض بوده‌اند، اما مع‌الأسف به دلیل اختناق زمانه و سرکوب خودکامگان چیره از یک‌سو و هواپرستی و گمراهی مردم از سوی دیگر، نتوانستند بشر را به کمال و غایت تکامل الهی و انسانی خویش رهنمون سازند. بنابراین، میان امام عصر علیه السلام و دیگر امامان معصوم در این زمینه تفاوتی نیست، ولی به خواست خداوند، امام موعود کسی است که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و طرح اصلاحی دیگر معصومان در اکمال دین و دست‌یابی به عدالت و امنیت و دیگر فضایل را به نتیجه نهایی می‌رساند. روایات اثبات‌گر این مدعا فراوانند. برای نمونه، امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید:

ما امام مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سرور مؤمنانیم؛ ما رهبر شریف‌ترین مسلمانان و... مایه امان ساکنان زمین هستیم؛ همان‌گونه که ستارگان مایه امان و حفظ آسمان‌ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این‌که اهلش را نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران می‌فرستد و رحمت خویش را بر مردم می‌گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می‌شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرومی‌برد.<sup>۱</sup>

امامان پاک ما به دلیل جو اختناق حاکم بر زمان خویش، آرمان‌های خود را در دوره قیام قائم علیه السلام جست‌وجو می‌کردند؛ هم‌چنان‌که امام علی علیه السلام درباره عدالت‌گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از عدالت و امنیت و دیگر برکت‌ها می‌فرمایند:

ولو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع والبهائم حتى تمشي المرثة بين

۱. همان، ج ۲۳، باب ۱، ص ۵، روایت دهم.

العراق إلى الشام لاتضع قدميها إلا على النبات و على رأسها زيتتها، ولا يهيجها  
سيع و لاتخافه؛<sup>۱</sup>

هنگامی که، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان  
که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از  
دل های بندگان زدوده می شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار  
می گردد؛ به گونه ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی  
نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است  
و زینت هایش را بر روی سرش گذارده و درنده ای او را نمی آزارد  
و نمی ترساند.

روایات از این دست فراوانند که در ذیل به چند نمونه از آنها که از پیامبر ﷺ  
نقل شده اشاره می کنیم:

مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد و به سنت من عمل می کند و  
خداوند برای او از آسمان برکاتش را فرو می فرستد و زمین برکت هایش را  
خارج می سازد. به واسطه وی، زمین همان گونه که از ستم و جفاکاری پر  
شده، از برابری و داد سرشار می شود...<sup>۲</sup>

اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به  
اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او  
زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و  
جفاکاری پر شده بود. وی خواسته و مال را برابر پخش می کند و خداوند  
در آن هنگام بی نیازی را در دل های این امت قرار می دهد...<sup>۳</sup>

از این دسته روایت ها، به خوبی فهمیده می شود که در حکومت جهان شمول

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ *تحف العقول*، ص ۱۱۰. (در نسخه *تحف العقول* حدیث این گونه روایت شده که  
این زن زنبیل را بر روی سرش قرار داده است.)

۲. *بحار الأنوار*، ج ۵۱، ص ۸۲، روایت ۲۵.

۳. همان، ص ۸۴، روایت ۳۵.

حضرت مهدی علیه السلام عدالت و امنیتی فراگیر در همه‌جای دنیا برقرار می‌شود و تنها مسلمانان از این فیض و رحمت خداوندی بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه این بهره‌مندی به همه ساکنان زمین می‌رسد؛ زیرا در سراسر گیتی، «گنج‌ها بیرون آورده خواهد شد و شهرها و روستاهای شرک فتح می‌شود.»<sup>۱</sup> در چنین حکومتی، عدالت و امنیت و همه بهره‌های آسمان و زمین، بی‌تبعیض، نصیب همگان خواهد گردید؛ هم‌چنان‌که امام حسین علیه السلام در بیان مهمی می‌فرماید:

... إذا قام القائم العدل وسع عدله البرّ والفاجر؛<sup>۲</sup>

هنگامی که برپا دارنده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را در برمی‌گیرد.

بهره حکومت جهان‌شمول و عدالت‌گستر و امنیت‌محور حضرت مهدی علیه السلام نه تنها شامل مسلمانان و غیرمسلمانان و اقلیت‌های گوناگون می‌شود، بلکه حتی بدکاران را هم دربرمی‌گیرد. البته از روایات چنین برمی‌آید که حسنات و جاذبه حضرت مهدی علیه السلام و نهضت عدالت‌گستر او باعث جهان‌شمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی آوردن تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. روایت امام صادق علیه السلام بر این مدعا گواه است. از ایشان درباره تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»<sup>۳</sup> پرسیدند. امام علیه السلام فرمودند که این آیه درباره زمان قیام قائم علیه السلام است که در آن هنگام بر کره خاکی، جایی نمی‌ماند مگر آن‌که در آن ندای شهادتین (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) بشنوند.<sup>۴</sup>

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «المهدى من ولدى... يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك». (همان، باب ۱۸، ص ۹۶)

۲. همان، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

۳. «و هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوند.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

۴. «إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودی فيها بشهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله.» (میزان‌الحکمه،

از سویی، با توجه به این‌که در طول تاریخ، بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و خون‌ریزی‌ها و ناامنی‌ها متوجه شیعیان بوده، دوران امام قائم علیه السلام، عصر قدرت و ایمنی و رفع بلا و مصائب از شیعیان است؛ توان دفاعی آنها بسیار بالا می‌رود و حکومت زمین و سروری آن به ایشان خواهد رسید. امام زین‌العابدین علیه السلام در این‌باره فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حَكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می‌سازد و قلب‌های آنان را به مانند پاره‌های آهن می‌گرداند و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون می‌کند. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت.

با وجود این، در عصر حکومت مهدی علیه السلام همه مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می‌شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت‌ها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی نخواهد بود؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می‌کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد؛ قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می‌گیرد. این حکومت و قضاوت به الهام الهی تکیه دارد و بر همین مبنا بر علم امام متکی است. امام علیه السلام از مردم درخواست بینه و شاهد نمی‌کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می‌کند.<sup>۲</sup> بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی و

۱. ج ۱، ص ۲۹۴، روایت ۱۲۴۷. (به نقل از: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲)

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۳، روایت ۱۲۴۰. (به نقل از: مشکوٰۃ الأنوار، ص ۸۰)

۲. قال ابو عبدالله علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام، حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يَلْهَمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيحْكُمُ بَعْلَمَهُ.» (بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۱، ص ۱۴، روایت ۲۳) قال ابو جعفر علیه السلام: «إِنَّهُ إِذَا قَامَ

کامل صورت می‌پذیرد و کاملاً و بدون هیچ شبهه و خطایی انجام می‌گردد. از دیگر نشانه‌ها و شاخصه‌های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاق بیت‌المال و اموال مشترک عمومی است، هم‌چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسُّوْيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرِّعْيَةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ؛<sup>۱</sup>

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت‌المال را] با مساوات تقسیم می‌کند و به شهروندان عدل می‌ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او همانند سرکشی از خداست.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت‌محور و امنیت‌گستر مهدوی این که حضرت ولی عصر علیه السلام فاتح شهرهای شرک هستند و حتی چهره ترسیمی ایشان در روایات و هنگام قیام به گونه‌ای است که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما در حقیقت، قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی، موانع و بندهای بی‌شماری است که طاغوتیان بر دست و پای انسان‌ها زده‌اند و بشر را از کمال واداشته‌اند و یا به پس‌رفت و قهقرا کشانده‌اند. حرکت امیدبخش و زنده‌کننده حضرت که با پرچم ایمان و عدالت صورت می‌پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می‌گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی

قائم آل محمد حکم بحکم داود و سلیمان لایسأل الناس بینة.» (همان، ج ۲۳، باب ۴، ص ۸۵ روایت ۲۸)

۱. همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳؛ هم‌چنین نک: همان، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

تحقق می‌یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می‌دهند. در این میان، فرقی میان دین‌ها، نژادها، قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون مردم گیتی نیست؛ زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان‌گستر و عالم‌شمول برای نجات و رستگاری بشر است.

عدالت‌گستری حضرت مهدی علیه السلام، خود زمینه‌های تقویت و پابندگی مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل‌های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

... فیملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض...<sup>۱</sup>

... پس زمین را از عدل و قسط پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند...

... یملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً یرضی بخلافته أهل السموات و أهل الأرض والطیر فی الجو...<sup>۲</sup>

زمین را همان‌گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می‌کند. اهل آسمان‌ها و اهل زمین و پرنندگان آسمان به خلافت او رضایت می‌دهند.

از دیگر ویژگی‌های عدالت مهدوی و جهان‌شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی علیه السلام، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس لیاقت و شایستگی، نه از یک جای خاص بلکه از کشورهای و شهرهای گوناگون برمی‌گزینند. حرکت امام ویژه ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه به همه جهانیان متعلق است تا آنان اسلام را با آغوش باز و خشنودی بپذیرند و

۱. همان.

۲. همان، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵.

دستورهای آن را سرمشق زندگی رستگاران خود قرار دهند.  
پیامبر گرامی اسلام درباره عدالت‌گستری و هم‌چنین اصحاب حضرت  
مهدی علیه السلام فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یرصدق الله عزوجلّ و یرصدقه الله فی قوله یرخرج  
من تهامة حین تظهر الدلائل والعلامات و له کنوز لاذهب و لافضة إلیا خیول  
مطهّمة و رجال مسومة یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدّة أهل بدر ثلاث  
مئة و ثلاثة عشر رجلاً معه صحیفة مختومة فیها عدد أصحابه بأسمائهم و  
بلدانهم و طبایعهم و حلالهم و کناهم کذا دون مجدّون فی طاعته؛<sup>۱</sup>  
مهدی به عدالت حکم و به آن امر می‌کند. خداوند عزوجل، او و کلامش را  
تصدیق می‌فرماید و هنگامی که نشانه و علامت‌ها آشکار می‌شوند، از مکه  
خروج می‌کند. وی دارای گنج‌هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج‌های او  
اسب‌های خوش‌اندام و نیکو منظر و مردان مشخص شده‌ای هستند که  
خداوند آنها را برای وی از دورترین شهرها جمع‌آوری کرده که تعدادشان  
به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر مرد است و صحیفه‌ای همراه مهدی وجود  
دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کشورها، محل سکونت و حتی  
نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و  
سختی می‌کشند.

می‌توان چنین استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا  
به عبارتی بهتر، ایالت‌های این حکومت در هر کجای گیتی ضایع نمی‌شود.  
عدالت مهدوی و اسلامی ایجاب می‌کند که اقوام، کشورها و ملیت‌ها، شایستگان  
و نخبگان متصف به صفات لازمه اسلامی را در محیطی با ثبات و سرشار از  
آرامش و فارغ از هر گونه نزاع، به کارگزاری و مدیریت ایالات خویش، در  
چارچوب حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بگمارند و از مواهب گوناگون این

۱. همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت چهارم.



حکومت، هم چون امنیت به گونه‌ای مساوی با دیگران بهره‌مند شوند.

### نتیجه

همان‌گونه که گفته شد، عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دست‌آوردهایی است که امام موعود به بشر، آن‌هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد کرد. انقلاب مصلحانه حضرت برای تکمیل دیانت، رسالت نبوی و امامت اصلاح‌گرایانه امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ امامتی که به دلیل خودکامگی، اختناق و سرکوب خودکامگان ستم‌گر و چیره به فرجام نیکوی خویش نرسید. امام عصر علیه‌السلام این نهضت را به پایان خواهند برد و همه اقوام، ملل و انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست و شیعیان از آفات و بلیات و آسیب‌ها به دور خواهند ماند و در کمال امنیت، توان روزافزون خواهند یافت.

آن‌گاه بشر و تمام ساکنان و جنندگان آسمان‌ها و زمین، با آغوشی باز بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الهی در سایه عدالت‌گستری حضرت مهدی علیه‌السلام محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد رسید و ایمان به منزله سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب‌ها و جان‌ها حکم‌فرما خواهد شد. حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد. آسمان‌ها و زمین نیز با پیشه‌کردن عدالت، همه بهره‌ها و نعمت‌های خود را برای استفاده بشر، تقدیم می‌کنند و ترس، هراس، ناامنی و بی‌عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، غالب بر عدالت است و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر روی کرد و مشی الهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و

پذیرش کامل مردم سود می‌برد. همین امر به جذب بیشتر قلب‌های مردم به سوی امام عصر علیه السلام و نهضت جهان‌شمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت.

عدالت مهدوی حکم می‌کند که ملاک‌گزینش کارگزاران، قومیت‌پرستی و قبیله‌گرایی نباشد. برعکس، در گزینش آنها، اصلح‌بودن، شایستگی و کاردانی لحاظ می‌شود؛ هم‌چنان‌که امام در انتخاب ۳۱۳ یار خود، این ملاحظات را در نظر می‌گیرد و آنها را از کشورها و شهرهای مختلف و با هدایت الهی انتخاب می‌کند. عدالت و امنیت، چه در اندیشه اسلامی و چه در عصر مهدوی، در تعامل مستقیمی با یک‌دیگر قرار دارد و عدالت، خاستگاه و بستر امنیت است.

حضرت با رعایت مساوات و استحقاق‌های افراد، خیرات مشترک را میان مردم توزیع می‌کند و با حکمیت و قضاوت بر مبنای الهام و علم الهی خویش، زمینه هرگونه حکومت و داوری ناعادلانه و خطاآمیز را از بین می‌برد. بدین‌وسیله، زمینه‌های نارضایتی و اعتراض‌های مردمی را که بی‌ثباتی و ناامنی نتیجه آن است، از میان بر می‌دارد. در آن دوران، در دل مردم به‌جای اشمئزاز از حکومت، مهر و محبت جای‌گزین می‌شود.

### مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی

جهانی شدن یا جهانی سازی،<sup>۱</sup> پدیده‌ای انکارناپذیر در عالم امروز است و جهان، با پیشرفت‌های روزافزون به‌ویژه در عرصه علوم، فن‌آوری، ارتباطات و اطلاعات، حمل و نقل و... هر روز بیش از پیش، به سوی تحقق تدریجی این امر گام برمی‌دارد. این فصل در سه گفتار اصلی، با تبیین مفهوم و برداشت‌های مختلف از این فرآیند، ماهیت اصلی پدیده جهانی شدن را وامی‌نماید؛ ماهیتی که در درون آن، سلطه‌گری، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم جدید نهفته و نمی‌توان از بسیاری جوانب متریقی و ایجابی آن چشم پوشید، تبعات و پی‌آمدهای منفی و

---

1. Globalization.

ویران‌گر آن نیز برای بشر و آحاد جامعه جهانی انکارناپذیر است. با توجه به این پی‌آمدهای منفی، آموزه و پدیده جهانی‌سازی در اساس، پدیده لازم و مثبتی می‌نماید و باید از این راه‌برد به گونه نیکو سود جست و با اصلاح آفات و اعمال صحیح، آن را در خدمت بشر قرار داد؛ همان‌طور که ادیان الهی و به‌ویژه اسلام و حتی مصلحان بشری، جملگی جهانی‌اندیشیده‌اند و هم‌چنان‌که آموزه‌های قرآنی و روایی اسلامی نیز خود را به صورت جهان‌شمول مطرح کرده‌اند، طرح حکومت حضرت مهدی علیه السلام و جهانی‌سازی مهدوی نیز در حقیقت راه‌برد آرمانی و نهایی جهان‌وطنانه اسلامی و نسخه درمان جامعه بشری از آلام، حرمان‌ها و تنگناهای بی‌شمار است.

در این فصل، با مقارنه جهانی‌سازی مهدوی با جهانی‌سازی غربی، ویژگی‌ها و شاخصه‌های هر دو به‌ویژه در عصر مهدوی، تبیین می‌شود و با استدلال‌های لازم، برتری بی‌چون و چرای الگوی جهانی‌سازی مهدوی برای نجات بشر و حیات هستی، نمایان می‌گردد و به پرسش‌های ذیل پاسخ گفته می‌شود:

۱. جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی به چه مفهومی است و چه برداشت‌هایی از آن وجود دارد؟ آثار مثبت و منفی آن کدام است و ماهیت واقعی جهانی‌سازی امروزی چیست؟

۲. آیا اسلام و ادیان الهی نیز دارای رسالت جهان‌شمول و جهان‌گرا بوده‌اند؟  
 ۳. نهضت و آموزه جهانی‌سازی مهدوی چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارد و جوه تمایز و برتری آن از دیگر آموزه‌های جهانی‌سازی در چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی نهفته است؟

مفروض این نوشتار را نیز به اجمال می‌توان این‌گونه طرح کرد: با وجود جوانب مثبت پدیده جهانی‌سازی، ماهیت اصلی و فعلی این پدیده، غربی و به‌خصوص امریکایی، سلطه‌ورزانه و استکباری است، در حالی‌که نهضت و آموزه جهانی‌سازی مهدوی، الگوی آرمانی و راه‌بردی برتر و متعالی بوده و نجات

بشر و حیات هستی را با خواست و اراده الهی به ارمغان خواهد آورد.

کفتار اول

## مفهوم جهانی شدن و برداشت‌های مختلف از آن

### الف) مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی

بی‌شک، جهانی شدن از متداول‌ترین اصطلاحات دهه حاضر در جهان و پدیده‌ای جدی و جاری، در عرصه کنونی و دهه‌های آینده است. روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران، مدیران تجاری، دانشگاہیان و دیگران، با به کار بردن این اصطلاح قصد دارند نشان دهند که پدیده‌ای ژرف در حال وقوع است که جهان را دگرگون می‌سازد و نظمی نو در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی ظهور و پدید می‌آورد. افراد متفاوت و با اغراض گوناگون، این اصطلاح را در موارد مختلف، چندان فراوان به کار برده‌اند که تعیین موضوع مورد بحث در جهانی شدن، کارکردهای این اصطلاح و آثارش بر نظریه و سیاست معاصر را دشوار کرده است. بنابراین، به رغم تداول اصطلاح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانع و با زوایا و ابعاد روشن و محسوس برای این مفهوم جدید و دست‌خوش تحول که عمری کمتر از دو دهه دارد، بیان نشده است.<sup>۱</sup> البته تعاریف متعددی در این مورد عرضه شده است. برای نمونه، در تعریف بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده‌اند، یا آن را برای توصیف روندی به کار برده‌اند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی، به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به

۱. خوش‌یختانه کتب و مقالات بی‌شماری حتی به زبان فارسی درباره پدیده جهانی شدن نوشته شده است. برای نمونه نک: *روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن، جهانی شدن غربی سازی جهان، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن.*

خلق یک بازار تازه جهانی، سازمان‌های سیاسی فراملی و فرهنگی جهانی تازه دست می‌زنند. به نظر اینان، دورنمای جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه‌داری، زوال دولت ملت، گردش پرشتاب‌تر کالاها، انسان‌ها، اطلاعات و قالب‌های فرهنگی است و از منظری دیگر، شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل را دربرمی‌گیرد و به یک‌سان‌سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگ‌های جهان می‌انجامد. در این زمینه، با توسعه ماه‌واره‌ها، گسترش نظام‌های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه‌ها و کاربرد اینترنت و ازدیاد کانال‌های تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی حاکم می‌گردد. در گذر همین فرآیند، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. بدین ترتیب، می‌توان جهانی شدن را به فرایندهایی تعریف کرد که بر اساس آن، همه مردم جهان در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند.

این مفهوم در نمایی عام عبارت است از: «در هم ادغام شدن» بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهانی، به‌ویژه در سطح قدرت‌های بزرگ، گسترش نوآوری‌های تکنولوژیک، رشد روزافزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله با هدف گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تمرکززدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر ائتلاف و ادغام، یک‌پارچگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات‌زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت‌گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.

می توان جهانی شدن را بر حسب تعاریف موجود، شکل گیری شبکه ای دانست که در چارچوب آن، اجتماعی که پیش از آن بر کره خاکی دورافتاده و منزوی بوده اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می شوند و ارتباط آنها با یکدیگر، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، بسیار نزدیک و متقارن و حتی چهره به چهره می گردد و هویت انسان ها از سیطره جامعه و ساختار اجتماعی ثابت خارج می شود و از هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین المللی متأثر خواهد گشت. کوتاه سخن آن که بسیاری از صاحب نظران، ویژگی های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیکی جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر «سبیرنیتیک» خلاصه کرده اند. دوره ای که روابط «فراملی» جانشین «روابط بین المللی» می گردد و جامعه مدنی جهانی به منزله شبکه ای از سازمان هایی که اهداف و آرمان هایش مرز نمی شناسد، به مثابه مظهری از روابط فراملی آشکار می گردد.

#### ب) برداشت های مختلف از جهانی شدن

دیدگاه ها و دریافتهای متنوعی درباره مسئله جهانی شدن وجود دارد. برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از مرحله ای گذرا و موقت در تاریخ بشر نمی دانند. برعکس، عده ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه داری غرب و نوسازی تلقی می کنند. گروه سوم، جهانی شدن را تحولی اساسی در سیاست جهانی برمی شمردند که فهم آن نیازمند تفکر جدیدی است.<sup>۱</sup>

از منظر برخی صاحب نظران، در ره یافته های مختلف، سه نوع جهانی شدن به چشم می خورد: یکی جهان گرایی راستین و کامل که هم مادی و هم معنوی است و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی

۱. نک: «جهانی شدن نظریه ها و رویکردها»، ص ۳۲.

را دربردارد؛ دیگری، جهان‌گرایی ناقص و نارسا که تنها اقتصادی و تک‌ساختی است؛ سوم، جهان‌گرایی کاذب و سلطه‌جویانه و تنازعی که همان جهانی‌سازی امریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه‌جویانه و انحصارطلبانه است که امریکا را در رأس قدرت جهانی در نظر می‌آورد و یکه‌تازانه، افزایش قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به امریکا را پی می‌گیرد.<sup>۱</sup>

شاید بتوان گفت که درباره فرآیند جهانی‌سازی یا جهانی‌شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت‌نگر و دیگری منفی‌نگر. از دیدگاه مثبت، جهانی‌سازی می‌تواند با استفاده از عرصه فن‌آوری اطلاعات (IT) همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی یا دست‌کم انسانی را بر جهان حکم‌فرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر برقرار سازد. جهانی‌سازی می‌تواند مردم دنیا را هم‌پیکر کند تا همانند یک اندام در فکر صلاح و اصلاح یک‌دیگر برآیند و در سنگری یگانه، علیه تمام عوامل بازدارنده از تکامل مبارزه کنند.

اما بر مبنای دیدگاه دوم، فرآیند جهانی‌سازی فعلی اگرچه دارای برخی فواید از موارد پیش گفته است، در حقیقت هدف اصلی آن، چیزی نیست جز یک‌پارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی، به رهبری دنیای سرمایه‌داری و به سردمداری امریکا؛ بازاری که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت‌طلبی و استکبارورزی داد و ستد می‌کند و سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر کشورهای ثروت‌مند علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروزه حتی برخی از متفکران غربی از جهانی‌شدن به منزله خطر و تهدیدی بالفعل و بالقوه به منظور «امریکایی

۱. نک: «آسیب‌شناسی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت»، ص ۱۶۰.



شدن» جهان، نام می‌برند.

به همین دلیل، برخی همانند والرشتاین، دان دویچ ولستی، با نگاهی بدبینانه، جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان و استثمارگری (استعمار شونده‌گی) جهانی می‌دانند؛ زیرا نظریه آنان به جوهر هژمونیک، تنازعی و «هابسی - داروینیستی» این فرایرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می‌کند. نظریه «سیاست قدرت» هانس مورگنتا، راه‌برد و دکترین تنازع تمدن‌های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی نومحافظه‌کاران امریکایی، یکه‌تازی، یک‌جانبه‌گرایی، نظامی‌گری آنان تحت عنوان مبارزه با تروریسم، تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه کشورها و دولت‌ها، از جمله آثار و عوامل تحقق جهانی سازی غربی است که مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌سالارانه با سلسله‌مراتب قدرت و سلطه بوده و علاوه بر استفاده از میلتاریسم، از شیوه‌ها و ابزارهای تازه تحمیق علمی و فرهنگی و تطمیع اقتصادی و تکنولوژیک بهره می‌گیرد. بی‌دلیل نیست که دانش‌ورانی مانند پولانی، اسکات گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرایرد جهانی سازی، با تعبیری مانند غربی سازی، امریکایی سازی، و گاه «نئومپریالیسم» در قالب نظام تازه تک‌قطبی و دهکده جهانی یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

جهانی سازی از نوع غربی، پروژه‌ای تحمیلی و طرحی مهندسی - اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند و با تکیه بر بنیادهای نئولبرالیستی و سرمایه‌داری، در صدد فراگیرکردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان‌ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. پیروان این نگرش، جهانی شدن را مقوله‌ای ارادی و در کنترل عده‌ای خاص می‌دانند. به زعم آنان، این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه‌داری قرار

۱. نک: همان، ص ۱۶۲.

دارد. از این دیدگاه، جهانی شدن مرحله تازه‌ای از امپریالیسم به شمار می‌آید که در آغاز به صورت هم‌بستگی ظاهر شده و تازگی خود را در چهره جهانی نمایانده است. شون هیلی، از مخالفان جهانی شدن، آن را پروژه‌ای تحمیلی می‌داند و عقیده دارد که تنها حوزه‌های به‌خصوصی، جهانی شده‌اند. به گفته وی، «ثروت» در دهه نود، جهانی نشد، بلکه در دست عده‌ای خاص متمرکز گردید. تکنولوژی با آن‌که بسیار تواناتر از گذشته شده، اما جهانی نگشته و حتی رشد اقتصادی که پایه و اساس برتری تاریخی سرمایه‌داری به شمار می‌آید، صورت جهانی نیافته است.<sup>۱</sup>

### ج) ابعاد و دست‌آوردهای منفی جهانی‌سازی غربی (به‌طور اخص)

به باور بسیاری، جهانی‌سازی غربی از غالب‌ترین برداشت‌های نظری و عملی از اصطلاح و مفهوم جهانی شدن به شمار می‌آید. به اعتقاد آنان، جهانی‌سازی در اساس خود مستلزم غربی‌شدن جهان و پوششی برای سلطه سرمایه‌داری است. بنابراین، این اصطلاح به طور غالب، واژه‌ای جای‌گزین برای گفتمان‌ها و مصطلحاتی کهنه‌تر همانند «امپریالیسم» و نیز «نوگرایی» به شمار می‌آید. جهانی شدن در مفهوم جای‌گزین «امپریالیسم»، توجه ما را به سلطه کشورهای بسیار توسعه‌یافته بر کشورهای در حال توسعه یا سلطه شرکت‌های فراملیتی بر اقتصادهای ملی و محلی معطوف می‌کند. از این گذشته، جهانی شدن می‌تواند به مثابه مفهومی پوششی، وحشت جهانیان را از استعمارگرایی خنثا سازد. این مفهوم می‌تواند در قالب گفتمان امپریالیسم نو، استثمار همیشگی بسیاری از کشورهای دنیا توسط ابرقدرت‌ها و شرکت‌های غول‌پیکر فراملی را پنهان کند و در نتیجه، برخی ابعاد مخرب‌تر و وحشیانه‌تر توسعه معاصر را مخفی نگاه دارد. حتی کلیت جهانی شدن از نگاه منتقدان، نابودی سنن محلی، وابستگی مستمر

۱. نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، ص ۲۳-۲۴.

کشورهای فقیر به کشورهای ثروت مند، نابودی محیط زیست و همگون شدن فرهنگ‌ها و شیوه زندگانی روزمره را به همراه می‌آورد. دامنه این منتقدان، بسیار وسیع است؛ حتی مارکسیست‌ها، لیبرال‌ها و هواداران چند فرهنگی بودن جهان که بر تهدید حاکمیت ملی، سنن محلی و دموکراسی مشارکتی نیروهای جهانی انگشت می‌گذارند، یا هواداران محیط زیست که از پی آمدهای اکولوژیک ویران گر جهانی شدن عنان گسیخته هراس دارند و محافظه کاران که جهانی شدن را تهدیدی برای فرهنگ‌های ملی و محلی و تقدس سنت به شمار می‌آورند.<sup>۱</sup>

جهانی سازی غربی با سلطه بر اقتصاد و سیاست جهانی به دنبال نابودی ادیان و فرهنگ‌های بومی رقیب و جلوه دادن فرهنگ غربی به منزله فرهنگ برتر بوده و بحران هویت را در عرصه دیگر دول و ملت‌ها دامن زده است. پتراس، تصویری که از شکل و شمایل جهانی شدن نشان می‌دهد، چهره‌ای از یک نظام مبتنی بر امپریالیسم فرهنگی متکی بر سیطره مطلق اقتصادی غرب است. از منظر وی، این گونه امپریالیسم فرهنگی‌ای، به معنای نفوذ دائم و تسلط فرهنگی طبقه حاکم غرب بر توده‌ها به منظور نظام بخشی مجدد به ارزش‌ها، رفتارها، نهادها و هویت مردم استثمار شده و برای هم‌سوایی با منافع طبقات استثمارگر است.<sup>۲</sup>

لاییز و کاتز، جهانی شدن را به مثابه سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب می‌دانند. به باور آنها، استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته‌بندی می‌شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می‌گردد و آن‌گاه در مغز انسان‌های بی‌گناه می‌نشیند. گفته رابرتسون نیز همان نگرانی‌ها را دوچندان می‌کند:

جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها از منظر نمایش آنها روی صحنه جهانی - فرهنگی و با هدف توجه به هویت اندیشه‌ها و نمادهای مربوطه است.<sup>۳</sup>

۱. نک: «نظریه انتقادی جهانی شدن» ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. نک: «جهانی شدن»، ص ۸۰.

۳. نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی».

گفتنی است که جهان سرمایه‌داری به رهبری امریکا نیز از متفکران و نظریه‌پردازان مشهوری نیز سود می‌برد که فراوان هوادار نظریه جهانی‌سازی امریکایی در سایه مکتب لیبرال - دموکراسی هستند. از جمله به عقیده بارکر، جهانی‌شدن با توجه به گسترش سلطه سرمایه‌داری امریکا، امری طبیعی و تحقق جهانی آن به سود همه مردم جهان است، بنابراین، سرمایه‌داری امریکایی باید مردم تحت سلطه خود را قانع کند که راه و رسم امریکایی، همان پدیده‌ای است که آنان مطالبه می‌کنند و البته هژمونی امریکا امری طبیعی و به سود همه مردم جهان خواهد بود.<sup>۱</sup>

هم‌چنین فرانسیس فوکویا که فرجام تاریخ را در غلبه تمدن و فرهنگ امریکایی و مکتب لیبرال دموکراسی می‌بیند، با نخوتی آشکار، منظر خود را از جهانی‌شدن امریکایی چنین بیان می‌کند:

فرایندی بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی برای کل جوامع انسانی دیکته کند. به طور فشرده، جهانی‌شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای دست‌یابی به لیبرال دموکراسی است.<sup>۲</sup>

جالب این‌که این ادعاهای مغرورانه در حالی صورت می‌گیرد که امروزه بحران‌های متعددی در دنیای غرب (امریکا و اروپا) پیش می‌آید، از جمله: بحران معنویت، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران‌های اخلاقی، فساد اقتصادی و بحران محیط زیست. عارضه‌های این بحران‌ها نیز ظهور گسترده‌ای یافته است، مانند: آلودگی محیط زیست، ماشینی شدن و مادی شدن سپهر زندگی انسان غربی، افول نظام‌های تعلیم و تربیت، بی‌معنا شدن و یا کاهش معنای زندگی، از خودبیگانگی افراد و جوامع، ناهنجاری و گسیختگی خانواده‌ها، فقدان عدالت

---

۱. نک: همان.

۲. نک: همان.

اجتماعی، کنترل احزاب سیاسی، محدودیت آرا و عقاید عمومی و اعمال آن، ظهور تعصبات نژادی و ملی، نبود عاطفه و روابط صمیمانه میان افراد، بی احترامی به قانون و ظهور «وندالیسم اجتماعی»، تقلیل امنیت و رفاه اجتماعی، گسترش بی حد و مرز بی بند و باری های جنسی و خشونت های فردی و اجتماعی.

بنابر چنین حقایقی، جهان غرب و الگوی جهانی سازی غربی نتوانسته و نمی تواند در پرتو مکتب مادی گرایانه لیبرال - دموکراسی، ارمغان آورنده معانی جدید و آرمانی برای حیات بشری باشد. امروزه جامعه غرب از لیبرالیسم به «لیبرالیسم نو» گرایش یافته، اما حتی برجسته ترین فیلسوف جهان معاصر یعنی یورگن هابرماس این گرایش تازه غرب را به «لیبرالیسم وحشی» تعبیر کرده است؛<sup>۱</sup> لیبرالیسمی که برای جهانیان چیزی جز افزایش جنگ، فقر و نابرابری به بار نیاورده و برای غربی ها نتیجه ای جز افزایش قدرت، ثروت و شکاف بیشتر کشورهای فقیر و غنی در بر نداشته و هژمونی آنها را بر جهان افزون کرده و به جای صلح جهانی، ناامنی های بین المللی را دامن زده است.

آیا در سایه جهانی سازی غربی، وقتی صاحبان قدرت مند کارتل ها و تراست ها که در عین حال نظام اطلاع رسانی جهانی را نیز در اختیار خود گرفته اند، در وضعیتی نابرابر، راه بر چشمان ملت های فقیر می بندند و از ره آورد این کورچشمی تحمیلی و ارتباطات یک سویه، دست در جیب رقیب ناتوان می کنند، می توان مانند فوکویاما هم چنان خوش بینانه از «اعتماد متقابل» سخن گفت؟

امروزه پنج غول اقتصادی یعنی امریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از جمع دویست کارتل و تراست بزرگ جهان، ۱۷۰ مورد از آنها را زیر یوغ خود گرفته اند. برپایه گزارش سازمان ملل متحد، اندازه منابع مالی و نقدینگی ۳۵۸ نفر از اعضای الیگارشسی قماربازان جهانی مساوی منابع مالی ۲/۵ میلیارد انسان است.

۱. نک: «جهانی شدن»، ص ۸۷.

از سویی، حجم شگفت‌انگیز قدرت و ثروت در قالب شرکت‌های چندملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت‌های ملی را درهم می‌شکند و ارزش‌های مورد نظر لیبرالیسم نو را بر جهان حاکم می‌کند. متفکری به نام خوزه دو کاسترو در آثار گوناگون خود با آمار و ارقام ثابت کرده که همین کره خاکی می‌تواند چند برابر جمعیت کنونی خود را نان دهد و جهان هم در آرامش و صلح دائم به سر برود. وی در کتاب *سیاه‌گرستگی جهان معاصر* را چنین ترسیم کرده است:

در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا چنین وضعیتی، دست‌آوردهای مستقیم جهانی‌سازی به شیوه غربی نیست؟ البته این ابعاد منفی تنها به حوزه اقتصادی و رفاه‌زدگی کشورهای «دارا» و فقرزدگی کشورهای «ندار» ختم نشده است و تخریب بنیادهای فرهنگی، ارزشی و اخلاقی آنها را نیز به دنبال داشته و دارد. از دید هورکهایمر، جهانی‌شدن برای بورژوازی، حکم آب برای ماهی را دارد. بنابراین، بورژوازی ناگزیر است زمینه‌های فرهنگی مورد نیاز را در کشورهای مختلف بسترسازی کند، و چنین است که می‌بینیم جهانی‌شدن اقتصاد، از جهانی‌شدن فرهنگ و فروریختن ارزش‌ها و باورها و خرده‌فرهنگ‌های محلی، بومی و ملی سردرمی‌آورد.<sup>۱</sup>

بدیهی است که نتیجه و ابعاد منفی چنین جهانی‌شدنی به رفع فقر، نابرابری، تبعیض، جنگ و خشونت و... نینجامد. باید پرسید که چگونه چنین امری متوقع می‌تواند باشد، در حالی که امروزه کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و فراصنعتی، کمتر از بیست درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، بیش از هشتاد درصد ثروت جهان را به کیسه کارتل‌ها و تراست‌های خودی ریخته‌اند!

مع‌الأسف اربابان کلیسا در جهان غرب نیز نتوانسته‌اند به مقابله لازم با تبعات منفی این گونه جهانی‌سازی یک‌سویه و امپریالیستی بپردازند؛ هم‌چنان که فیلسوف

۱. نک: همان، ص ۹۰ و ۹۶.

فرانسوی یعنی پیر بوردیو فراتر از این ادعا، کلیسای مسیحی را به هم‌سویی با این روند و منفعت‌خواری از این جریان ناسالم جهانی متهم کرده است. به عقیده وی:

کلیسای کاتولیک، دشمن سرمایه‌داری نیست. این کلیسا مایل است مشتی از مزایای نئولیبرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می‌خواهد نئولیبرالیسم را با کاتولیسیسم درهم‌آمیزد. این همان سرمایه‌داری «کشیش زده» است.<sup>۱</sup>

جالب آن‌که امروزه بسیاری از تجاوزطلبی‌های امریکا و تهاجمات این کشور به دیگر کشورهای مستقل، با آموزه‌های «مسیحیت بنیادگرا» و همراهی کشیشان و کلیسای این نحله از مسیحیت صورت می‌گیرد که به آن «صهیونیسم مسیحی»<sup>۲</sup> نیز گفته می‌شود. بنابر صهیونیسم مسیحی، حضرت مسیح در بیت‌المقدس ظهور می‌کند و یهودیان را نجات می‌دهد و دیگر ادیان، تمدن‌ها و فرهنگ‌های متعارض خویش و از جمله مسلمانان را نابود می‌کند. از این‌رو، صهیونیسم هرگونه جنایت، سرکوب و قساوت را توجیه می‌کند. بنابراین، هم‌پیمایی و هم‌پیوندی مستحکم زمام‌داران امریکایی با صهیونیسم در این زمینه، توجیه‌پذیر است.

با تبیین برداشت‌های مختلف جهانی‌شدن و به‌ویژه ابعاد منفی پروژه جهانی سازی غربی، می‌توان به روشنی ادعا کرد که حکومت جهانی و جهان‌شمول حضرت مهدی علیه السلام هیچ‌کدام از شاخصه‌های منفی پیش‌گفته را ندارد و ضمن برخورداری از زوایا و ابعاد مثبت «جهانی‌سازی»، راه‌بردی حقیقی،

۱. همان، ص ۹۰.

۲. اسامی دیگری نیز برای صهیونیسم مسیحی رایج است، از جمله: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگ‌جوی انجیل، پیروان خواسته‌های مسیح یا خواسته‌های خدا و تروریسم مقدس. آرا و اندیشه‌های این نحله بنیادگرای مسیحی در کتاب‌هایی مانند *تدارک جنگ بزرگ، جنگ‌جوی انجیل، مبلغان جنگ‌جوی انجیل در بستر جنگ هسته‌ای* هر سه اثر کریس‌هال سل و دو کتاب دیگر به نام‌های *زمین سیاره بزرگ*، و *در پیش‌گویی‌های انجیل جای امریکا کجاست* نوشته کشیشی به نام هال لیندسی آمده است.

متعادل برای این طرح فراگیر است.

گفتار دوم

### جهان‌گرایی و جهان‌شمولی اسلام

جهانی‌سازی یا جهان‌گرایی علاوه بر این‌که همواره از اهداف مصلحان بزرگ بشری بوده، از تعالیم و رسالت‌های ادیان بزرگ الهی سرچشمه می‌گیرد و می‌توان آن را از اصلی‌ترین آرمان‌های همه انبیا و ادیان بزرگ الهی و از جمله اسلام به شمار آورد.<sup>۱</sup> بنابراین، اصطلاح جهانی‌سازی واژه جدیدی نیست و در حقیقت در عصر حکومت مهدوی، حضرت مهدی علیه السلام این رسالت نبوی و هدف اولیای الهی و ائمه علیهم السلام را به بهترین شکل ممکن محقق خواهد ساخت و این طرح جهانی را تکمیل خواهد کرد؛ در غیر این صورت، خاتمیت دین اسلام معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد و به واژه‌ای بی‌معنا تبدیل می‌شود.

ریشه‌های جهان‌شمولی دین اسلام، در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف‌پذیر بودن آموزه‌های آن و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. اسلام و دستورهای آن با فطرت انسانی که همان بعد ثابت حیات انسانی به شمار می‌آید، هم‌آهنگ است. به همین دلیل، اسلام دین جامع و فراگیر بوده و می‌تواند جهان‌شمول گردد. از سویی، عناصر جهانی‌شدن نیز در مذهب تشیع فراوان دیده می‌شود؛ از جمله آن‌که شیعه در بین دیگر مذاهب، بیشترین ملازمت را با خردورزی دارد. بنابراین، این عناصر را به روشنی در عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام تشیع می‌توان دید.

۱. برای اطلاع بیشتر از بحث روابط اسلام و جهانی‌شدن، معدود آثاری نگاشته شده است. برای نمونه نک: *جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی* (مجموعه مقالات)، ج ۲؛ *مسلمانان و مسئله جهانی‌شدن*، فصل‌نامه *قیاسات*، پاییز ۱۳۸۳؛ فصل‌نامه *کتاب نقد*، ش ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.



در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای مالک این خانه به حساب آمده است. در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد و جنسیت و طبقه‌ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین به شمار می‌رود:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup>

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یک‌دیگر] قرار داد.

این مضمون دست‌کم در سه آیه دیگر<sup>۲</sup> آمده است که رسالت کلی همه انسان‌ها را در این زیست‌گاه که زمین نام دارد، تبیین می‌کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راه‌نمای همه انسان‌ها هستند و تعلیم، تربیت و نظام‌بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند. قرآن کریم در رسالت اولین رسولان الهی چنین گفته است:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۳</sup>

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

و در خطاب به داوود پیامبر علیه السلام چنین آمده است:

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۴</sup>

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گرداندیم.

این آیات بیان‌گر آن است که رسول حق، نماینده و مدیر منصوب الهی، در کل پهنه زمین، مأموریت رسالت دارد، نه در بخش خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲. سوره یونس، آیه ۱۴ و ۷۳؛ سوره فاطر، آیه ۳۹.

۳. سوره بقره، آیه ۳۰.

۴. سوره ص، آیه ۲۶.

اسلام، این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾<sup>۱</sup>؛

بزرگوار [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾<sup>۲</sup>؛

بگو ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۳</sup>؛

و ما تو را جز [به سمت] بشارت‌گر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم.

این آیات بیان می‌کند که هدف اسلام همانند دیگر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کل جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین دلیل، این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت‌ها و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزی یگانه فرامی‌خواند؛ هم‌چنان‌که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و... نامه نوشتند و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کردند.

برای تبیین این اصل محوری، کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار و کلمه «الانسان» نزدیک به ۶۵ بار در قرآن تکرار شده که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می‌آید و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب‌ها بسیار روشن است، از جمله:

۱. سوره فرقان، آیه ۱.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳. سوره سبأ، آیه ۲۸.

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴾<sup>۱</sup>

بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم.

﴿ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ﴾<sup>۲</sup>

[خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

در این خطاب‌ها، هدایت الهی و آموزش‌های پیامبران برای همه انسان‌ها ضروری شمرده شده و فرقه‌ها و امتیازهای موهوم که امکان دارد یگانگی و یک‌پارچگی جامعه انسان را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. بدین‌گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی بوده که هیچ مرز و مانعی را در جهت اهداف بلند، جهان‌شمول و جهان‌وطنانه خویش نمی‌شناسد.<sup>۳</sup> قرآن، به صراحت بر مسئله جهانی‌سازی تأکید کرده و آن را مسئولیت خطیر جامعه اسلامی به شمار آورده و از انسان‌ها می‌خواهد با تمام توان خود در ساخت‌وساز ملت‌ها و اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند:

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾<sup>۴</sup>

و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴾<sup>۵</sup>

۱. سوره حج، آیه ۴۹.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳. نک: «جهانی‌سازی اسلامی، جهانی‌سازی غربی»، ص ۱۰۸ - ۱۱۲.

۴. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۵. سوره فتح، آیه ۲۸.

اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیینی درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند.

در این آیه، به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی آن را بر دیگر فرهنگ‌ها در جهت جهانی‌سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای همه عالمیان، مبرهن سازد. از دید آیات الهی، برکات الهی در چنین حیات مؤمنانه‌ای جهان را فراخواهد گرفت:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup>  
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

هرگاه ایمان و تقوا (التزام به تعهدات انسانی) در جامعه گسترش یابد و انسان‌ها حریم خود و خدا را حفظ کنند، برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت و اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت رهنمون شوند، آن‌گاه زمام جهانی‌سازی بشردوستانه را به دست می‌گیرند و مسئولیت خویش را در برابر خدا و خلق به نیکوترین گونه به جا خواهند آورد.<sup>۲</sup> آن‌گاه فرهنگ اسلامی جهانی خواهد شد و گسترش آگاهی و دانایی و عدل جهان را در بر خواهد گرفت و تمام نظام‌های سلطه و استثمار جهانی فرو خواهد ریخت.

کتابخانه موعود

## جهانی‌سازی مهدوی و شاخصه‌های آن

چنان‌که گذشت، اسلام دینی با اصول و آرمان‌های جهانی به شمار می‌رود که از همان ابتدای ظهور خویش به دنبال ایجاد حیات طیبه در سطح عالم و برای تمام

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. نک: «جهانی‌شدن، زمینه جهانی‌سازی یا در انتظار یوم موعود»، ص ۵۹.

انسان‌ها بوده است. براساس معتقدات اسلامی و شیعی، جهانی شدن اسلامی و حیات طیبه جهانی در آخرالزمان و در عصر و دولت مهدی موعود<sup>ع</sup> تحقق قطعی خواهد یافت و این جهانی شدن، با هیچ پروژه و یا طرح جهانی سازی فعلی، نه از حیث نظری و نه علمی و نه از حیث شمولیت و فراگیری و مقیاس‌های موجود، مقایسه‌شدنی نیست و نمی‌توان آن را اندازه‌گیری کرد. فقط شناخت مقدماتی آن از راه احادیث وارده امکان‌پذیر است. به همین دلیل، پاره‌ای از ویژگی‌های دولت کریمه حضرت مهدی<sup>ع</sup> و حکومت جهانی سرشار از حیات طیبه ایشان را نه از باب حصر بلکه از باب احصا و اشاره، برمی‌شماریم:

#### ۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری

در نظریه‌های جهانی شدن غربی که زیربنای بسیاری از آنها مکتب لیبرال – دموکراسی است، با اعتقاد به نسبییت اخلاقی و ارزشی اعمال، اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان از ادعاهای اصلی به شمار می‌آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در برابر دیانت و مذهب، خنثاست. از منظر آنها، حمایت و هواداری از یک مذهب، مداخله در آزادی‌های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید به شمار می‌رود. در حالی که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه جهانی سازی لیبرال – دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، اسلام بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، آیین مطلق و برتر و متعالی به جهانیان معرفی شده و انسان‌ها نیز پس از شناسایی، آن را می‌پذیرند.

روایاتی در تأیید این مطلب وجود دارد؛ از جمله:

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می‌کند که امام صادق<sup>ع</sup> در تفسیر آیه: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»،<sup>۱</sup> فرمود:

۱. «هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند مگر این‌که کلمه طیبه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

هم‌چنین ایشان ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

وقتی قائم ما قیام کند، ... اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر این‌که اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان، مشهور و معروف می‌گردند...<sup>۲</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

درباره این آیه از پدرم (امام باقر علیه السلام) پرسیدند: «با همه مشرکان مبارزه کنید، چنان‌که همگی به مبارزه شما برخاستند تا این‌که در زمین فتنه‌ای باقی نماند و دین و آیین از آن خدا باشد.» او فرمود: «تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده، چنان‌چه قائم قیام نماید کسانی که او را درک می‌کنند، چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و آله مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.»<sup>۳</sup>

هم‌چنین امام باقر علیه السلام فرموده است:

در زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند مگر این‌که آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند مگر این‌که دچار حریق گشته و می‌سوزد.<sup>۴</sup>

در جای دیگر، امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ به سؤال‌های مفضل و مطابق دانستن

۱. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمدولی ارومیه‌ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)  
 ۲. همان، ص ۲۲۴.  
 ۳. عصر ظهور، ص ۳۵۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶)  
 ۴. همان، ص ۳۶۱. (به نقل از: کمال الدین، ص ۳۳۱)

آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی عجله به وی می فرماید:

...به خدا سوگند یاد می کنم ای مفضل، هرآینه اختلاف ملت ها و دین ها از میان برداشته می شود و همه دین برای خدا و یکی می گردد، چنان که خدای تعالی فرموده: **﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾**<sup>۱</sup> (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و نیز فرموده: **﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾**<sup>۲</sup> (و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیان کاران است).<sup>۳</sup>

## ۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی

همگان آگاهند که عدالت، ویژگی اصلی حکومت جهانی مهدوی است. بیشتر احادیث درباره عصر ظهور، به این ویژگی، نیاز و گم شده اساسی بشری اشاره کرده اند. به همین دلیل، فقط به ذکر احادیث معدودی در این باره بسنده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

... اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود...<sup>۴</sup>

حکومت جهان شمول مهدوی، در عدالت گستری نیز به گونه ای فراگیر و بدون تبعیض عمل می کند؛ هم چنان که امام حسین علیه السلام در کلام مهمی می فرماید:

... إذا قام القائم العدل وسع عدله البرّ و الفاجر؛<sup>۵</sup>

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۳. مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۰۴ - ۳۰۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴، روایت ۳۵.

۵. همان، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

هنگامی که اقامه‌کننده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را دربر می‌گیرد.

عدالت یاد شده نیز گستره حوزه‌های فردی و اجتماعی بشری را شامل می‌شود. بر این مدعا نیز بیان امام باقر علیه السلام گواه است که می‌فرماید:

بدانید همان‌طور که سرما و گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند، عدالت او [قائم] نیز به درون خانه‌هایشان راه خواهد یافت.<sup>۱</sup>

### ۳. برقراری امنیت و آرامش همه‌جانبه

بنابر روایت‌ها درباره حکومت جهان‌شمول حضرت مهدی علیه السلام ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت برمی‌بندد و امنیتی فراگیر در همه گیتی برقرار می‌شود؛ هم‌چنان‌که امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت‌هایی مانند عدالت می‌فرمایند:

اگر قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان‌که باید ببارد، می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل بندگان زدوده می‌شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و زینت‌هایش را بر روی سرش می‌گذارد، درنده‌ای او را نمی‌آزارد و نمی‌ترساند.<sup>۲</sup>

### ۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر

شکاف‌های اقتصادی، تبعیض‌های ناروا و فقر و فاقه برآمده از جهانی‌سازی غربی در نهضت جهانی‌سازی مهدوی، وجود ندارد و نه تنها این شکاف‌ها پرمی‌گردند، بلکه جامعه بشری به استغنای کامل می‌رسد؛ حتی فقیری برای دریافت صدقات

۱. ظهور نور (ترجمه کتاب الشموس المصیئة)، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴، روایت

(۵۲۹)

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.



و اعانات یافت نخواهد شد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگار خود نورانی و روشن می شود و خلائق از نور و روشنایی آفتاب مستغنی و بی نیاز باشند و تاریکی زایل می گردد و مردم در ایام سلطنت آن حضرت بسیار عمر می کنند... و زمین خزینه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلائق همه آنها را بر روی زمین می بینند و مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش به او عطا نماید تا این که صله رحم به جا بیاورد، یا این که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول کند، یافت نمی گردد و خلائق به سبب آنچه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی احتیاج هستند.<sup>۱</sup>

آن امام همام، این بی نیازی عمومی را چنین تشریح کرده است:

... و در میان خلائق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و آله حکم می کند. در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی کند؛ زیرا همه مؤمنان غنی و مالدار هستند.<sup>۲</sup>

توسعه گسترده اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول مهدوی در روایات نبوی نیز آشکار است. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

یکون فی أمتی المهدی... یتنعم أمتی فی زمانه نعیماً لم یتنعموا مثله قط، البرّ والفاجر، یرسل السماء علیهم مدراراً و لاتدخر الأرض شیئاً من نباتها؛<sup>۳</sup>  
در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند؛ همه چه نیکوکار و چه

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳)

۲. همان، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

بدکار از آن جمله‌اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد.

### ۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری

جهان امروز که در مسیر جهانی‌شدن گام برمی‌دارد، از حیث پیشرفت علوم و تکنولوژی، ترقی انکارناپذیری کرده، ولی نه‌تنها این پیشرفت موجب رفع آلام بشری و رساندن انسان‌ها به امنیت و آرامش، مساوات و عدالت نگشته، بلکه میلیاردها مجهول دیگر در مسیر اکتشافات قرار دارد که بشر از حل آنها عاجز است و جهانی‌سازی غربی نیز نتوانسته به رفع این عجز و ناتوانی کمک کند. در حالی‌که دانش بشری در عصر حکومت جهانی مهدوی به دست‌آوردهایی مافوق تصور می‌رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه‌ای از پیشرفت‌های علمی آن عصر چنین یاد می‌فرماید:

دانش ۲۷ حرف است. همه علمی که پیامبران برای مردم آورده‌اند تنها دو حرف بیش نبوده و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را ابراز می‌کند و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد، آن‌گاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و همه ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می‌سازد.<sup>۱</sup>

روایات تبیین‌کننده وضعیت عصر ظهور، بیان‌گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می‌رسد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می‌رود.<sup>۲</sup>

در دولت جهانی مهدوی، حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده و کارگشا در خانه‌ها گسترش می‌یابد و حلقه‌های درس و بحث برای زن و

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت ۷۳.

۲. ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

مرد در سرتاسر جامعه بشری برقرار می شود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

... تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْئَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بَكْتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ رَسُولِهِ؛<sup>۱</sup>

... به مردم زمان قائم علیه السلام آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، عادلانه و آگاهانه داوری می کند (و به دیگری نیازی ندارد).

علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش بشری در عصر ظهور، این روایت بیان می کند که مردم آن روزگار، براساس آداب و مقررات دینی تربیت می شوند، احکام شریعت را می آموزند و بر پایه ای از فرهنگ و فرهیختگی سیر می کنند که حتی بانوان خانه دار براساس مقررات کتاب خدا و سیره عادلانه پیام آور بزرگ وی، می توانند قضاوت کنند.

## ۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی

هم چنین جهانی سازی عصر مهدوی بر استدلال و براهین عقلی مبتنی است. امام حسن علیه السلام درباره قائم علیه السلام می فرماید:

خداوند در آخرالزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم، مردی را برمی انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید می کند و یاران او را حفظ می نماید و با آیات و نشانه های خویش او را نصرت می دهد و بر کره زمین غالب می گرداند تا آن جا که مردم - پاره ای از روی میل و گروهی بی میل و با اکراه - به دین خدا می گروند. سپس زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می کند. تمام مردم جهان در برابر وی خاضع می شوند و هیچ کفاری باقی نمی ماند، مگر آن که مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی ماند، جز این که اصلاح گردد...<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۲۷۸ - ۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج،

این روایت به خوبی بر این مطلب تصریح دارد که برخی از مردم جاهل و گمراه در ابتدای حکومت حضرت، ممکن است با اکراه به حکومت وی تن دهند، ولی وقتی عدل‌گستری و برهان‌های شفاف و مستدل و نورانی وی را ملاحظه می‌کنند، در مقابل حکومت وی خاضع می‌شوند و با طوع و رغبت و رضایت‌مندی تمام به آن تن می‌دهند. بنابراین، نظام حکومت جهانی مهدوی را باید نظامی بر پایه مشروعیت کامل یعنی دارای مقبولیت، حقانیت و قانونیت دانست؛ مشروعیتی که مانند برخی از نظام‌های سیاسی به اصطلاح مدرن غربی امروزی با «دماگوزی» یا فریب افکار عمومی، با نظارت، دست‌کاری آرای عمومی و با نفوذ تبلیغات پر دامنه به دست نمی‌آید، بلکه محصول رضایت قلبی آحاد جامعه بشری و حتی دیگر موجودات عالم است.

#### ۷. گفتمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر

بر مبنای روایات، در جهانی‌سازی مهدوی، حضرت مهدی علیه السلام بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیرموحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات‌بخش آن با قاطعیت تکلیف می‌کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت همان‌طور که از نامشان نیز برمی‌آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید بر اقناع مبتنی باشد. روایات نیز دلالت می‌کنند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را می‌یابد و بر اساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجّه، استدلال و گفت‌وگو می‌کند و بر آن اساس بر آنها حکم می‌راند تا آن‌که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان‌شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

به خدا سوگند! یاد می‌کنم هرآینه گویا قائم را می‌بینم، در حالی که پشت به حجرالاسود داده، بعد از آن حق خویش را [یعنی خلافت را] از خداوند

عالم می‌طلبد. بعد از آن می‌گوید: «ایها الناس! هرکه در خصوص خدا با من محاجّه و گفت‌وگو نماید، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به خدا؛ ایها الناس! هرکه در خصوص آدم علیه السلام با من گفت‌وگو و محاجّه نماید، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به آدم علیه السلام؛ ایها الناس! هرکه در خصوص نوح علیه السلام با من گفت‌وگو نماید، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به نوح علیه السلام؛ ایها الناس! هرکه در خصوص ابراهیم علیه السلام با من محاجّه و گفت‌وگو کند، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به ابراهیم علیه السلام؛ ایها الناس! هر که در خصوص موسی علیه السلام با من محاجه و گفت‌وگو نماید، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به موسی علیه السلام؛ ایها الناس! هرکه در خصوص عیسی علیه السلام با من گفت‌وگو و محاجه کند، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به عیسی علیه السلام؛ ایها الناس! هرکه با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفت‌وگو و محاجه کند، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ و ایها الناس! هرکه با من در خصوص کتاب خدا گفت‌وگو نماید، هرآینه من نزدیک‌ترین خلایقم به کتاب خدا.» بعد از این سخنان به مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز در آن جا می‌گزارد، بعد از آن حق خود را [یعنی خلافت را] از خدای تعالی می‌طلبد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر علیه السلام با دیگر ادیان را چنین بازگو می‌فرماید:

چون قائم اهل بیت قیام می‌کند، اموال را بالسویه قسمت می‌نماید و در خصوص رعیت با عدالت حکم می‌کند؛ پس هر که او را اطاعت نماید، هرآینه خدا را اطاعت کرده و هرکه با او مخالفت کند، هرآینه با خدا عصیان و مخالفت نموده و نامیدن او به مهدی از این بابت است که خدا او را به امورات مخفیة راه می‌نماید و تورات و سایر کتاب‌های خدا را در انطاکیه از مغاره بیرون می‌آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.

با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌فرماید...<sup>۱</sup>

#### ۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه

در جهانی‌سازی حکومت مهدوی، کرامت انسان‌ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی‌ترین حدّ خود خواهد رسید. امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی، کرامت‌بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می‌فرمایند:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی‌ماند، جز این‌که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و بدهکاری نمی‌ماند، مگر این‌که دین او را می‌دهد و مظلومه‌ای نمی‌ماند، جز این‌که آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند، مگر این‌که دیه او را می‌دهد... و کشته‌ای نمی‌ماند، جز این‌که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می‌نماید تا آن‌جا که زمین را سرشار از عدل و داد می‌نماید، همان‌گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لبریز است...<sup>۲</sup>

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی می‌فرماید:

در آخرالزمان در میان امتم، آن نجات‌بخش ملت‌ها قیام می‌کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران سیراب می‌سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می‌رویاند؛ اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می‌کند و به دام‌داری و دام‌پروری اهمیت می‌دهد و امت را تکریم نموده و عظمت می‌بخشد.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱-۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ص ۲۲)

۳. همان، ص ۷۵۰-۷۵۱. (به نقل از: عقد‌الذکر، باب ۷، ص ۱۴۴)

رعایت کرامت انسان‌ها و حقوق بشردوستانه تنها به امام عصر علیه السلام ختم نمی‌شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می‌دهند. حضرت علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ هوادار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی‌ها باز دارند؛ جامه‌های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود؛ جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن‌چنان که آنها می‌خواهند باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن‌چنان که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن‌چنان که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و...<sup>۱</sup>

جهانی سازی حکومت مهدوی، در عین صلابت و بی‌هیچ‌گونه تبعیض، بر عطفوت، صفا و صمیمیت و مهرورزی و تکریم انسان‌ها مبتنی است؛ حکومتی که حتی خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کند و با چنین آرامش‌بخشی به عالم بشر، پناه و مأوای جامعه بشری می‌گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف این وضعیت می‌فرماید:

۱. جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳-۱۸۴. (به نقل از: روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۶۵ و ۴۶۶)

مردم به سوی او پناه می‌برند، هم‌چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می‌برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می‌گسترانند، چنان‌که از ستم پر شده بود، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها باز می‌گردد؛ هیچ خفته‌ای را [بی‌جهت] بیدار نمی‌کنند و هیچ خونی [به ناحق] ریخته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### ۹. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی

قومیت‌مداری و نژادگرایی در نهضت جهانی‌سازی مهدوی وجود ندارد و از منظرها و ملاک‌های تقوا و شایسته‌سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری به شکل جهانی اندیشیده و عمل می‌شود. گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام از کشورهای مختلف، بر مبنای تقوا، شایستگی و کاردانی، از نمونه‌های صدق این گفتار است. نویسنده عالی‌قدر کتاب *امام مهدی* علیه السلام *از ولادت تا ظهور* در تحقیق جالبی به نام، شهر و کشورهای یاران حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌کند و براساس جغرافیای امروز، قریب ۲۳ کشور<sup>۲</sup> را خاستگاه و محل سکونت این افراد معرفی می‌کند.<sup>۳</sup> این امر نشان می‌دهد که نهضت جهانی مهدوی، به قومیت و ملیت خاصی متکی نیست و ملاک حرکت و تکاپوی آن و گزینش کارگزارانش، ملاک‌های قرآنی و الهی است. همین ویژگی به همراه ویژگی‌های دیگر حکومت طیبه مهدوی، باعث می‌گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام‌های سیاسی گوناگون قرار گیرد و با اجرای کامل عدالت، شکاف‌ها و محرومیت‌های ناشی از استکبارورزی و زیاده‌خواهی ملل و دول زورمند از جهان رخت بربندد و استعدادها و توانمندی‌ها و استیفای

۱. *منتخب الأثر*، باب ۷، ص ۴۷۸، روایت دوم.

۲. برخی از این نواحی و کشورها عبارتند از: عراق، قاره افریقا، عربستان سعودی، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، یمن، بیت‌المقدس، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو واقع در شوروی سابق، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان و منطقه قفقاز.

۳. ص ۵۸۷-۶۰۰.



فراگیر تمام حقوق جوامع بشری - اعم از ضعیف یا قوی، محقق شود و به اصطلاح امروزی، جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه موزون مواجه گردد. روایات بسیاری بر نفی قومیت پرستی و نژادگرایی نهضت جهانی موعود اشاره می کند. نه تنها اعراب و قریش در این دولت جهانی، قوم و طبقه ممتاز شناخته نمی گردند، بلکه بسیاری از آنها بر حسب آزمایش ها و ابتلائات عصر مهدوی، مرتد می شوند و حضرت فوج فوج آنها را نابود می کند. حضرت مهدی علیه السلام نه تنها به دلیل مشابهت قومی با ایشان، ملاحظه آنها را نمی کند، بلکه بر حسب مبانی متقن الهی، ایشان را به علت کفر و نفاقشان گردن می زند و بر آنها بسیار سخت می گیرد.<sup>۱</sup>

#### ۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل

از برخی روایات، این گونه به نظر می رسد که ملل دیگر حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی وی در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم و در کنار تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ های ملی غیر متعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها نگاه می دارد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم قیام کند، قطایع و حکومت های طایفه ای از بین خواهند رفت.<sup>۲</sup>

با وجود این، امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید:

«حکومت در اختیار توست، هرچه مصلحت می بینی عمل کن.»<sup>۳</sup>

۱. نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۴۰ - ۲۴۲.

۲. ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۰۹)

۳. همان، ص ۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۲)

### ۱۱. نوسازی و احیای دین بر مبنای مقتضیات جدید

لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای تحولات تازه و پاسخ‌گویی به امور جدید، از ویژگی‌های فرابرد جهانی شدن است. پیش‌تر گذشت که اسلام و به‌ویژه تشیع، به پشتوانه ماهیت خود و بر مبنای سنت مترقی اجتهاد، این انعطاف‌پذیری را همیشه به همراه دارد. نظام جهانی‌سازی مهدوی نیز از این ویژگی ضروری غافل نیست و کاملاً بدان مجهز است و در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون قائم قیام می‌کند، امر تازه و احکامی تازه می‌آورد، هم‌چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اول اسلام همین‌گونه عمل نمود و خلائق را به امر جدید دعوت نمود...<sup>۱</sup> آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام می‌دهد. وی همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله امور جاهلیت را بر هم زد، امور قبل از خود را بر هم می‌زند و قائم، دین اسلام را تازه می‌کند.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می‌آورد و بر عرب سخت می‌گیرد.<sup>۳</sup>

ایشان در جایی دیگر، ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ابطال احکام جاهلیت می‌فرماید:

... هم‌چنین است قائم وقتی قیام می‌کند، باطل می‌گرداند احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلائق بوده و با عدالت در میان خلائق رفتار می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الارشاد، ص ۳۶۴)

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. ظهور نور، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲)

بدین گونه جهانی سازی مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید آن برحسب مقتضیات جدید معطوف خواهد بود. بدیهی است که چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف می انجامد و دیگر به بحث و فحص های طاقت فرسای علمی و حوزوی برای فهم و دریافت آرای واقعی شارع مقدس نیازی نیست و اکثر شیوه های درسی و اجتهادی و استنباطی، کهنه و بی استفاده خواهند شد. عالم عالی قدر، آیت الله قزوینی در اثر خویش این مطلب را در تحلیلی جامع این گونه بیان فرموده اند:

خدا می داند که این تحول مطلوب و مترقی چگونه خواهد بود، اما به نظر می رسد بسیاری از کتاب های فقه و حدیث، نوسازی گردد و نقش بسیاری از موضوعات کتاب های اصولی به پایان برسد؛ چرا که امام مهدی علیه السلام قواعد عمومی برای دریافت مسائل شرعی و مقررات دینی را بیان می کند و در پرتو همان ها، دانش مندان از بسیاری از بحث های اصولی و قواعد آن بی نیاز می گردند. کتاب های مربوط به شرح حال راویان احادیث که به کتاب های رجالی معروفند و نیز شرح حال و بیوگرافی آنان و تقسیم بندی روایات به صحیح و ضعیف و اصطلاحاتی از این گونه، همه و همه نقششان به پایان می رسد؛ چرا که این بحث ها بیشتر به حدس و ظن تکیه دارد و در عصر غیبت و به خاطر نرسیدن دست مردم به امام معصوم مورد استفاده قرار می گیرد. اما در عصر ظهور، مردم به مقررات و احکام قطعی دست می یابند و از اینها بی نیاز می گردند.

و نیز در عصر ظهور، بیشتر کتاب های تفسیری از اعتبار ساقط می شود؛ چرا که مردم با رشد فکری و ژرف نگری برخاسته از فرهنگ عصر ظهور، به تفسیرهای برخاسته از نظرات افراطی افراد، بهایی نمی دهند. از این رو، تنها تفاسیر برخاسته از روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت باقی می ماند.

همین‌گونه قرائت‌های مختلف از قرآن شریف که دلیلی برای آنها نازل نشده است، برداشته می‌شود؛ چرا که مردم، قرآن و قرائت صحیح آن را به گونه‌ای که بر قلب مصفای محمد ﷺ فرود آمده است، از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را آن‌گونه که خدا اراده فرموده است، می‌شناسند و بر معارف بلند و راز و رمز و شگفتی‌های آن که هم‌چنان ناشناخته و پوشیده است، آگاهی می‌یابند...<sup>۱</sup>

## ۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاهای ارتباطی و رسانه‌ای

فضاهای ارتباطی و رسانه‌ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که ساده‌ترین تعبیر از روایات، بحث استفاده از رسانه‌هایی مانند اینترنت و تلویزیون و ارتباط مردم با یک‌دیگر از این طرق را به ذهن متبادر می‌کند. گویا این روایات، بر پیشرفت‌های وسیعی در این زمینه دلالت دارند و می‌توان این دوره را از حیث وصف وضعیت رسانه‌ها و ارتباطات، به دوره‌ای بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه‌ها تشبیه کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ فِي الْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛<sup>۲</sup>

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق است، برادر خویش را در مغرب می‌بیند و همان‌گونه آن‌که در مغرب است، برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند.

در جای دیگر فرموده‌اند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>۱</sup>

۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۵-۷۳۶.

۲. همان، ص ۷۷۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۶)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۹۸.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد.

فهم روایت اول با وجود پیشرفت‌های امروزی در عرصه فن‌آوری ارتباطات همانند تلویزیون و اینترنت، دشوار و پیچیده نیست. اما با توجه به روایت دوم، به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاها و ارتباطات، تنها تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، برخوردار از کمالات اعطایی الهی می‌شوند و گوش و چشم‌های آنان دارای قدرت فرابینی و فراشنوایی و فرامکانی می‌گردد و همان‌طور که می‌توانند در هر لحظه با یکدیگر ملاقات سمعی و بصری کنند، به طریق اولی با حضرت مهدی علیه السلام نیز ارتباط خواهند داشت و از فیض مطلق وجود او در ورای مکان‌ها و زمان‌ها استفاده خواهند کرد. در عصر حضور که هر چیز به کمال نهایی خود می‌رسد، تجهیز انسان‌های مؤمن به چنین مواهب الهی، دور از ذهن نیست. به همین دلیل، می‌توان تصور کرد که با این پیشرفت‌ها در خلقت انسان‌های برگزیده، کشف دیگر کرات در فضاها و لایتهای میلیاردها اسرار نهفته در کائنات برای بشر عصر ظهور نه تنها ممکن، بلکه در متتهای حد، با رهبری زعیم موعود، صورت خواهد گرفت و اسرار بی‌شمار کائنات برایشان کشف خواهد گردید.

### ۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان‌داران

جهانی سازی مهدوی همانند جهانی سازی غربی، تأثیرات و تبعات تخریبی برای محیط زیست و ساکنان موجود در آن ندارد؛ در حالی که امروزه جهان با

۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۳ (به نقل از: اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

مشکلات زیست‌محیطی عظیمی همانند سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین بر اثر گازهای گل‌خانه‌ای، نابودی جنگل‌ها، روند رو به انقراض پاره‌ای از موجودات، آلودگی‌های صنعتی و شیمیایی محیط زیست و... مواجه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خشنودی تمام موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را با عبارت زیبای «یرضی عنه ساکن الأرض والسماء»<sup>۱</sup> بیان فرموده‌اند و در جای دیگر، حکومت ایشان را مایه رفاه و فرح و شادمانی تمام موجودات به شمار آورده، می‌فرمایند:

فیفرح به أهل السماء و أهل الأرض والطيور والوحوش والحيتان فی البحر؛<sup>۲</sup>  
ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح‌ناک هستند.

بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان‌داران و حفظ حقوق محیط زیست آنها در دولت جهان‌شمول مهدی موعود، محقق و میسر نیست. هم‌چنین در روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده که «در دولت حضرت مهدی، درندگان آزادانه [و بدون مزاحمت] زندگی می‌کنند.»<sup>۳</sup> این امر بیان‌گر اوج صلح و آرامشی است که دولت جهان‌شمول مهدوی برای بشر به ارمغان خواهد آورد؛ دولتی که عالم را به سمتی سوق خواهد داد که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند، حق و باطل از هم جدا شوند و بر اساس پاره‌ای استنباط‌ها، دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود و باری تعالی، با کمترین مداخله هوای نفس و بدون وسوسه شیطان، به طور خالص عبادت گردد. مردگان نیز با اشک شوق، خواهان رجعت به دنیا و احیای خویش از خداوند

۱. نک: ظهور نور، ص ۲۰۷. (به نقل از: التشریف بالمنن، ص ۱۴۶، روایت ۱۷۵)

۲. منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت ۳.

۳. نک: حکومت جهانی مهدی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱)

می‌گردند تا افتخار و آرزوی زندگی در این دوره نیز برای آنها نیز محقق شود و موعود الهی را یاری رسانند.

### نتیجه

در این نوشتار، مفهوم جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی و برداشت‌های مختلف از آن تبیین گردید. جهانی‌سازی غربی یا امریکایی، از اصلی‌ترین آموزه‌های این پدیده در این زمان است. سپس با تشریح پی‌آمدهای کلیت راه‌برد مورد نظر، ضمن نفی نکردن پی‌آمدهای مثبت آن، تبعات منفی و ویران‌گر جهانی‌سازی غربی نیز بیان شد. در بطن این آموزه، چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، سلطه‌گری، هژمونی‌طلبی، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم نهفته است. این‌گونه جهانی‌سازی به دلیل ماهیت تعرضی و استکباری و انحصارطلبانه خویش، فرایندی مادی، یک‌سویه، مصنوعی، و غیر جهان‌شمول و سکولار به شمار می‌آید که هدفی جز یک‌پارچه‌سازی جهانی و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه‌داری و سردمداری امریکا را دنبال نمی‌کند؛ بازار سودگرایانه و سودمحورانه مادی که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت‌طلبی و استکبارورزی و سلطه‌بی‌چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر آنها علیه دیگر کشورها و فرهنگ‌ها داد و ستد می‌کند و مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی سرمایه‌سالارانه و میلیتاریستی است. می‌توان آن را پروژه‌ای تحمیلی و یک طرح مهندسی - اجتماعی در سطح کلان سیستمی دانست؛ پروژه‌ای که می‌کوشد ایدئولوژی‌های غربی را با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری به کل جامعه بشری تحمیل کند و از این طریق در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان‌ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سود و سرمایه است. هم‌چنین نابودی سنن و فرهنگ‌های محلی و نابودی ادیان رقیب، نابودی محیط زیست، و وابستگی مستمر کشورهای

ضعیف به کشورهای غربی را دنبال می‌کند و به دروغ سعی دارد نظام فکری و اجرایی لیبرال - دموکراسی را الگوی تکاملی مشترک برای کل جوامع انسانی معرفی و دیکته کند؛ در حالی که در عمل، ناکارآمدی این ایده، چه در سپهر اندیشه و چه در حوزه عمل و اجرا، ثابت شده و بحران‌های فعلی گریبان‌گیر رژیم‌های غربی مؤید اثبات این مدعاست.

برای اثبات مدعای این نوشتار، به جهان‌شمولی تعالیم عالیه اسلام و سزاواری آموزه جهانی‌سازی مهدوی برای ارائه الگویی جهان‌شمول، فراگیر، امیدزا و تحرک‌آفرین برای تکامل جامعه بشری و نجات آن از ورطه‌ها، حرمان‌ها و تنگناهای موجود، به گونه‌ای مستدل اشاره گردید. بنابر استدلال‌های پژوهش، آموزه جهانی‌سازی مهدوی می‌تواند ترجمان بخش مثبت فرایند جهانی‌شدن فعلی باشد، یعنی با استفاده از عرصه‌های مختلف فن‌آوری و دیگر مواهب خداداد در عصر ظهور، همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکم‌فرما سازد و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر ایجاد کند. دولت جهانی مهدوی، با زعامت آخرین معصوم الهی، می‌تواند خاتمیت دین و رسالت جهان‌شمول نبوی را تکمیل سازد و معنا بخشد تا مردم دنیا همانند یک اندام و با تبعیت از تعالیم عالیه و نوسازی شده اسلامی، در فکر صلاح و اصلاح یک‌دیگر برآیند و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مخل تکامل بشری و پلشتی‌های گیتی و زیست بوم خود مبارزه کنند و با رخت بر بستن هوا و هوس‌های شیطانی، به عبودیت و خلوص در پرستش الهی دست یابند. بدیهی است که این امر، تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تشخیص ویژه آن به شاخصه‌هایی از جمله موارد ذیل فراهم می‌گردد:

۱. حاکمیت جهان‌شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری؛



۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی؛
  ۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه؛
  ۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر؛
  ۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری؛
  ۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی؛
  ۷. گفت‌وگو و احتجاج با دیگر ادیان؛
  ۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه؛
  ۹. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی؛
  ۱۰. حکومت شبه‌فدرالی و احترام به دیگر ملل؛
  ۱۱. نوسازی و احیای دینی بر مبنای مقتضیات جدید؛
  ۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاها و ارتباطی و رسانه‌ای؛
  ۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان‌داران.
- واضح است دولت جهانی مهدوی با این ویژگی‌های آرمانی، خواهد توانست طرح آرمانی جهانی سازی دولت کریمه اهل بیت و حیات طیبه موعود قرآن را در فراخنای گیتی محقق سازد.

ص ۱۳۰ سفید

### آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست

موضوع محیط زیست<sup>۱</sup> و ضرورت صیانت و حمایت از آن در تمام ادوار تاریخ بشر، اهمیت ویژه‌ای داشته است، تا جایی که این امر، انسان‌ها را واداشته که در چند دهه اخیر، با وضع مقررات و قواعد ویژه‌ای، حقوق خاصی را تحت عنوان حقوق محیط زیست تدوین کنند. با وجود این، هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات ویران‌گر حیات صنعتی، ماشینی و مصرفی خود را بر محیط زیست نظارت کند و جهان همواره با روند تخریب و آلودگی روزافزون آن روبه‌روست. این فصل، نظر به ضرورت طرح مباحث نو و گشودن زوایای جدید در حوزه

---

1. Environment.

مهدویت، نوع نگرش به محیط زیست و جایگاه آن را در حیات طیبه مهدوی بررسی نموده و اثبات می‌کند که حقوق محیط زیست و هم‌چنین حقوق جان‌داران و گیاهان در عصر ظهور به کامل‌ترین شکل رعایت می‌شود و همه موجودات و حتی محیط زیست آنها به عالی‌ترین حد تحقق قابلیت‌های بالقوه خویش، خواهند رسید.

### الف) نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز

محیط زیست، از اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر و جهان مدرن در چند دهه گذشته تاکنون بوده است. بر همین مبنا، ایجاد و تحول حقوق و تکالیف آن، چه داخلی و چه بین‌المللی، از مسائل بسیار مهمی به شمار می‌آید که بسیاری از صاحب‌نظران، دولت‌مردان، و شماری از سازمان‌های جهانی و معاهدات بین‌المللی را به خود معطوف و مشغول کرده است.

البته اصطلاح محیط زیست دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان‌ها نو و تازه به شمار می‌آید و پیشینه آن، در زبان فرانسه به قرن دوازدهم برمی‌گردد؛ هرچند این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی کاربرد پیوسته پیدا کرده است.

تمدن‌ها و فرهنگ‌های پیشین به محیط زیست احترام گذاشته‌اند. برای نمونه، ایرانیان میترا یا خورشید را می‌پرستیدند، هندیان و مصریان رودخانه‌های گنگ و نیل را مقدس می‌داشتند و بابلیان ستارگان را می‌پرستیدند. کتاب‌هایی هم‌چون ریگ ودا (کتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابی نیز به خصوص حفظ منابع طبیعی و پرهیز از آلودگی محیط زیست پرداخته‌اند. اقوام دیگر چون فنیقی‌ها، لیدی‌ها، هیتی‌ها، مایا و اینکا نیز به تقدیس پدیده‌های طبیعی پرداخته‌اند. آسیب‌های زیست‌محیطی، با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، به‌ویژه در جهان صنعتی غرب شکل بسیار ملموس‌تری یافت و پس از آن در قرن بیستم، خسارات زیست‌محیطی با قضایایی هم‌چون تریل اسمیلتر<sup>۱</sup> در ۱۹۴۱، کانال

1. Trial smelter.

کورفو<sup>۱</sup> در ۱۹۴۶، اختلاف دریاچه لانو<sup>۲</sup> در ۱۹۵۷، اختلاف سدگات<sup>۳</sup> در ۱۹۶۸، قضیه کاسموس<sup>۴</sup> ۱۹۴۵ در فضا در سال ۱۹۷۸، فاجعه کارخانه شیمیایی بوپال هند<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۴، فاجعه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ و آلودگی‌های ناشی از حریق عمدی چاه‌های نفت کویت توسط عراق در جنگ دوم خلیج فارس، شکل عینی‌تر و بحرانی‌تری یافت و نشان داد که بشر برای چیرگی بر این خطرها، نیازمند عزمی جهانی و برنامه‌ریزی دقیق، قاطع و فراگیر در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ در غیر این صورت، حیات بشری دچار نابودی و انهدام روزافزونی خواهد شد.

امروزه تهدیدهای زیست‌محیطی، دامنه وسیعی را دربرمی‌گیرد؛ آب و هوا، میزان حرارت و گرم شدن دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه‌های مختلف و به‌ویژه گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن، آثار فعالیت‌های صنعتی ناشی از اعمال انسان، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها، باران‌های اسیدی، آلودگی‌های صوتی، نظامی، هسته‌ای و مانند آن. از سویی، برخی از این ضایعات زیست‌محیطی، خود نیز منشأ ضایعات گسترده‌تری شده‌اند؛ برای نمونه، کارشناسان معتقدند که قطع درختان جنگلی به صورت انبوه و انتشار ممتد ضایعات صنعتی در فضا، باعث تغییرات بسیار منفی در وضعیت آب و هوای جهانی و بالا آمدن سطح آب دریاها و به تبع آن، زیر آب رفتن دشت‌های ساحلی و گسترش امواج گرمازا گردیده؛ هم‌چنان که سوخت‌های فسیلی و استفاده نامتناسب و گسترده از آنها، باعث افزایش دی‌اکسیدکربن زمین

---

1. Corfu channel case.

2. Lake lanoux Arbitration .

3. Gut dam Arbitration.

4. Soviet satellite cosmos 945 case.

۵. در این سال، نشت گاز متیل ایزو سایانیت از کارخانه‌ای اطراف یونین در بوپال هند، موجب مرگ دوهزار نفر و آسیب دیدن دویست هزار نفر گردید.

و ایجاد پدیده گازهای گل‌خانه‌ای شده است. وجود گازهای سمی منتشر شده از فعالیت‌های صنعتی انسانی، به اسیدی شدن باران‌ها می‌انجامد و آب‌های مصرفی و فضای حیاتی موجودات دریایی را مسموم می‌کند و سلامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازند.

امروزه موضوعات محیط زیستی را از جهت روابط بین‌الملل پدیده‌های جدیدی نمی‌دانند، اما با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل محیط زیستی را از موضوعات حاشیه‌ای و جانبی، به دستور کار اصلی سیاسی‌شان منتقل کرده‌اند؛<sup>۱</sup> هم‌چنان‌که همین روش نیز در مورد عمل‌کرد سازمان‌های بین‌المللی و جهانی در نحوه برخورد پیش‌گیرانه از آلودگی محیط زیست مشاهده می‌شود و تصویب و عقد ده‌ها معاهده و کنوانسیون زیست‌محیطی، بیان‌کننده چنین اهمیت روزافزونی است.

اصطلاح محیط زیست به یک منطقه یا تمام سیاره و حتی به فضای خارجی‌ای اطلاق می‌شود که آن را احاطه نموده است. یونسکو برای محیط زیست، از اصطلاح «بیوسفر»<sup>۲</sup> یا لایه حیاتی نام برده که از تعاریف دامنه‌دار در این باره بوده و عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه حیات در آن استمرار دارد. در حقیقت، بیوسفر یا لایه حیاتی، همان لایه و قشر نازکی به شمار می‌رود که این کره خاکی را در میان گرفته و شامل زمین و هزار متر بالا و عمق زمین و اقیانوس‌هاست.

آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار در حیات هر موجود زنده نیز محیط زیست به شمار می‌روند. هم‌چنین از نظر برخی از کنوانسیون‌های محیط زیستی، محیط مذکور این بخش‌ها را شامل می‌شود:

۱. منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و تجدید ناپذیر، مانند هوا، آب، خاک و

۱. نک: حقوق بین‌الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد (ترجمه)، ص ۳۱.

2. Biosphere.

تمام جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل در یکدیگر؛  
 ۲. اموال و دارایی‌هایی که جزو میراث فرهنگی هستند؛  
 ۳. مناظر و چشم اندازهای ویژه.

از این‌رو، محیط زیست ساخت دست بشر، شامل بناها، آثار تاریخی، ساختمان‌های گوناگون و یا مناظر و چشم‌اندازهای ویژه که بخشی از محیط زیست به شمار می‌آیند، باید در برابر خرابی حراست شوند؛<sup>۱</sup> همان‌طور که منابع طبیعی کره زمین از جمله هوا، آب، زمین، گیاهان، حیوانات و به‌ویژه نمونه‌های معرف اکوسیستم‌های طبیعی باید به نفع نسل‌های حاضر و آینده، برحسب نیاز با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق محافظت گردند و با منطقی کردن مدیریت تولید و مدیریت منابع، تعارض موجود میان توسعه و محیط زیست حل شود، اما مع‌الأسف انسان عصر فراصنعتی و دوره «بیوتکنوالکترونیک»، نتوانسته بر معضل نابودی و تخریب محیط زیست خویش فائق آید و هر روز با بیشتر نابود کردن جنگل‌ها، افزایش بیابان‌ها، آلودگی هوا، آب و خاک، محیط زیست و انقراض گونه‌هایی از حیات جانوری و گیاهی بیش از پیش روبه‌روست و این فرایند در مداری بسته و قهقراپی، همواره تکرار می‌شود و باز هم سرعت تخریب محیط زیست از سرعت ترمیم آن روزافزون‌تر است.

#### (ب) حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان

در بحث آموزه مهدویت، همواره نظر کردن به سیره عموم معصومان راه‌گشا و ضروری است؛ زیرا حاکمیت و امامت حضرت مهدی علیه السلام نقطه پایانی و تکمیل رسالت نبوی و امامت دیگر معصومان علیهم السلام خواهد بود. بدیهی است که این سیره، آموزه مهدویت را شرح و تبیین می‌کند؛ همان‌طور که این آموزه نیز مکمل و مبین سیره مورد نظر است. بدین لحاظ در این جا جایگاه حقوق موجودات اعم از

۱. نک: حقوق محیط زیست، ص ۷.

جانوری و گیاهی و محیط زیست آنها به اجمال بررسی می‌شود تا مدخلی مقدماتی برای تبیین بحث مذکور در آموزه مهدویت باشد.

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به موضوع محیط زیست بسیار اهمیت داده‌اند. برای نمونه، احادیث فراوانی از ایشان در مورد اهمیت درخت و درخت‌کاری و آبادانی محیط زیست نقل شده است؛ از جمله فرموده‌اند:

چه نیکو مالی است نخل که در گِل محکم است؛  
اگر رستاخیز برپا شد و نهالی در دست یکی از شما بود، اگر می‌تواند آن را بکارد باید بکارد؛  
هرکه درختی بنشاند، خدا به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود، پاداش برای وی ثبت می‌کند؛  
هرکه درختی بکارد، هر بار که انسانی یا یکی از مخلوقات خدا (به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود) از آن بخورد، برای او صدقه محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث ارزش‌مند دیگری، کاشت درخت، جاری کردن نهر و حفر چاه را سه مورد از صدقات جاریه، هم‌پای اثر «فرزند صالح» و «ساخت مسجد» به شمار آورده که پاداش آن نیز برای فاعل آن تا ابد، دوام می‌یابد:

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری به جریان آورد، یا چاهی حفر کند، یا نخلی بکارد، یا مسجدی بسازد، یا مصحفی به ارث گذارد، یا فرزندی بر جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد.<sup>۲</sup>

توصیه‌های پیامبرگرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد حفظ حقوق حیوانات و برخورد ملاطفت‌آمیز با آنها فراوان است. ایشان علاوه بر نهی شدید از اذیت و کشتن

۱. برای مشاهده احادیث نک: *نهج‌الفصاحه*، ص ۲۶۸.

۲. نک: همان.



نابه جای حیوانات، بر رسیدگی کامل به آنها تأکید می‌ورزند؛ از جمله فرموده‌اند:

هر حیوان، پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش  
مخاصمه کند؛  
هرکه گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن گنجشک بیاید و نزد عرش  
فریاد زند و گوید: پروردگارا! از این پپرس برای چه مرا بی‌فایده کشت؛  
هرکه گنجشکی را به ناحق بکشد، خدا روز قیامت از وی بازخواست کند؛  
زنی به جهنم رفت؛ برای آن‌که گربه‌ای را بسته بود و چیزی بدو نخوراند و  
نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد.<sup>۱</sup>

آن حضرت بر ساخت و ساز و عمران محیط زیست تأکید فراوانی داشته است؛  
هم‌چنان‌که ایشان افراد را از زندگی در خانه‌های ویران برحذر می‌داشتند و دعای  
چنین کسی را همانند فردی که در حفظ حیوان تحت مالکیت خویش اهمال  
می‌ورزد، اجابت‌ناشدنی می‌دانستند:

سه کسند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد  
و مردی که کنار راه اقامت‌گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و  
سپس دعا کند که خدا آن را نگه دارد.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ خرج کردن برای اسب را هم‌چون نفقه ضروری می‌داند و ضمن  
همانند دانستن آن با صدقه، امساک کردن در این باره را نهی می‌فرماید و سفارش  
می‌کند که پیشانی این حیوان را نوازش کنند تا برکت بیفزاید.<sup>۳</sup> تأکید حضرت، با  
توجه به کاربرد گسترده حیواناتی مانند اسب در امور نظامی و حمل و نقل،  
صورتی نمادین دارد. در واقع، این توجه بر حفظ حقوق دیگر حیوانات نیز ناظر  
است؛ هم‌چنان‌که مردم را به تکریم گاو، مهتر چهارپایان توصیه می‌فرماید.<sup>۴</sup>

۱. نک: همان، ص ۲۱۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۵. (باب الفرس - الخیل)

۴. «أكرموا البقر فإنه سيد البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۱۳، باب ۷، ص ۲۰۸، روایت سوم)

هم‌چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از شلاق زدن، به خصوص به صورت چهارپایان و کشتن زنبور عسل و داغ نهادن بر صورت بهائم نهی فرموده است.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری نهی از شلاق زدن به صورت حیوانات را بدین علت دانسته‌اند که حیوانات با صورت خود خداوند را تسبیح می‌کنند.<sup>۲</sup> نیز امام حسین علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

برای هر چیزی حرمتی نهاده‌اند و حرمت چهارپایان در صورت آنها نهفته است.<sup>۳</sup>

در روایات اسلامی انسان‌های بی‌عقل، در ردیف چهارپایان به شمار آمده‌اند<sup>۴</sup> و یا حتی انسانی که شهوتش را بر عقلش حاکم می‌کند، بدتر از چهارپایان به حساب آمده است.<sup>۵</sup> از این رو، حیوانات به دلیل فقدان عقل در مرتبه پایین‌تر از انسان‌ها قرار داده شده‌اند، ولی این مسئله دلیلی بر تجویز مراعات نکردن حقوق آنها نیست. در برخی روایات، جانوران به چهار دسته تقسیم شده‌اند: اول، انسان‌ها که کامل‌ترین موجودات هستند، سپس چهارپایانند که گاو مهتر آنها به شمار می‌آید، سوم، دسته پرندگان هستند که مهتر آنها عقاب است و چهارم، حیوانات وحشی هستند که شیر مهتر آنهاست. در این روایت، امام علی علیه السلام تصریح فرموده‌اند که گاو، عقاب و شیر برای صنف‌های زیرمجموعه خویش، از خداوند با تضرع درخواست رزق و شفاعت می‌کنند.<sup>۶</sup> پس همه حیوانات اهل تسبیح خداوند هستند و به شیوه خویش خداوند را عبادت می‌کنند. با توجه به

۱. «قال نهی رسول الله عن ضرب وجوه البهائم و نهی عن قتل النحل و نهی عن الوسم فی وجوه البهائم.» (همان، ج ۶۴، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸)
۲. نک: همان، ج ۶۴، باب ۹، ص ۲۸۸، روایت ۲۵.
۳. نک: همان، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸.
۴. «فأما من غُدم العقل فإنه يلحق بمنزلة البهائم.» (همان، ج ۶۱، باب ۴۷، ص ۳۲۳، روایت سی‌ام)
۵. «من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم.» (همان، ج ۶۰، باب ۳۹، ص ۲۹۹، روایت پنجم)
۶. نک: همان، ج ۵۸، باب ۴، ص ۱۱، روایت پنجم.

این نوع نگرش دین اسلام به حیوانات و حتی گیاهان، علت توصیه این دین حنیف به رفتار محبت آمیز و محترمانه و مودت آمیز بیشتر مشخص می شود. در سیره امام علی علیه السلام نیز بر حمایت از حقوق محیط زیست و رعایت حقوق حیوانات تأکید فراوان شده است. دستور حضرت علی علیه السلام برای جمع آوری مالیات (درباره رعایت کردن حیواناتی که از آنها برای جمع آوری مالیات استفاده می شود)، از بهترین منشورهای اسلامی در زمینه رعایت حقوق حیوانات به شمار می رود. این بخش از نامه که در واقع در سال ۳۶ هجری برای کارگزاران نگارش یافته، نحوه گردآوری و نوع برخورد و نگهداری این حیوانات را برای تحویل به بیت المال مسلمانان شرح می دهد و عمل به این دستور را مایه هدایت و بزرگی پاداش الهی به شمار می آورد:

در رساندن حیوانات، آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سخت گیر باشد و نه ستم کار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسپار. سپس آنچه از بیت المال جمع آوری شد، برای ما بفرست تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد تا به بچه اش زیان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده هایی که دو طرف آن علفزار است، به جاده بی علف نکشاند و هر چندگاه، شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند تا آن گاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و کوفته باشند تا آنها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقسیم نماییم. عمل به دستورهای یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد بود.<sup>۱</sup>

۱. نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد دشتی، نامه ۲۵، ص ۳۶۷-۳۶۸، بند ۲.

### ج) حقوق زیست‌محیطی در عصر مهدوی

با تأملی کوتاه در روایات ویژه عصر ظهور، به خوبی فهمیده می‌شود که فضای زیست و موجودات ساکن در قلمرو آن، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخوردار می‌گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید. موارد زیر، برخی از ویژگی‌های محیط زیست در عصر ظهور درباره رعایت کامل حقوق مورد نظر آن است. البته یادآوری آنها از باب حصر نیست و تنها اشاره‌ای اجمالی است:

#### ۱. تطهیر و نورانیت زمین

زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور الهی منور و تابان می‌گردد. کلمات جور و ظلم با کلماتی مانند طغیان، میل و انحراف، مترادف معنایی دارند. بدیهی است که هرگونه آلودگی، زیرمجموعه معنایی جور و ظلم قرار می‌گیرد؛ زیرا هرگونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است؛ هم‌چنان که ظلم، به هرگونه تجاوز از حق، اعم از تجاوز کم و زیاد اطلاق می‌شود. هم‌چنین ظلم در لغت به معنای تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می‌آید و به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب»<sup>۱</sup> نیز آمده است. ابن‌فارس می‌گوید:

ظلم به دو معنا گفته می‌شود: نخست به مفهوم مخالف نور و روشنایی و دوم قرار دادن چیزی در جایگاهی که شایسته آن نیست.<sup>۲</sup>

حکومت ظلم‌ستیز و عدالت‌محور مهدوی بر طبق این تعاریف، بر مبنای آرمانی تطهیر محیط زیست از هرگونه آلودگی و انحراف است و از طهارت و

۱. نک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۷۳؛ هم‌چنین نک: معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۶.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۶۸.

حیات طیبه آن محافظت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

يَطْهَرُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ نُورَ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ؛<sup>۱</sup>

خداوند به واسطه او، زمین را از هر گونه جور و ظلم تطهیر و منزه می‌کند... پس هنگامی که وی (حضرت مهدی علیه السلام) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی گشته، ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می‌گردد. پس از آن، دیگر هیچ کس ظلم نمی‌کند و او کسی است که زمین برایش درنوردیده می‌شود.

## ۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست

روایات بی‌شماری در تبیین عصر مهدوی، از نهایت رضایت تمامی ساکنان و موجودات در زمین و آسمان از حکومت مهدی موعود علیه السلام حکایت می‌کند. پر واضح است که این رضایت و سرور همگانی نمی‌تواند بدون تأمین حقوق محیط زیست و ساکنان آن باشد. در روایات متعددی به خصوص از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این معنا چنین ذکر شده است:

...يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛<sup>۲</sup>

زمین از عدل پر می‌شود همان‌طور که قبلاً از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، از این حکومت راضی و خوش حال هستند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲. نک: همان، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم؛ همان، ج ۵۱، ص ۷۸، روایت ۳۷؛ همان، باب ۱،

ص ۸۰، روایت ۳۷ و همان، ص ۹۵، روایت ۳۸.

امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند:

از قیام وی اهل آسمان و ساکنان زمین فرح‌ناک می‌شوند. او زمین را پر از عدل می‌کند، چنان‌که پر از ظلم و ستم باشد.<sup>۱</sup>

### ۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

محصول عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق محیط زیست و ساکنان آن، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نیست. همان‌طور که برحسب روایات، کینه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشری رخت برمی‌بندد، از عالم حیوانی و جانوری نیز این کینه‌ها و عوامل نزاع، ناپدید خواهد شد و حتی حیواناتی که به کینه‌جویی و تقابل با هم شهره دارند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت‌آمیز در کنار هم خواهند پرداخت؛ هم‌چنان که در حدیث معروفی، نشان بر وضع امنیت بی‌سابقه در عصر ظهور آمده است که زنی به همراه زینت‌آلات خود از عراق به شام در کمال آرامش و بدون مزاحمت عامل انسانی و حیوانات وحشی مسافرت می‌کند و نیز چنین آورده شده که حیوانات وحشی و چهارپایان در آن عصر، در کمال صلح و مسالمت با یک‌دیگر به سر می‌برند.<sup>۲</sup> در روایتی دیگر فرموده‌اند:

حیوانات وحشی امنیت می‌یابند، چنان‌که همانند چهارپایان اهلی در راه‌های زمین به گردش درآمده، به چرا مشغول می‌شوند.<sup>۳</sup>

در روایتی دیگر، این وضعیت بدین صورت تشریح شده است:

اسمه اسم النبی یأمر بالعدل ویفعله و ینهی عن المنکر ویجتنبه، یکشف الله به الظلم ویجلو به الشک والعمی یرعی الذئب فی آیامه مع الغنم ویرضی عنه ساکن السماء والطیر فی الجوّ والحیتان فی البحار...<sup>۱</sup>

۱. مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۲۹۳.

۲. «اصطلحت السباع و البهائم.» (نک: بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۳. «و تأمن الوحوش حتّی ترتعی فی طرق الأرض كأنعامهم.» (همان، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶)

او هم نام پیامبر ﷺ است. به عدالت امر می فرماید و خود بدان عمل می کند و از منکر نهی می فرماید و خداوند توسط وی از ظلم جلوگیری می کند و شک و نبود بصیرت‌ها را می زداید. گرگ و گوسفند در روزگار او با هم به چرا می پردازند و ساکنان آسمان و پرنده در هوا و ماهی‌های دریا از او راضی و خشنود هستند.

هم چنین در *کنزالفوائد* از ابن عباس و ویژگی‌های عصر ظهور ذکر شده که یکی از آنها این است: «گرگ، میش، گاو، شیر، انسان و مار از جان خود ایمن باشند.»<sup>۲</sup> نیز امام صادق علیه السلام با تشریح برکت‌دهی آسمان و زمین در این دوره می فرماید: «همه وحوش و درندگان در امنیت کامل خواهند بود.»<sup>۳</sup> بنابراین، طبق فرمایش پیامبر ﷺ، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام «مردم در رفاه و چهارپایان در آسایش هستند.»<sup>۴</sup> ایشان در روایت دیگری که گویای اوج حفظ حقوق محیط زیست در آن عصر طیبه است، می فرماید:

... نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در آشیانه‌هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه‌ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویند...<sup>۵</sup>

#### ۴. فعلیت یابی همه قابلیت‌های محیط زیست در عالی ترین حد

در اصیل ترین منابع دینی، عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش، ایفای اهلیت‌ها و رعایت و استیفای همه حقوق‌ها آمده است. بنابراین در حکومت مهدوی هر موجودی اعم از انسان، حیوان و نبات باید به عالی ترین

۱. همان، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم.

۲. مهدی موعود، ص ۲۵۷.

۳. همان، ص ۳۷۴.

۴. همان، ص ۲۹۴.

۵. همان، ص ۱۰۹۵.

جایگاه و تحقق تمام استعدادها و قابلیت‌های خود برسد.

در عصر مهدوی، افزون بر جامعه بشری، محیط زیست ارضی و سماوی و تمام موجودات ساکن در آنها به عالی‌ترین و نهایی‌ترین حد تحقق قابلیت‌های خود دست می‌یابند و به عبارت روشن‌تر، آنها نیز عدالت‌پیشگی را سرلوحه خود قرار می‌دهند. به همین دلیل، آسمان و زمین ثروت‌های مکنون خود را بیرون می‌ریزند و هرگونه آلودگی و تلوث را با یاری خدای منان و مواهب حکومت مهدوی از خود دور می‌سازند و پوشش گیاهی، تمام عالم را فرا می‌گیرد؛ هم‌چنان‌که بنا بر روایت، زنی مسافر، راه عراق و شام را در امنیت می‌پیماید، آمده که وی «در مسیر خویش گام نمی‌گذارد مگر بر نبات و گیاهان»<sup>۱</sup> و این نشانه‌ای از پوشش گسترده گیاهی در سراسر جهان است که شام و عراق با مناطقی تقریباً کم آب و علف و نیمه خشک، در عصر ظهور، پوشیده از گیاه می‌شوند. برخی از روایات بیان‌کننده تحقق تمام استعدادهای بالقوه محیط زیست در دوران ظهور است، از جمله:

فیخطب الناس فتستبشر الأرض بالعدل وتعطى السماء قطرها والشجر ثمرها و الأرض نباتها و تتزین لأهلها... و تخرج لهم الأرض كنوزها...<sup>۲</sup>

پس [حضرت مهدی علیه السلام] مردم را خطاب می‌کند، سپس زمین را به عدالت، بشارت می‌دهد. در این هنگام آسمان باران خود را عطا می‌کند و درختان میوه‌های خود را فرو می‌فرستند. زمین تمام رستنی‌های خویش را عرضه می‌کند و خود را برای اهل عالم با این گیاهان زینت می‌بخشد...؛ هم‌چنان‌که زمین برای مردم، گنج‌های خود را خارج می‌سازد.

یظهر الله له كنوز الأرض و معادنها و ينصره بالرعب...<sup>۳</sup>

خداوند گنج‌ها و معادن زمین را برای او آشکار می‌سازد و وی را با رعب خویش یاری می‌دهد.

۱. «ولا تضع قدميها إلا على النبات.» (بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۲. همان، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶

۳. همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۲، روایت ۳۱.



ذکر دو روایت از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد نیز به تنویر مطلب کمک بیشتری می‌کند:

...يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بَسْتًا وَيَنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبُرْكَاتِ مِنَ السَّمَاءِ  
وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بِرُكْتِهَا...<sup>۱</sup>

مردی از اهل بیت من خروج کرده، به سنت من عمل می‌کند و خداوند برای وی برکت‌های خویش را از آسمان فرو می‌فرستد و زمین نیز برکات خود را خارج می‌سازد....

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، يَرْسُلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ  
مَدْرَارًا وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛<sup>۲</sup>

امت من در زمان وی از نعماتی متنعم می‌شود که قبلاً از آنها بهره‌مند نشده بودند و نیکوکار و فاجر، جزو بهره‌مندان این نعمت‌ها هستند. آسمان بر آنها باران‌هایش را نازل کرده، زمین چیزی از رویدنی‌هایش باقی نمی‌ماند مگر این‌که آنها را برویاند و تأخیری در این مورد روا نمی‌دارد.

### ۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست

مطالب پیشین به خوبی گویای اوج آبادانی محیط زیست در عصر ظهور است. با وجود این، در پاره‌ای از روایات به گونه‌ای دقیق‌تر و مصداقی‌تر به این آبادانی اشاره شده و حتی آمده که تمام ویرانه‌های زمین آباد می‌گردد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

... خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکتب‌های جهان پیروز می‌گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند؛ ویرانی‌های زمین آباد می‌گردد...<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۵۱، باب ۱، ص ۸۰، روایت ۳۷.

۲. همان، ص ۷۸، روایت ۳۷.

۳. عصر ظهور، ص ۳۵۷.

هم‌چنین در تفسیر آیه «مُدْهَامَتَانِ» از امام صادق علیه السلام منقول است که در عصر ظهور، «بین مکه و مدینه از درختان نخل متصل می‌گردد»،<sup>۱</sup> و نیز در بخشی از کلام خود در مورد این عصر، می‌فرماید:

امام [حضرت مهدی علیه السلام] مسجدی در بیرون کوفه می‌سازد که هزار در داشته باشد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا و «حیره» متصل می‌شود، به طوری که مردی در روز جمعه سوار استر تندرو می‌شود تا خود را به نماز برساند، ولی به نماز نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

شیخ طوسی با ذکر روایتی در کتاب *تهذیب* می‌نویسد:

امیرالمؤمنین علیه السلام به «حیره» تشریف برد و فرمود: «روزی برسد که کوفه به حیره وصل شود و چنان مرغوبیت پیدا می‌کند که یک ذرع زمین آن به چند اشرفی فروخته می‌شود و مسجدی در حیره بنا می‌شود که دارای پانصد در باشد! و نماینده قائم در آن نماز می‌گزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آنها تنگ خواهد بود، دوازده پیش‌نماز عادل در آن‌جا نماز می‌گزارند.»<sup>۳</sup>

این روایات از آبادانی و توسعه موزون محیط زیست انسانی، حیوانی و نباتی در کل عالم حکایت می‌کند که این نیز نتیجه حمایت کامل از حقوق زیست‌محیطی در آن دوران درخشان است. در نتیجه چنین وضعیتی، حتی کره زمین از وضعیت بهینه خویش و از این‌که در زیر قدم‌های یاران مهدی علیه السلام قرار می‌گیرد، به خود بالیده، احساس غرور و افتخار می‌کند. امام باقر علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

۱. همان، ص ۳۶۵. (به نقل از: *بحار الأنوار*، ج ۵۶، ص ۴۹)

۲. *مهدی موعود*، ص ۱۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۱۳۴-۱۱۳۵.

گویا من یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست؛ حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنها خواهند بود و همه چیز حتی این نقطه زمین بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور می کند و می گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من قدم نهاد و عبور کرد.<sup>۱</sup>

### ۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

این موارد نه تنها مصادیق دقیقی از حفظ حقوق محیط زیست است، بلکه حتی اگر آلاینده های محیط زیست به اشراف بر یک منزل یا ریزش آب از ناودان های منازل به محیط عمومی منحصر باشد و یا این که مسجد به خانه های مردم مشرف گردد و یا حتی بخشی از یک بنا در راه های عمومی ساخته شده باشد، با برخورد حکومت روبه رو می شود و در هر حال، این مورد با تخریب مسجد، برطرف می گردد. در کتاب *ارشاد*، ابوبصیر در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام در این مورد چنین روایت می کند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد؛ شاه راه ها را توسعه می دهد؛ هر گوشه ای از خانه ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می کند و ناودان ها را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد؛ هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد...<sup>۲</sup>

### ۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در محیط زیست

در عصر ظهور، رشد و ترقی علوم و فنون به اوج خود می رسد و دانش بنابه

۱. عصر ظهور، ص ۳۶۸. (به نقل از: *بحار الأنوار*، ج ۵۲، ص ۳۲۷)

۲. مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

روایات از دو حرف به ۲۷ حرف خواهد رسید؛<sup>۱</sup> ضمن این‌که شکوفایی و کمال عقلانیت بشری و افزایش فهم و درک جامعه انسانی یکی از مواهب خداداد عصر ظهور به شمار می‌آید.<sup>۲</sup> پر واضح است در چنین وضعیت بالنده و سرشار از فن‌آوری‌های جدید، هزاران ابزار جدید علمی برای مقابله با آلاینده‌های صنعتی در دسترس بشر قرار خواهد گرفت و جهان از وجود تمامی آنها رهایی خواهد یافت. هم‌چنین در آن عصر، با تعالی جامعه، بشر که اصلی‌ترین آلاینده محیط زیست است، از ارتکاب این گونه اعمال، عاقلانه و بر مبنای اعتقاد عملی به دیانت خویش، پرهیز خواهد کرد.

#### ۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاهای ماورای زمینی

برخی از خبرگان مباحث مهدویت معاصر، بر این باورند که بنابر روایات متعدد، کره‌های بسیاری در آسمان‌ها وجود دارد که آباد و دارای مخلوقات غیر از نوع انسان، فرشته و جن هستند. علامه مجلسی مجموعه‌ای از این روایات را در *بحارالأنوار* گرد آورده است؛ به اعتقاد استاد علی کورانی و عده‌ای دیگر، شماری از آیات قرآن نیز بر این معنا دلالت دارد، از جمله این آیه شریفه:

ای گروه جنیان و انسیان، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید، [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی‌کنید.<sup>۳</sup>

کورانی در ادامه این آیه می‌نویسد:

یعنی به زودی زندگی روی زمین در زمان حضرت مهدی علیه السلام وارد مرحله جدیدی می‌شود که به طور کلی با گذشته‌ها تفاوت دارد.<sup>۱</sup>

۱. *بحارالأنوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت هفتم.

۲. نک: *ظهور نور*، ص ۳۰۲. (به نقل از: *انبأ الهداة*، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

۳. سوره رحمن، آیه ۳۳.

البته منظور ایشان آن است که بشر در عصر ظهور، با فتح دیگر کره‌های مسکون و معمور توسط حضرت مهدی علیه السلام و حکومت وی مواجه خواهد گشت. از این مبحث نتیجه می‌گیریم که در آن عصر نورانی، هم محیط زیست و هم سیانت و محافظت از آن، ابعاد بسیار گسترده‌تری نسبت به جهان فعلی می‌یابد و قلمرو آن به همه کره‌های تحت سیطره حکومت حضرت کشانیده خواهد شد.

### ۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی

بیان شد که حتی حیوانات وحشی در دولت مهدوی، تعالی پیشه می‌کنند و با کنار گذاشتن توحش، رام گشته، تکامل می‌یابند و درندگی را کاملاً کنار می‌گذارند. جالب این‌که در برخی روایات، حیوانات عادی نیز کارهای مخرب را کنار می‌نهند تا جایی که حیوانی مانند موش، به تعبیر ابن عباس، «دیگر انبانی را پاره نمی‌کند»<sup>۲</sup> اما این تکامل خواهی تنها به حیوانات و نباتات محدود نمی‌گردد، بلکه جمادات نیز به این حیات طیبه وارد می‌شوند و نهضت جهانی امام عصر علیه السلام را مساعدت و همراهی می‌کنند. ابوبصیر در این مورد، از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

...وقتی با اراده خدا، قائم قیام نماید و چون حضرت ظهور نماید، کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگرانند؛ زیرا اگر کافر و یا مشرکی در پشت صخره‌ای نهان شود، آن صخره به صدا درآید و گوید: ای مسلمان، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است؛ او را به قتل برسان! وی اقدام می‌کند و او را به هلاکت می‌رساند.<sup>۳</sup>

۱. نک: عصر ظهور، ص ۳۷۰.

۲. مهدی موعود، ص ۲۵۷. (در همین منبع از ابن عباس نقل شده که در حکومت حضرت مهدی، خوک‌ها معدوم می‌شوند که البته نگارنده، چنین روایتی ندیده است و اگر هم روایت موثقی باشد، ناظر بر این است که در حکومت حضرت با انعدام خوک‌ها، زمینه انجام شدن گناه (خوردن گوشت حرام این حیوان) را از بین می‌برد؛ والله اعلم.)

۳. عصر ظهور، ص ۳۵۶. (به نقل از: مجمع البحرین، ص ۸۷)

### ۱۰. عاری بودن قیام مهدوی از تخریب‌های زیست‌محیطی

تمامی روایات بر این مطلب تصریح دارند که در دوره ظهور، یاران امام به مجازات و قتل و نابودی ستم‌گران اقدام خواهند کرد و جامعه اسلامی و دیگر جوامع جهانی را از لوٹ و وجود سرکشان و ستم‌پیشگان پاک‌سازی می‌کنند؛ زیرا بدون این اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچیده نمی‌شود و عدالت، حاکم نمی‌گردد و اگر امام با سیاست ملایمت و گذشت با آنها رفتار کند، هرگز ترندها و توطئه‌های جدید مستکبران و فاسدان در زمین از بین نخواهد رفت. حضرت در عصر قیام، توبه ظاهری هیچ مجرم و جنایت‌کاری را نمی‌پذیرد و همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در براندازی نظام جاهلی، جهاد پیشه کرد و با کافران به قتال و کارزار پرداخت، قیام مهدوی نیز علاوه بر تأسی به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه، حتی سخت‌گیری بر ستم‌گران را جای‌گزین رأفت نبوی می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

اما شباهت داشتن مهدی علیه السلام به جد گرامی‌اش رسول خدا صلی الله علیه و آله، قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستم‌گران و طاغوت‌هاست. وی به وسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان، پیروز می‌گردد و لشکریان او شکست نمی‌خورند.<sup>۱</sup>

اما مع‌الأسف برخی از دشمنان و یا حتی دوستان ناآگاه در مورد اعمال خشونت و کشتار حکومت مهدوی، چنان راه غلو پیشه می‌گیرند که قاطعانه، حضرت مهدی علیه السلام را برافروزنده جنگ هسته‌ای با دشمنان یاد می‌کنند! به اعتقاد نگارنده، نه‌تنها در عصر ظهور به سلاح هسته‌ای نیازی نیست، بلکه نبرد حکومت مهدوی و یاران آن حضرت با دشمنان، تخریب زیست‌محیطی و ایجاد فجایع محیط زیستی را به دنبال نخواهد داشت. برخی از ادله این مدعا چنین است:

۱. همان، ص ۳۵۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸)؛ هم‌چنین نک: مهدی موعود، ص ۱۱۲۶.

یکم. بنابر برخی ارزیابی‌ها، بر اثر جنگ هسته‌ای معمولی در جهان امروز، دست‌کم ۱/۵ میلیارد انسان کشته خواهند شد. ابرهای هسته‌ای ایجاد شده بر اثر انفجار اولیه، به ظهور زمستانی طولانی مدت با کاهش دمای حدود پنجاه درجه زیر صفر می‌انجامد و زمین مدت‌ها از نور خورشید محروم خواهد شد و گیاهان در این مدت از رویش بازخواهند ایستاد و شاید بسیاری از آنها و از جمله حیوانات نابود گردند. حال بنابه روایت‌های قبلی، چگونه ممکن است قیامی باعث رضایت و خشنودی همه ساکنان سماوی و ارضی گردد و در عین حال، هم آنها و هم محیط زیست را به بدترین شکل نابود کند؛ ضمن آن‌که آثار و تشعشعات چنین جنگی، دیرپا و ده‌ها سال مرگ‌بارتر خواهد بود و این نیز با ماهیت حیات طیبه آرمانی مهدوی منافات دارد! مگر نه این‌که طبق روایات، حکومت مهدوی، حکومتی است که حتی خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کند،<sup>۱</sup> پس چگونه امکان دارد در قیام امام، سلاح‌هایی این چنین مخرب به کار گرفته شود؛ آن هم در دوره‌ای که امنیت در جهان فراگیر می‌گردد؟

دوم. با توجه به روایات پیش‌گفته، مبنی بر افزایش فهم و گسترش دانش بشری در عصر ظهور، امام می‌تواند با ابزارهای جدید که بر فن‌آوری‌های جدیدی مبتنی است، هم به مبارزه با سلاح‌های مخرب ستم‌کاران عالم بپردازد و هم این‌که تأثیر این سلاح‌ها را خنثا ساخته، آنها را در واقع بی‌اثر و خلع سلاح کند. بنابراین، امام می‌تواند با استفاده از علم زمانه خویش، شمشیر را که به منزله سلاح نمادین حضرت در روایات آمده، به سلاح‌ها و ابزارهای متعارف و کارآمد روز متحول سازد؛<sup>۲</sup> ابزارهایی که در عین تأثیرگذاری، فاقد آلاینده‌گی و تخریب

۱. منتخب‌الأثر، ص ۴۷۸، باب ۷، روایت دوم.

۲. همه پیامبران الهی مخصوصاً پیامبران اولوالعزم در زمان ظهور خود، به علم و به عبارتی ابزار متناسب با زمان خود مجهز بوده‌اند؛ مثلاً در زمان عیسی علیه السلام با توجه به پیشرفت علم طب و رونق آن، وی امراض صعب‌العلاج را شفا داد و به اذن خدا مرده را زنده کرد. در زمان موسی علیه السلام علم سحر رونق

زیست محیطی باشند.

سوم. بنابه روایات، قتال حضرت مهدی علیه السلام همانند کشتارهای بی‌هدف امروزی نیست. حضرت با استفاده از علم لدنی خویش، تنها اصلاح‌ناپذیران را هلاک می‌سازد<sup>۱</sup> و دیگر بدکاران اصلاح‌پذیر را به حال خود رها می‌کند تا توبه کنند و اصلاح شوند؛ همان طوری که در روایات، نعمات عصر ظهور، هم برای نیکوکاران و هم بدکاران، ملحوظ گشته است.

از سوی دیگر، طبق روایت، بخش چشم‌گیری از جامعه بشری پیش از حکومت مهدوی از بین می‌رود. بنابراین، نمی‌توان آن را محصول عملیات نظامی و تخریبی حضرت دانست، بلکه قبل از ظهور، این اتفاق بر اثر منازعات جوامع انسانی حاصل می‌گردد. بدین ترتیب در همه گیتی فریاد منجی و موعودخواهی بلند گشته، همگان نجات خود را از خداوند و فرستاده وی طلب می‌کنند. بنابراین، این گونه فجایع انسانی و زیست‌محیطی، محصول دوره قبل از ظهور است. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

قبل از ظهور قائم، دو نوع مرگ و مردن گریبان مردم را می‌گیرد: یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید طاعون و از هر هفت نفر، پنج نفر از بین می‌روند و دو نفر باقی می‌مانند.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام هم فرموده‌اند:

لا تخرج المهديّ حتّى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث؛<sup>۳</sup>

---

داشت و این پیامبر به عصای سحرآمیز مجهز شده بود. در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، علم فصاحت و بلاغت و شعر و شاعری در بین اعراب رونق داشت و ایشان به قرآنی مجهز شدند که سرآمد فصاحت و بلاغت در عالم بشری گردید.

۱. همان، ص ۳۵۵.

۲. حیدری کاشانی، حکومت عدل‌گستر، ص ۲۱۳.

۳. همان.



حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی کند تا این که قبل از او ثلث مردم کشته می شوند و ثلث دیگر می میرند و ثلثی باقی می مانند.

چهارم. طبق روایات فراوان، قیام مهدوی با رعب و نصرت الهی و با کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه است. بنابراین، حضرت مهدی علیه السلام به سلاح های مخربی مانند سلاح هسته ای نیازی نخواهد داشت و در صورت تمسک ایشان به سلاح های جدید، بدیهی است که چنین تقابلی، مستظهر به نصرت الهی و مؤید به مساعدت فرشتگان و فاقد هرگونه تخریب زیست محیطی و یا فجایع انسانی خواهد بود و چنین تفکری از اساس، محال و حتی تناقض نما (پارادوکسیکال) است. برخی از روایاتی که نصرت الهی در حکومت و قیام مهدوی را نشان می دهند، عبارتند از:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است.<sup>۱</sup>

۲. شیخ مفید در کتاب *ارشاد* از ابوبکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می سازد.<sup>۲</sup>

۳. امام صادق علیه السلام می فرماید:

... خداوند صاحب الامر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن کشان می اندازد) تأیید می کند.<sup>۳</sup>

۱. نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۱۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۱۲۵.

۴. پیامبر ﷺ در کلامی طولانی در شرح ویژگی‌های حضرت مهدی ﷺ و قیام وی فرموده‌اند:

او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از جور و ستم شده بود.<sup>۱</sup>

با این توضیحات روشن می‌شود که قیام الهی حضرت مهدی ﷺ به حیات طیبه قرآنی و عاری از هرگونه آلودگی و تلوّث و آلاینده‌گی معطوف است و چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاکی و صمیمیت در سپهر حیات انسانی، جانوری و نباتی و حتی عرصه‌های فرازمینی خواهد بود.

### نتیجه

در فصل حاضر، در جهت تبیین وضعیت حقوق محیط زیست در آموزه و حیات طیبه مهدوی، ابتدا به وضعیت حقوق یاد شده و اهمیت محیط زیست و وضعیت بحرانی آن در جهان امروز اشاره گردید و سپس با هدف تشریح هرچه بیشتر موضوع حاضر در حکومت جهانی موعود، به طور اجمال، این مسئله در سیره نبوی و سایر معصومان بررسی شد. نتیجه این بررسی، نشان می‌دهد که توجه ویژه حکومت مهدوی به موضوع محیط زیست و تعالی بخشی به آن، به شکل کاملاً نمایان، از تفکر اسلامی و سنت ناب نبوی و علوی سرچشمه می‌گیرد. آن‌گاه به طور اخص، مبحث حاضر در آموزه مهدوی، ژرف‌نگری گردید و این نتیجه به دست آمد که در عصر ظهور، حقوق محیط زیست به گونه کامل رعایت می‌شود و موجودات و محیط زیست آنها در گستره‌هایی به وسعت جهان هستی، در حیات مادی و معنوی ارتقا و تکامل می‌یابند و ضمن همراهی رضایت‌مندانه و شاید مبتنی بر شعور، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش

۱. همان، ص ۱۱۳۵.

می‌رسند. در آن زمان، عالم هستی از هرگونه تلوث، آلودگی و آلاینده‌گی مادی و معنوی، تطهیر و پاک می‌شود و با اشراق الهی، منور و مشعشع می‌گردد. آن‌گاه با نابودی شیطان و وساوس شیطانی، تسبیح و حمد الهی تمام موجودات و حتی جمادات، بیش از پیش با انسان متعالی این عصر نوپدید و سعید، هم‌نوا تر می‌شود. در پایان، برخی از ویژگی‌های زیست‌محیطی دوران طیبه مهدوی به اجمال یادآوری می‌گردد:

۱. تطهیر و نورانیت زمین؛
  ۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست؛
  ۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛
  ۴. فعلیت‌یابی قابلیت‌های محیط زیست در عالی‌ترین حد؛
  ۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست؛
  ۶. مقابله با آلاینده‌ها و رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛
  ۷. استفاده از راه‌کارها و فن‌آوری‌های جدید در حفظ محیط زیست؛
  ۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاها و ماورای زمینی؛
  ۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی؛
  ۱۰. عاری بودن نبردها و قیام مهدوی از تخریب‌های زیست‌محیطی.
- بنابراین، محیط زیست و موجودات هستی با این تحول و استحاله ایجابی، به اصل و وضع اصلی و طبیعی و الهی خود باز خواهند گردید و بنا به تعریف عدل (قرارگرفتن هر چیز در جای خود و استیفای اهلیت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت در مورد آنها اجرا خواهد شد و به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت‌های مکنون خویش دست خواهند یافت.

ص ۱۵۶ سفید

### آموزه مهدویت و لیبرال - دموکراسی

انسان‌ها و به‌ویژه متفکران و مکاتب الهی و غیر الهی، از بدو اندیشه‌ورزی جامعه بشری، به دنبال ترسیم جامعه‌ای آرمانی بوده‌اند<sup>۱</sup> که به‌زیستی نسل بشر و سعادت آدمیان را تأمین کند. علاوه بر نهضت‌های عملی و فکری پیامبران، دست‌کم از شش قرن قبل از میلاد مسیح علیه‌السلام، مکاتب بشری نیز این تلاش‌ها را نظریه‌پردازی کرده‌اند و این مساعی در الهیات و فلسفه سیاسی و فکری ایران و یونان باستان بیشتر مشهود است. از مشهورترین این نظریه‌پردازی‌ها، می‌توان به «نیک شهر» یا «کالیپولیس»<sup>۲</sup> افلاطون (۴۲۷ - ۳۲۷ قبل از میلاد) اشاره کرد که این فیلسوف

---

۱. برای نمونه نک: آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی؛ مدینه فاضله در متون اسلامی.

2. Kallipolis.

کوشید تا گم‌شده خود یعنی عدالت را در آن پی‌جویی و مجسم کند و به همین دلیل، عنوان اصلی کتاب این متفکر یعنی جمهوری به «عدالت» اختصاص یافت. از سوی دیگر، مدعیان مکتب لیبرال - دموکراسی، در جهان حاضر، این نحله فکری و عملی را آرمانی‌ترین الگوی زندگی و مدیریت جامعه بشری به شمار می‌آورند و در واقع، به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم، مدعی هستند که لیبرال - دموکراسی تجسم و مقصد نهایی آرمان‌ها و الگوهای مدائن فاضله بشری است و همه کشورها باید آن را کم‌عیب‌ترین مدل مدیریت جوامع انسانی دانسته، بدان اقتدا کنند. پیروی از آن، می‌تواند نجات‌بخش باشد و انسانیت را به سر منزل نهایی برساند. متفکران امریکایی مانند فوکویاما با فروپاشی شوروی و تضعیف ایدئولوژی‌های رقیب دموکراسی‌های لیبرال، معتقدند که «لیبرال - دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است».

بنابر انگاره این مدعیان، لیبرال - دموکراسی توانسته و می‌تواند آرمان‌ها و آرزوهای دیرپای بشر را محقق کند و منجی‌گرایی و انتظار مصلح موعود برآمده از عالم غیب بی‌فایده است و خواب و خیالی بیش نیست و تفکری «فاناتیک»<sup>۱</sup> به شمار می‌آید. آنچه عینیت و واقعیت دارد، تحقق اکثر آرزوهای مترقی بشری در دامن لیبرال - دموکراسی، آن هم نه در آینده‌ای نامعلوم بلکه در عصر فعلی است. نوشتار حاضر، علاوه بر پاسخ به ماهیت‌شناسی الگوی لیبرال - دموکراسی، واقعیت سراب‌گونه و معضلات نظری و عملی آن را آشکار ساخته، بر نهایی بودن مقصد آن برای رفع حرمان‌ها و آلام بشری خط بطلان می‌کشد. آن‌گاه این الگو را تا جای ممکن با مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی و سپس با الگوی دین‌سالاری سپهری مهدوی مقایسه می‌کند و براین ادعا پای می‌فشارد که هم‌چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت

1. Fanatic (کوتاه‌بینانه) جزمی، افراطی، تعصبی).

حضرت مهدی علیه السلام نهفته است و بشر با تحقق انتظاری فعال، باید در زمینه‌سازی و تحقق آن بکوشند.

در این فصل، ابتدا مفهوم لیبرال - دموکراسی و معایب آن بازکاوی می‌شود، آن‌گاه با اعتقاد به این‌که انقلاب و نهضت اسلامی ایران زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است، نوع نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران و تمایزات آن با لیبرال - دموکراسی عیان می‌گردد، سپس وضعیت دین‌سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه‌ای مقایسه‌ای با آن دو، تشریح خواهد شد. این فصل در حقیقت، به روایی‌سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی‌بخشی بشری خواهد پرداخت و پس از اثبات بی‌اعتباری لیبرال - دموکراسی در این زمینه، سرآمدی و برتری آموزه طیبیه مهدویت و دین‌سالاری سپهری مهدوی را بیان خواهد کرد.

## سیری در مفهوم و مبانی دموکراسی و لیبرالیسم

### الف) مفهوم دموکراسی

دموکراسی اندیشه‌ای سیاسی و نیز نوعی سازوکار و نظام اداره جامعه و از اندک مفاهیم سیاسی دیرپای فلسفه سیاسی به شمار می‌رود و به ویژه در دو سده اخیر رونق و ترویج یافته است. این مفهوم از استوارترین و پابرجاترین مفاهیم سیاسی در عمر طولانی خویش، تحولات و فراز و نشیب‌های بسیار به خود دیده و به قاطعیت می‌توان گفت، بشر مدرن هنوز در استفاده از این مفهوم جنجال‌برانگیز و آرامش‌خیز، به اجماع نظر و توافق دست نیافته است. به قول دیوید هلد، تاریخ اندیشه دموکراسی، بغرنج و تاریخ دموکراسی گیج‌کننده است.

دموکراسی کلمه‌ای یونانی به شمار می‌رود و کاربرد اجتماعی و سیاسی آن به معنای «حاکمیت مردم» یا «حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در امور همگانی» از نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد از آتن آغاز شد. دموکراسی یا

حکومت مردم‌سالاری که در متون کلاسیک «حکومت مردم بر مردم و برای مردم» تعریف شده، تلفیقی از دو لفظ یونانی «Demos» به معنای عامه مردم و «Kratos» به معنای قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت است که امروزه به نام حاکمیت یا آرای مردم از آن نام برده می‌شود. با وجود تعاریف متعدد از دموکراسی، در واقع مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم‌گیری، مفروض اساسی دموکراسی و تعریف آن است ولی عمدتاً سه اصل آزادی، برابری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، از مبانی آن به شمار می‌آید. برخی هم این اصول را شامل سه اصل مشروعیت، برابری، آزادی و تبعات آن می‌دانند. بعضی در دیدگاهی گسترده‌تر، اصول اساسی دموکراسی را این گونه تعبیر کرده‌اند:

نشأت گرفتن قدرت و قانون از اراده مردم، آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت به آن، وجود مکانیسم‌های مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی، اصل حکومت اکثریت عددی در مسائل مورد اختلاف در افکار عمومی مشروط به وجود تساهل و مدارای سیاسی، محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی، تکثر و تعدد گروه‌ها و منافع و ارزش‌های اجتماعی، امکان بحث و گفت‌وگوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره مسائل سیاسی، قوت جامعه مدنی، اصل نسبیت اخلاقی و ارزشی، تساهل نسبت به عقاید مختلف و مخالف، برابری سیاسی گروه‌های اجتماعی از لحاظ دسترسی به قدرت، امکان تبدیل اقلیت‌های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظرات گروهی، استقلال قوه قضائیه در راستای تأمین و تضمین آزادی‌های مدنی افراد و گروه‌ها، تفکیک قوا یا استقلال حداقل سه قوه از یک‌دیگر و امکان ابراز مخالفت سازمان‌یافته و وجود اپوزیسیون قانونی.<sup>۱</sup>

۱. حسین بشیریه، «تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های قرن بیستم، اندیشه‌های لیبرال - دموکراتیک»، ص ۴۱.



البته پیچیدگی، گستردگی و مبهم بودن معنای دقیق دموکراسی و اصول آن، مشکلاتی را نیز در تعیین انواع آن ایجاد کرده و باعث تقسیم‌بندی‌های متفاوت و متکثر از این اصطلاح شده است.

### ب) مفهوم لیبرالیسم

لیبرالیسم و یا فلسفه آزادی‌خواهی با عناصر و ویژگی‌های فکری خویش، مهم‌ترین مفهوم هم‌پایوند دموکراسی و از فراهم‌آوردندگان تفکر سکولاریسم بوده است. لیبرالیسم در معنای وسیع، مجموعه روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی به شمار می‌رود که فراهم آوردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد را سفارش می‌کنند. اعتقاد به آزادی، اختیار، اراده و مجاز بودن انسان به پروراندن خود به گونه آزاد، از دیگر دست‌آوردهای لیبرالیسم است. از جمله، لیبرالیسم سیاسی، به آزادی فکر و آزادی عمل فرد تا مرز آزادی دیگران سفارش می‌کند و با طرف‌داری از اصالت فرد عقیده دارد که انسان‌ها خردمندند و خرد، ضامن آزادی فردی و آزادی، ضامن زندگی خردآمیز است. سلب آزادی از سوی هرگونه عامل مخل و اعم از هر گونه اقتدار، چه دولتی و چه مذهبی، به معنای نفی خردمندی و نفی خردمندی، نفی آزادی به شمار می‌رود. بنابراین، آزادی فردی ضامن مصالح عقلایی بشر بوده و باید از ابتکار آزادی فردی و خصوصی پاس‌داری کرد. در این زمینه، دین و مذهب هم در عرصه زندگی خصوصی مردم جای می‌گیرد و لیبرالیسم بر اساس باور خود به تساهل و مدارا، به انتخاب آزادانه عقاید و نبود بازخواست مذهبی و عقیدتی از سوی دولت معتقد گردید؛ هم‌چنان‌که آزادی عقاید و مذهب و آزادی بی‌قید و شرط در قلمرو اندیشه‌ها و عقاید سیاسی و معتقدات مذهبی را شرط پیشرفت و تکامل فرد و افراد اجتماع به‌شمار آورد و با شخصی و خصوصی برشمردن مذهب در حوزه حیات فردی، دیانت و مذهب را محترمانه از صحنه‌های اجتماعی به عرصه‌های فردی و خصوصی به عقب راند و منزوی کرد.

لیبرالیسم با شخصی کردن مذهب، به تمایز بین مسائل عمومی و اجتماعی و ضرورت مداخله نکردن در امور خصوصی افراد توسط هرگونه قدرت خودسرانه و استبداد طبقاتی، مذهبی و حزبی، توجه دارد و حکومت یا دولت و یا هرگونه اقتدار دیگر را مجاز به مداخله در قلمرو خصوصی شامل زندگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی نمی‌داند. بنابر لیبرالیسم، خود مصالح و منافع فرد باید راه‌نمای او در زندگی باشد و فرد باید تأمین منافع فردی خویش را دنبال کند. لیبرالیسم با طرح اندیشه‌هایی مانند فردگرایی، انسان‌گرایی و عقل‌گرایی زمینه‌ساز پیدایش و تثبیت سکولاریسم گردید.

### ج) مبانی سکولاریستی لیبرال - دموکراسی

سکولاریسم<sup>۱</sup> از ویژگی‌های اساسی و سرنوشت‌ساز فرهنگ، تمدن و نظام‌های سیاسی جهان غرب در یکی دو سده گذشته بوده و بازتاب‌های بسیار فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی این‌گونه نظام‌ها برجای گذاشته و به‌طور اجمالی باعث انزوای نقش مذهب و خنثا کردن حضور عینی آن در این عرصه‌ها گشته است. در واقع، سکولاریسم از مهم‌ترین مقومات و فراهم‌آوردندگان لیبرال - دموکراسی در اندیشه و عمل، به شمار می‌آید.

«سکولر»<sup>۲</sup>، یعنی دنیوی یا آنچه به این جهان خاکی مربوط می‌شود، مشتق از کلمه «سکولوم»<sup>۳</sup> به معنای امور این دنیاست. سکولاریسم به معنای دنیاپرستی یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آنچه غیر آن به شمار می‌آید، به کار رفته است. هم‌چنین برای سکولاریسم مترادف‌های بسیاری همانند علمانیت، لادینی (به عربی)، دنیاویّت و گیتی‌گرایی، اصالت امور دنیوی، عرفی شدن، دنیاپرستی،

1. Secularism.

۲. seculaire به زبان فرانسوی و secular به زبان انگلیسی.

3. Saeculam.

جدانگاری دین و دنیا، غیرمقدس و غیرروحانی، افول دین، هم‌نوایی با این دنیا، رهایی جامعه از قید دین، و در معانی عقلانیت، علم‌گرایی، نوگرایی و مدرنیسم و این جهانی، جابه‌جایی باورها و نهادهای دینی، تقدس‌زدایی از عالم و جامعه و غیره ذکر شده است. با توجه به هم‌پیوندی تام لیبرال - دموکراسی و سکولاریسم، برخی اندیشه‌ها و نظریه‌های معرفتی، بر زمینه‌سازی و پیدایش و تحقق آنها کاملاً مؤثر بوده‌اند، از جمله:

### ۱. اندیشه قداست‌زدایی

بر مبنای این اندیشه، فرد و جامعه سکولار به امر مقدس اعتقاد و اعتنا ندارد. اعتقاد به امر مقدس که از مشترکات همه ادیان است، در فرایند سکولاریزاسیون فاقد حرمت و ارزش معنوی گردید و در برابر، آنچه صرفاً ارزش دنیوی و مادی دارد، اهمیت و ارزش یافت.

### ۲. سیانتیسم<sup>۱</sup> یا اصالت علم و علم‌زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم<sup>۲</sup>

براساس این باور، گزاره‌ها فقط به میزانی که با کمیات یا امور واقع تجربی پیوند دارند، محتوای حقیقی و صدق دارند. علم‌زدگی با هر دینی که شالوده مابعدالطبیعی دارد، قطع نظر از ادعای وحی آسمانی، ناسازگاری به بار می‌آورد. سرانجام سیانتیسم شکل دین (غیر الهی) را به خود گرفته و به صورت علم پرستی در آمده است.<sup>۳</sup> هم‌چنین سیانتیسم همراه با پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی و مذهب تحصلی زمینه‌ساز سکولاریسم بوده‌اند؛ زیرا برخی از پوزیتیویست‌ها، شناسایی انسان را در قلمرو علوم فیزیکی و شیمیایی منحصر دانسته‌اند و مدعی شده‌اند که بازگشت همه معارف واقعی و از آن جمله علوم انسانی، به علوم

1. Scientism.

2. Positivism.

۳. نک: «علم و دین» فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایرة المعارف دین، ص ۴۱۲-۴۱۴. (مقاله علم و دین)

طبیعی است و به نفی ثبوت امری و رای تجربه پرداخته‌اند؛ بنابراین، مذهب تحصیلی در این معنا، به نام «مذهب اصالت علم» نیز خوانده شده است.<sup>۱</sup>

### ۳. گرایش به اصالت حس و انسان‌شناسی مادی

گرایش به اصالت حس در معرفت‌شناسی انسان عصر روشن‌گری به بعد، بدین معناست که راه شناخت حقایق جز تجربه حسی نیست و تنها آنچه به صورت ملموس و از راه حواس مشاهده و درک شود، امکان شناسایی دارد و در حوزه بررسی علمی و معلومات بشری قرار می‌گیرد؛ بنابراین، حقایق متافیزیکی و دینی حتی اگر رد هم نشود، اثبات‌پذیر نیست و در حوزه معلومات بشری قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، برخی از دانش‌مندان عصر خردگرایی در بهترین صورت، معارف متافیزیکی را نه رد کردند و نه اثبات‌پذیر دانستند و برخی دیگر به دیده شک به آنها نگریستند و پاره‌ای نیز آنها را انکار و طرد کردند.

از سویی نگرش سکولاریستی، در حقیقت از نوعی انسان‌شناسی مادی‌گرا سرچشمه گرفته است که انسان و نیازهای فطری او و نیز اسرار خلقت وی را در بعد مادی و فیزیکی خلاصه می‌کند و آرمان خلقت را تنها در برخورداری‌های دنیوی و مادی می‌گنجاند.

### ۴. قرارداد اجتماعی و نفی حق الهی حکومت

تئوری الهی حکومت دارای چند نظریه فرعی است. طبق یک نظریه، مشروعیت الهی حکومت به گونه مستقیم از عالم الوهی اخذ می‌شود و بنابر نظر دیگر، میان عالم الهی و حکومت، کلیسا قرار دارد. بر اساس این نظریه، کلیسا قائل به نقش میانجی خود در اعطای مشروعیت الهی به حکومت است. از این رو، خود را قدرتی برتر از امپراتور و دیگر حاکمان می‌دانست. در اواخر قرون وسطا، ابتدا تئوری برتری معنوی کلیسا و نقش میانجی آن رو به افول گذاشت و

۱. نک: فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ص ۱۵۶.

سپس با ترویج و تثبیت تئوری الهی حکومت که مطابق آن، امپراتور و شاه نماینده و سایه خدا در زمین بود، کلیسا اقتدار معنوی و سیاسی خود را از دست داد و به نهادی حاشیه‌ای و محکوم حکومت، تبدیل شد. از سویی، با گسترش اندیشه‌های دموکراتیک و بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی متفکرانی مانند جان لاک و مونتسکیو، حق الهی حکومت نیز تضعیف گشت و به جای آن حکومت و حاکمان، به مثابه نمایندگان با شرایطی مقید به خدمت به مردم و مصالح عامه سرکار آمدند و حکومت به جای حق، وظیفه‌ای وکالت‌گونه و مدت‌دار به شمار آمد و چنین نظام فکری و سازوکار اداره اجتماع، باعث انزوای بیشتر نهاد کلیسا و واسطه‌گری کلیسایان در امر حکومت گردید. هم‌چنان‌که بر مبنای دموکراسی، بی‌توجهی به شرایع الهی و حتی نفی آن در امور تقنینی و اجرایی حکومت‌ها لازمه اصالت بخشیدن به مردم در مقابل اصالت خدا و قانون الهی شد.

### ۵. اومانیزم<sup>۱</sup>، دئیسم<sup>۲</sup> و آتئیسم<sup>۳</sup>

«اومانیزم» یا مکتب اصالت انسان و انسان‌گرایی، نظامی فکری است که انسان و بشرگرایی افراطی، اساس و محور جهان‌بینی آن را شکل می‌دهد و طبیعتاً با جهان‌بینی دینی که خداگرایی، اساس و محور آن است، سازگار نیست. اومانیزم با عطف توجه و اهتمام به انسان و مسائل مربوط به وی، راه‌حل مشکلات بشری را بیش از آن‌که در حوزه ایمان به خدا بجوید، از ره‌گذر عقل و خرد آدمی جست‌وجو می‌کند. اومانیزم محصول رنسانس و عصر روشن‌گری و مندرج در مکتب لیبرالیسم است. ظهور تفکر اومانیزمی در جهان غرب که با اصالت‌های دینی و اندیشه خدامحوری تعارض داشت، از نظر نمود و بروز در عرصه اجتماع

- 
1. Humanism.
  2. Deism.
  3. Atheism.

دو شکل متفاوت داشت:

شکل نخست آن «دئیسم» بود که اولاً، دین را جدای از حقایق و احکام و حیانی می‌پذیرفت و دیگر آن‌که، وجود خدا را به منزله موجودی ماورای طبیعی که پس از آفریدن جهان آن را به حال خود رها کرده و هیچ‌گونه نقشی در اداره آن ندارد، معرفی می‌کرد.

دیگری «آتئیسم» بود که آشکارا وجود خدا را انکار می‌کرد و طرف‌دار الحاد و بی‌دینی بود. رشد و گسترش این دو عقیده به قرن هجدهم و پس از آن باز می‌گردد؛ زیرا در این قرن که مشهور به «عصر عقل»<sup>۱</sup> است، اومانیست‌های غربی از رشد شتابنده علم جدید در حوزه طبیعت‌شناسی سرمست و مغرور شده، در پی استقلال و بی‌نیازی از وحی آسمانی بودند.<sup>۲</sup>

### ۶. اندیویدوآلیسم<sup>۳</sup> یا فلسفه اصالت فرد

فلسفه اصالت فرد از فلسفه‌های اومانیستی به شمار می‌آید که پس از رنسانس ظهور کرد. در تاریخ فلسفه سیاسی، ابتدای قرن هفدهم، آغاز ظهور و رشد این فلسفه است. در این فلسفه، انسان‌گرایی در شکل فردگرایی آن نمایان شد؛ یعنی علایق، امیال، منافع و مسرت و سعادت فرد به صورت عریان از ویژگی‌های نژادی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی مورد توجه قرار گرفت و عقل و خرد آدمی رکن اساسی و مستقل کمال و نیک‌بختی او به شمار رفت.

این اندیشه اومانیستی که خود از نتایج عقل‌گرایی (راسیونالیسم)<sup>۴</sup> عصر جدید بود، مبدأ پیدایش تفکر اومانیستی دیگری به نام فلسفه حقوق طبیعی شد. شالوده این فلسفه را این نظریه تشکیل می‌داد که در طبیعت آدمی، عناصری وجود دارد

1. Age of Reason.

۲. نک: ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، ص ۵۷.

3. Individualism.

4. Rationalism.

که در تمام افراد بشر مشترک است و این عناصر مشترک، مدار وحدت افراد به شمار می‌رود و معیارهای حقوق، قانون اساسی و حکومت صالح را میسر می‌سازد و انسان را از تعالیم و احکام مذهبی و ماورای طبیعی بی‌نیاز می‌کند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، اومانیسیم و اندیویدوآلیسم به سکولاریسم انجامید.

### ۷. راسیونالیسم یا اصالت عقل

عقلانیت یا عقل‌گرایی از اصول اساسی نظری‌پیدایی و پایایی سکولاریسم به حساب می‌آید. عقل‌گرایی افراطی که در تقابل با الهیات «دگماتیک» کلیسای قرون وسطا در عصر روشن‌گری، شکل و نضج گرفت، آموزه دینی معاد و حیات اخروی و بهشت و سعادت ابدی در سرای دیگر را به گونه‌ای دنیوی تفسیر و بشر را به نوعی آخرت‌اندیشی دنیاپرستانه دعوت کرده است. این عقل‌گرایی افراطی زمینه‌ساز سکولاریزم شد؛ زیرا دین نه تنها در سایه عقل‌بسندگی از صحنه اجتماع و سیاست حذف گشت، بلکه اصل حقانیت آن نیز از اندیشه عقلی انسان به بوته فراموشی سپرده شد. دولت سکولار نیز مبتنی بر جدایی دین از سیاست، نفی مرجعیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی و بر مبنای اعتقاد به استقلال عقل آدمی در شناخت پدیده‌ها و مصالح سیاسی تشکیل شد. از این منظر، سیاست دایره نفوذ عقل آدمی به شمار می‌آید، پس سیاست پدیده‌ای عقلانی و نه دینی است؛ زیرا دین در آن جایی حضور و نفوذ دارد که عقل به آن دست‌رس نداشته باشد.

### ۸. پلورالیسم<sup>۲</sup> یا کثرت‌گرایی

«پلورالیسم» و سکولاریسم رابطه و تعاملی تنگاتنگ دارند و مایه بالیدن دو جانبه یک‌دیگرند. این دو اندیشه، مبانی مشترک نظری نیز دارند؛ هم‌چنان‌که هر

۱. نک: تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۲، ص ۵۴۹.

دو نیز از مؤلفه‌های لیبرالیسم به شمار می‌آیند. دینی که سکولار شده و به دیانت شخصی روی آورده و تجربه قلبی را مدار دین‌داری قرار داده است، در حقیقت، آگاهانه یا ناآگاهانه، تسلیم مبنای نظری و دینی پلورالیسم شده و گوهر دین را نه اعتقاد که شریعت قلبی می‌داند و به خرد و منفعت‌پرستی آن به گونه‌ای انسان‌مدارانه، دنیاگرایانه، نسبی و متغیر می‌نگرد و تفسیر به رأی می‌کند.

### انتقادات عمومی از دموکراسی

نقد دموکراسی پیشینه‌ای طولانی دارد تا جایی که افلاطون و ارسطو نیز از منتقدان آن بوده‌اند؛<sup>۱</sup> اما به طور کلی دو دسته از دموکراسی ایراد گرفته‌اند: دسته اول مخالفان دموکراسی هستند که اصل و اساس دموکراسی را زیر سؤال می‌برند و دسته دیگر کسانی‌اند که معتقدند رژیم دموکراتیک برابر با ایده‌آل و تئوری دموکراسی اندک تحقق می‌یابد. این دسته پیش‌نهادهایی می‌کنند که متضمن راه‌حلهایی است.

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که محققان، پیایی و به تناوب، برخی موضع اول و بعضی روش دوم را اختیار کرده‌اند. در این بخش به تأمل درباره استدلال‌های مربوط به دسته اول می‌پردازیم:

اغلب منتقدان این گروه، انسان‌های سرشناسی هستند. به نظر آنان دموکراسی، قلمرو تفرقه، تشتت و بی‌ثباتی و نیز عرصه دیکتاتوری اکثریت و باعث بی‌مایگی و کم‌استعدادی است. آنان معتقدند که رژیم‌های مبتنی بر حزب‌بازی، وحدت ملی را ضایع می‌کند و نوعی جنگ داخلی به وجود می‌آورد؛ انتخابات و پارلمان‌بازی باعث می‌شود که افراد کم‌هوش و میان‌مایه به قدرت برسند. چون بسیاری از کسانی که در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کنند، بازی سیاسی در

۱. برای نمونه نک: بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۲۴؛ مدل‌های دموکراسی، ص ۱۷.



کشمکش افراد به تأمین منافع شخصی می‌انجامد و این امر خود افزایش عوام‌فریبی را سبب می‌گردد که نتیجه‌اش فراموش شدن منافع عمومی است. دموکراسی از دید این منتقدان، الزاماً به هرج و مرج و لذت‌جویی توده‌ها و یک مشت مساوات‌جویی مادی می‌انجامد و مفهوم نفع عام به مفهومی مبتذل تبدیل می‌گردد و معلوم می‌شود که «قلمرو آزادی» چیزی جز قلمرو ماده و مقدار و کمیت نیست.<sup>۱</sup>

### الف) مبهم بودن ماهیت و مبانی دموکراسی

چنان که گذشت، ابهام در تار و پود، اصول و مبانی و ماهیت دموکراسی، از معایب بزرگ آن به شمار می‌رود. تنوع و تکثر انواع دموکراسی‌ها مانع ایجاد وحدت نظر در بسیاری از اساسی‌ترین مفاهیم این اصطلاح گردیده و گاه به تعارض‌های موجود در آن دامن زده است. گفته می‌شود که دموکراسی در سه مفهوم متفاوت «حکومت اکثریت»، «حکومت قانون» و «تعدد گروه‌های قدرت» به کار می‌رود. به عقیده برخی، «میان این سه برداشت تعارضاتی وجود دارد که موجب ابهام در معانی دموکراسی شده و همین ابهام، زمینه تعابیر گوناگون از دموکراسی در قرن بیستم را فراهم آورده است.»<sup>۲</sup>

دموکراسی مفهومی پیچیده و چندبعدی دارد و ابهام در معنای آن، به تأکید صاحب‌نظران و هواداران دموکراسی بر وجوه خاصی از آن برمی‌گردد. خود دموکراتیک خواندن حکومت‌های گوناگون، به دلایلی چندان شگفت‌آور نیست؛ زیرا سنت اندیشه دموکراتیک بسیار گسترده و مشحون از اندیشه‌های متفاوت و حتی متعارض درباره مبانی پیدایش دولت، نهاد انسان، کار ویژه‌های حکومت و

۱. برای آگاهی بیشتر نک: «سلسله مقالات آلن دوبنوا درباره موضوع دموکراسی»، ترجمه بزرگ نادرزاد،

نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۶۹ - ۷۸، خرداد و تیر تا بهمن و اسفند ۱۳۷۲.

۲. «تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های قرن بیستم، اندیشه‌های لیبرال - دموکراتیک».

غیره است.<sup>۱</sup>

«حکومت به وسیله مردم» شاید مفهومی عاری از ابهام به نظر آید، اما ظواهر همیشه گمراه کننده‌اند و تاریخ اندیشه دموکراسی پیچیده و از دریافت‌های متضاد حکایت می‌کند. عرصه‌های نبود توافق بسیار گسترده است و در واقع هر یک از اجزای عبارت فوق، دشواری‌های مربوط به تعریف را به همراه دارد. «اندرو وینسنت» در این باره می‌نویسد:

مشکل دیگر اندیشه حاکمیت مردم این است که چه کسی یا کسانی به عنوان مردم به حساب می‌آیند. چنین کسانی بر حسب نظریه اراده عمومی، کل مردم هستند. اما ممکن است مجموعه‌ای از نمایندگان و یا رأی دهندگان به عنوان مردم تلقی شوند. البته در طی یک قرن و نیم گذشته، رأی دهندگان یا افراد حائز شرایط رأی دادن در حال تحول و تغییر بوده‌اند. به عبارت دیگر تعریف مردم پیوسته در حال دگرگونی بوده است.<sup>۲</sup>

حال واژه‌های «حکومت»، «حکومت به وسیله مردم» و «مردم» به چه معناست؟ اگر فقط از ابهامات موجود در واژه «مردم» آغاز کنیم، این سؤال‌ها مطرح می‌شوند:

۱. چه کسانی را باید «مردم» برشمرد؟
  ۲. چه نوع مشارکتی برای آنها در نظر گرفته شده است؟
  ۳. شرایط مفروض برای هدایت به مشارکت کدامند؟
- واقعیت آن است که انواع دموکراسی‌ها، هنوز نتوانسته‌اند پاسخ‌های قطعی به این سؤال بدهند تا جایی که دیوید هلد در این باره می‌گوید:

کوشش به منظور محدود کردن معنای «مردم» به گروه‌های معینی از آنها، از قبیل صاحبان دارایی، سفیدپوستان، مردان تحصیل کرده، صاحبان مشاغل و

۱. همان، ص ۴۲.

۲. نظریه‌های دولت، ص ۱۷۱.

مهارت‌های ویژه، بزرگ‌سالان و فقط مردان، سابقه‌ای دیرینه دارد. هم‌چنین درباره آن‌چه «حکومت» به وسیله «مردم» قلمداد می‌شوند، در قالب دریافت‌ها و مباحث گوناگون، داستان‌سرایی می‌شود.<sup>۱</sup>

بسیاری دیگر از شارحان دموکراسی به صراحت گفته‌اند که دموکراسی غربی هیچ نوع معنای دقیق و مورد توافقی ندارد و پرسش از چیستی معنای دموکراسی، تردیدپذیر و دارای برداشت‌های متفاوتی است که قانع‌کننده نیستند.<sup>۲</sup>

### ب) تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری

از مهم‌ترین تعارض‌هایی که در فلسفه سیاسی غرب و اندیشه و نظام دموکراسی مطرح بوده، تعارض بین دو اصل آزادی و برابری است که دو اصل از سه اصل مشترک دموکراسی‌ها را شامل می‌شود. تبیین این تعارض بسیار ساده و از این قرار است که اگر همه مردم برابر شمرده شوند، آزادی آنها به خطر خواهد افتاد؛ زیرا ایجاد برابری، محتاج مداخله دولت در زندگی افراد و تحدید آزادی‌های (منفی) آنهاست و اگر همه مردم آزاد گذارده شوند، خواه ناخواه برابری افراد به خطر می‌افتد؛ زیرا عموم افراد به واسطه اختلاف‌هایی که در ثروت و قدرت و مانند آن دارند، پس از مدت کوتاهی مقابل دیگران برتری‌جویی می‌کنند. به هر حال بیشتر دانش‌مندان هم‌نظرند که این دو غایت عظیم دموکراسی، به طور کامل با هم جمع‌پذیر نیستند و تا حدود زیادی با یک‌دیگر تنافر دارند.

در قرن بیستم، بیشتر لیبرال‌های راست‌گرا مانند فریدریش هایک، رابرت نوزیک و میلتون فریدمن، برابری را مخل آزادی و جمع‌ناپذیر با آن می‌دانند و سخن گفتن از «عدالت اجتماعی» در جامعه مرکب از افراد آزاد را موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان‌ها می‌شمارند. برخی از متفکران

۱. مدل‌های دموکراسی، ص ۱۴-۱۶.

۲. نک: دموکراسی، ص ۱۴.

دموکراسی برای فرار از تعارض هم‌گرایی آزادی و برابری، همایش این دو عنصر اصلی را به دموکراسی‌های قدیم و در عرصه نظری مربوط دانسته‌اند.

### ج) صوری بودن اصل برابری در دموکراسی

گفته شد که اصل برابری از سه اصل مشترک دموکراسی‌ها بوده است، اما آنچه واقعاً در این شیوه حکومتی پذیرفته گردید، مساوات اسمی بود که زیر لوای آن بر بسیاری از نابرابری‌های واقعی در جامعه سرپوش گذاشته شد و برابری در دموکراسی به برابری در شانس و فرصت محدود گردید. به عبارت دیگر، دموکراسی نه به معنای برابری انسان‌ها، نه به معنای برابری ثروت و نه به معنای هم‌سانی وضع و حال مردم است، بلکه بر مبنای برابری صوری شهروندان در مقابل قانون و فرصت یک‌سان آنان برابری‌هایی به وجود می‌آورد که شرط توسعه و ضرورت وجودی همه جوامع تحول یافته است. هدف دموکراسی، ایجاد فرصت برای برابر شدن افراد نیست، بلکه کارش این است که فرصت برابر به آدم‌ها بدهد تا نابرابر باشند.

### د) محدودیت‌ها و موانع مشارکت سیاسی برابر در دموکراسی لیبرال

در قرن بیستم، خطرهای تازه‌ای مفهوم دموکراسی کلاسیک را تهدید کرد که از خطر استبداد اکثریت کمتر نبود و درحقیقت موجب تحولی در معنای دموکراسی شد. واقعیت اقتصاد سرمایه‌داری در عمل، بی‌شک محدودیت‌هایی بر حق مشارکت سیاسی ایجاد کرده است. حق رأی در دموکراسی‌های امروزی، بلاشرط شده و حق انتخاب احزاب سیاسی مختلف وجود دارد، اما چنین حقوقی ضامن «برابری فرصت‌ها»ی عملی در مشارکت اجتماعی و سیاسی نبوده است. متغیرهای گوناگون چون سطوح مختلف درآمد، آموزش شهروندی، حاشیه‌نشینی و غیره در میزان مشارکت سیاسی و نابرابری آن در بین عموم مردم مؤثر بوده است.

### ه) انتقادات بر رژیم نمایندگی

بیشترین انتقادات حقوقی از دموکراسی، بر «رژیم نمایندگی» شده است. این انتقادات بسیار گسترده بوده و نمی‌توان به همه آنها اشاره کرد. منتقدان، رژیم نمایندگی و آزادی در دموکراسی را، فقط به زمان انتخاب نمایندگان محدود می‌دانند و معتقدند پس از انتخابات، مردم به کناری گذاشته می‌شوند. به گفته میخلز، رأی‌دهنده همواره رأی حاکمیت و حقوق سیاسی خود را به داخل صندوق می‌اندازد و نمایندگی چیزی جز قبولاندن اراده خود به منزله اراده جمع نیست. بر این مبنا، هیچ‌وقت منتخبان، نماینده واقعی رأی‌دهندگان نیستند و در حقیقت رژیم نمایندگی یک توهم حقوقی بیش نیست و اساساً دو طرف قراردادی وجود ندارد که بتوان صحبت از یک قرارداد اجتماعی با مبنای حقوقی به میان آورد. در اغلب موارد، رأی‌دهندگان به تعبیر جیوان سارتوری، نمی‌دانند که چرا و به چه چیزی رأی می‌دهند و معمولاً آرای اکثریت نارسایی از رأی‌دهندگان پیروز می‌شود که در واقع تنها اقلیتی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

از دیگر معایب رژیم نمایندگی آن است که در انتخابات مبتنی بر اکثریت، قوت و شدت عقاید ابراز شده منعکس نمی‌شود. رأی انتخاب‌کننده میانه‌رو و معتدل با رأی انتخاب‌کننده مصمم و انتخاب‌کننده متعهد و مبارز برابر است. عیب دیگر آن‌که گاهی رأی‌دهنده به فرد مرجح خود رأی نمی‌دهد، بلکه علیه کسی که بیشتر از او نفرت دارد، رأی می‌دهد.

### و) تضاد بین اراده همگانی و آزادی‌های فردی

منتقدان دموکراسی معتقدند که یکی از تضادهای اصولی در دموکراسی، تضاد بین اراده همگانی (دموکراسی) و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. اغلب اتفاق می‌افتد که دو مفهوم آزادی و دموکراسی یکی انگاشته شده و بدون توجه به

۱. نظریه‌های دولت، ص ۲۷۰.

معانی حقیقی کاملاً متفاوتشان، به جای هم به کار می‌روند. بعضی از متفکران چون روسو و اغلب سوسیالیست‌ها به پیروی از این فیلسوف فرانسوی، آزادی را تنها در چارچوب دموکراسی واقعی میسر می‌دانند. در حالی که دموکراسی و آزادی از دیدگاه فیلسوفان آزادی‌خواه، دو مفهوم متفاوت و در بعضی موارد احیاناً متضاد است. از نظر هایدک نقطه تلاقی آزادی و دموکراسی این‌جاست که در نظام آزاد همه در برابر قانون برابرند. این برابری خواه ناخواه، به این درخواست دموکراتیک می‌انجامد که همه به تساوی، خواهان مشارکت در ایجاد قوانین باشند. اما مسئله اساسی برای طرف‌داران آزادی عبارت است از محدود کردن قدرت جبری هر حکومتی، چه دموکراتیک چه غیر آن، در حالی که دموکرات‌های جزم‌گرا تنها یک محدودیت برای حکومت قائلند و آن عقیده جاری اکثریت است. هایدک می‌نویسد:

تفاوت بین این دو آرمان (آزادی و دموکراسی) وقتی به وضوح آشکار می‌شود که مفهوم مخالف هر کدام را معین کنیم. مفهوم مخالف دموکراسی عبارت است از حکومت مقتدر (خودرأی) و مفهوم مخالف آزادی، حکومت توتالیتیر است. هیچ‌یک از این دو سیستم ضرورتاً نافی مخالف دیگری نیستند، یعنی دموکراسی می‌تواند دارای قوای توتالیتیر باشد و از سوی دیگر حکومت مقتدر خودرأی را می‌توان تصور نمود که طبق اصول آزادی عمل می‌کند.<sup>۱</sup>

### ز) تعارض روش‌های وصول به دموکراسی با مبانی دموکراسی

منتقدان «روح» و «ماده»، دموکراسی را با یک‌دیگر متعارض و متنافر می‌دانند. مسئله مشروعیت و وسایل مورد استفاده برای رسیدن به هدف‌های مطلوب که در واقع به مسئله حدود مفهوم «قانونیت» باز می‌گردد، از دیرباز موضوع بحث و

۱. «ظهور اندیشه آزادی و پیوند آن با اقتصاد سیاسی»، ص ۱۳.

جدل بوده و این پرسش مطرح می‌شده است که آیا برای وصول به هدف‌های عالی «دموکراتیک» می‌توان وسایلی به کار برد یا راه‌هایی در پیش گرفت که دموکراتیک نباشد.

سن ژوست، می‌گفت: «به دشمنان آزادی، آزادی ندهید.» امروزه نیز هرگونه تبلیغ سیاسی در جوامع غربی از همین اصل سرمشق می‌گیرد. «بسیاری از لیبرال‌ها، آزادی بیان و عقیده را برای هرکسی به رسمیت می‌شناسند، تنها به این شرط که در مورد اصول ایدئولوژیکی معتاد مألوف آنان رد و تردیدی پیش نیاید.»<sup>۱</sup>

امروزه ملاحظه می‌شود که نخبگان در کشورهای لیبرال - دموکراسی، به تناوب از شیوه‌های غیردموکراتیک، آنارشیستی و حتی فاشیستی و عوام‌فریبانه با بهره‌گیری از عناصر مدرن عصر ارتباطات در جهت وصول به حاکمیت، سود می‌جویند. ناگفته نماند که پوپر، فیلسوف پرآوازه لیبرال - دموکراسی نیز با قائل شدن به اباحی‌گری معتقد است که دموکراسی را هرچند با توسل به شیوه‌های زور و خشونت، باید استوار نگاه داشت که این خود اجتماع نقیضین است و جای شکی باقی نمی‌گذارد که مقوله دموکراسی با تناقض‌های بسیاری روبه‌رو بوده و از مسیر اصلی منحرف شده است. وی می‌نویسد:

جامعه باز (دموکراسی) ممکن است نه تنها از جانب جباران و اقلیت‌ها بلکه از سوی اکثریت نیز آسیب ببیند. بنابراین به حق می‌توان در برابر اکثریت‌ها از جامعه باز و نهادهای آزاد دموکراتیک دفاع کرد. چه بسا مردم‌فریبان و مستبدینی که به شیوه‌های خاص خود، اکثریت توده‌های مردم را همراه خویش ساخته و به نام حمایت مردمی، جامعه باز و نهادهای دموکراتیک را از بین برده‌اند؛ البته شرط اصلی جامعه باز، تساهل سیاسی است؛ با این حال تساهل نسبت به گروه‌هایی که ضد تساهل دموکراتیک هستند، به بنیاد

۱. «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ص ۲۸.

جامعه باز آسیب می‌رساند. بنابراین، در صورت لزوم و وجود تهدیدات خطیر، باید دشمنان تساهل و هواداران خشونت را سرکوب کرد.<sup>۱</sup>

### ح) صوری بودن اصل تفکیک قوا در دموکراسی

دموکراسی‌های مدرن مدعی‌اند، اصل تفکیک قوا از اسلوب‌های اساسی است که آزادی و برابری شهروندان را در مقابل هیمنه و قدرت دولت و حکومت حفظ می‌کند؛ سازوکاری که برای جلوگیری از تبدیل حکومت اکثریت به دیکتاتوری و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت در نظر گرفته شده است.

منتقدان دموکراسی بر این ادعایند که اصل تفکیک قوا در عمل، دو معضل را برای دموکراسی‌های غربی پیش آورده است: اول آن‌که تقسیم کامل این سه قوه از یک‌دیگر در عمل امکان‌پذیر نیست و در رژیم‌هایی که سه قوه را از یک‌دیگر کاملاً منفک می‌دانند، اختلالات فراوانی آشکار شده و گاه نظام را فلج و دچار ناکارایی کرده است. هم‌چنین به طریق اولی، ایجاد موازنه کامل بین سه قوه امکان‌پذیر نیست و همیشه قدرت یکی از دو قوه مجریه و مقننه بر دیگری چیره می‌شود. به همین دلیل نیز تفاوت‌هایی بین دموکراسی‌های غربی در کشورهای مختلف به وجود آمده است. بسته به این‌که قوه مقننه بر قوه مجریه چیره شود یا برعکس، رژیم را پارلمانی یا ریاستی می‌نامند که هر یک از آنها نیز معایبی دارد. برای نمونه، بی‌ثباتی حکومتی در رژیم‌های پارلمانی مانند جمهوری سوم فرانسه، کشور را با مشکلاتی روبه‌رو کرد. به همین دلیل در جمهوری پنجم فرانسه، سعی شد که قوه مجریه را از تابعیت قوه مقننه برهانند. در نتیجه بر اقتدار قوه مجریه افزوده شد، به گونه‌ای که قوه مقننه از تجاوزات قوه مجریه، مصون نماند. هم‌چنین اختیار انحلال مجلس یا مراجعه به همه‌پرسی از جمله مواردی است که وضع قوه مقننه را در مقابل قوه مجریه متزلزل می‌سازد.

۱. «اندیشه‌های لیبرال - دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، ص ۱۴.



دوم این که با وجود احزاب سیاسی و مسئله اکثریت، چگونه می‌توان قوای سه‌گانه را که همه در دست حزب حاکم قرار می‌گیرد، از هم منفک دانست. برای مثال، در نظام پارلمانی انگلستان، اصل تفکیک قوا در عمل مدت‌ها بی‌معنا بوده است. البته فقط در سال‌های اخیر به دلیل قدرت گرفتن نسبی احزاب کوچک از یک طرف و افزایش تمردهای حزبی از طرف دیگر، پارلمان می‌تواند حتی بر ضد حزب حاکم نیز وارد عمل گردد.

#### ط) امکان خطا و صلاحیت نداشتن اکثریت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی

به عقیده بعضی، خرده‌ای که نقادان امروز به دموکراسی گرفته‌اند، تنها انتقاد از «قانون اکثریت» است. این که هرکس با رأی برابر در امور دولت شرکت کند، کار درستی به نظر می‌آید. اما همین کار ممکن است خطرناک هم جلوه کند؛ زیرا صلاحیت همه برابر نیست. به بیان ساده‌تر، این درست همان مخمصه‌ای است که تمام دموکراسی‌ها گرفتار آن هستند. نتیجه مستقیم رأی‌گیری، در واقع به منزله تصمیم‌گیری اکثریت است. از این رو، تصور این که مرجعیت و اقتدار (اتوریت) که امری کیفی به شمار می‌آید، بتواند از اکثریت که امری کمی است صادر شود، باور صادقی نیست؛ زیرا این تصور که اکثریت حقیقت را می‌گوید، بلافاصله انتقاد دیگری را پیش می‌آورد؛ کمیت نه تنها کیفیت را نمی‌سازد بلکه اغلب، آن را ضایع می‌کند. در نتیجه، صلاحیت، بصیرت و تدبیر داشتن اکثر مردم در کار سیاست امری تردیدپذیر است و نمی‌توان بر صحت همیشگی آن تأکید کرد و اساساً قاعده اکثریت یکی از تکنیک‌های مختلف برای شناختن آرای مردم به شمار می‌آید. حتی اکثریت مردم و اراده آنان را نمی‌توان امر واحدی شمرد و اصل اکثریت، با مفهوم دموکراسی متعارض است؛ چون خواه‌ناخواه در بسیاری از دموکراسی‌ها، با به کرسی نشستن نظر اکثریت، نظر اقلیت‌ها و حقوق آنها در مشارکت و تصمیم‌گیری سیاسی پای‌مال و یا تحدید و تقلیل می‌شود.

### ی) دموکراسی و امکان بروز استبداد اکثریت

در نقد دموکراسی گفته‌اند که استبداد دموکراتیک توده‌ها و افکار عمومی به همان اندازه استبداد فردی، با آزادی‌های فردی و جمعی تضاد دارد؛ زیرا تن دادن به نظر اکثریت متضمن خطر استبداد بالقوه است. از سوی دیگر دموکراسی، اندیشه «قدرت مطلقه» را دور نمی‌اندازد، فقط این نظریه را نمی‌پذیرد که قدرت وجه امتیاز یک نفر باشد. دموکراسی هم‌چنین «قانون حاکمیت قوی‌تر» را منکر نمی‌شود؛ زیرا «اصل اکثریت» نوعی قانون است که حق را به طرف نیرومندتر می‌دهد. بنابراین، علت پیروی افراد از «اکثریت» الزاماً این نیست که اکثریت حق دارد و حقیقت را معرفی می‌کند، بلکه به این علت است که اکثریت زور بیشتری دارد. بدین ترتیب، دموکراسی نیز از استبدادگرایی مصون نیست. یکی از راه‌های علاج این ایراد آن است که هواداران دموکراسی بر «اکثریت مؤثر» و نه «اکثریت عددی یا کمی» معتقدند. اکثریت مؤثر شامل کسانی است که در خصوص غایات حکومت، آگاهی کامل و وحدت نظر دارند و یا اکثریت «جامعه سیاسی» را تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup>

### ک) خطر فریب افکار و آرای عموم و نفوذپذیری آن

این که رأی مردم در نظام دموکراسی تا چه حد تعیین کننده اصلی در عرصه‌های سیاست است، جای جدل‌های فراوانی را باز می‌گذارد. رأی مردم و نتیجه انتخابات تا چه اندازه منعکس کننده اراده واقعی مردم است؟ تبلیغات و در امان نبودن رأی‌دهندگان از خطر فریب و نفوذ، عضویت در ماشین‌های بزرگ سیاسی - اصطلاحی که ماکس وبر در مورد احزاب سیاسی به کار می‌برد - و حق انتخاب محدود بین چند حزب، تا چه حد به فرد امکان می‌دهد خواست واقعی خود را از طریق رأی منعکس کند؟ به این سؤال هنوز پاسخ قطعی داده نشده است.

۱. برای مطالعه بیشتر نک: «نسل قدیم لیبرال - دموکرات‌های قرن بیستم»، ص ۲۹، ۳۱ و ۳۲.

علاوه بر آن، امروزه مسئله خودداری قشر بزرگی از شهروندان از شرکت در انتخابات نیز مطرح می‌شود.

### ل) دموکراسی نخبه‌گرا مانعی بر سر راه مشارکت واقعی مردم

وجود الیت‌های (نخبگان) سازمان‌یافته و نیرومند در دموکراسی‌های امروز، موانعی بر سر راه مشارکت واقعی عمومی در زندگی سیاسی به وجود آورده است تا جایی که برخی از نظریه‌پردازان معاصر همانند رابرت دال، دموکراسی را اصولاً چیزی بیش از تعدد و رقابت نخبگان به شمار نمی‌آورند. از دید وی «دیکتاتوری» حکومت یک اقلیت و دموکراسی یا «پولیارشی»، حکومت چند اقلیت است.<sup>۱</sup>

ربرت میخلز نیز با نظریه قانون «الیگارشی آهنین» به توصیف حکومت‌ها و از جمله نظام دموکراسی نخبه‌گرا پرداخته و جوامع را محکوم به قبول حکومت «اقلیت متنفذ» دانسته است. نظارت الیت‌ها بر تصمیم‌گیری سیاسی در دموکراسی معاصر، مانع از توسعه برابری اجتماعی و اقتصادی نیز شده است. بدین‌سان، مفهوم قدیم دموکراسی اکثریتی، جای خود را به دموکراسی الیستی داده است. در دموکراسی نخبگان، آزادی فردی و حکومت اکثریت و برابری به منزله درون‌مایه دموکراسی کلاسیک، جای خود را به دموکراسی به منزله روش و شیوه‌ای برای تشکیل رهبری سیاسی می‌دهد. پلورالیست‌های معاصر، دموکراسی را در عمل چیزی بیش از فعالیت و رقابت چندین الیت نمی‌دانند. آنان نظر دموکرات‌های رادیکالی چون ژان ژاک روسو را در این مورد که «صدای مردم صدای خداست» و «اقلیت همیشه اشتباه می‌کند»، ایده‌آلیستی می‌شمارند.

از دیدگاه دموکراسی نخبه‌گرای امروزی، دموکراسی نه حکومت اکثریت و توده‌ها بلکه حداکثر وسیله‌ای برای مشورت با اکثریت و حفظ منافع

۱. جامعه‌شناسی، ص ۷۶.

اقلیت‌هاست. فهم مردم برای رسیدگی به امور پیچیده کافی نیست؛ نقش آنان تنها باید رضایت دادن باشد نه حکومت کردن. دموکراسی از این دیدگاه وقتی تحقق می‌یابد که حکومت از خواست‌ها و تقاضاهای مستقیم توده‌های مردم مصون باشد. بدین سان، نظریه‌پردازی درباره دموکراسی در قرن بیستم گرایش «ضد اکثریتی» پیدا کرد.

### م) نشانه‌های بحران و انحطاط دموکراسی لیبرال در قرن بیستم

در سال‌های دهه شصت میلادی، کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله اغلب کشورهای اروپای غربی وارد مرحله‌ای از پیشرفت شدند که از دید هواداران لیبرال - دموکراسی، دوران سعادت و رفاه اقتصادی و از نظر سیاسی دوران حکومت عقل، مدیریت، تخصص و پایان گرفتن تنش‌های سیاسی - اجتماعی و از دید منتقدان لیبرال - دموکراتیک، دوران اسارت و از خودبیگانگی انسان و در نتیجه بی‌اعتنایی انسان‌ها به مسائل سیاسی و امور عمومی و از بین رفتن مشارکت آگاهانه و بالتبع پوچی و زوال درونی این نظام‌ها بود.

امروزه در نظام‌های لیبرال - دموکراسی، مشارکت افراد در امور سیاسی، ضعیف و محدود و یا بی‌محتوا و صوری و با بی‌اعتنایی توده‌ها همراه شده است. روند «ذره‌ای شدن»<sup>۱</sup> جوامع صنعتی و تنهایی انسان، نتیجه منطقی ایدئولوژی‌زدایی، رفاه و دیوان‌سالاری و سکولاریسم افراطی این نظام است.

امروزه لیبرال - دموکراسی، علاوه بر برکناری سیاسی توده‌ها، با کاهش قدرت پارلمان، تبدیل احزاب به بنگاه‌های تجاری، کاهش نقش اپوزیسیون و بسترسازی مناسب برای ظهور توتالیتریسم روبه‌روست و بی‌دلیل نیست که عده‌ای از «فروپاشی الگوی اجتماعی دموکراتیک»<sup>۲</sup> سخن می‌گویند.

1. Atomisation.

۲. «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، ص ۷.

از سوی دیگر، اعتقاد به نسبت اخلاق و انسان‌مداری، به وضعیت بحران‌های لیبرال - دموکراسی دامن زده است، به قولی:

آن‌گاه که مردم باور خود را نسبت به اصول اخلاقی از دست بدهند یا به گفته سورکین وقتی تمدن‌ها از پویایی فرهنگی بازمانند، دوران تباهی فرارسد... . لذا زوال دموکراسی و کاهش اعتبار دموکراسی غربی، موضوعی نیست که منحصر به کشوری خاص باشد. امروزه، هم اصول دموکراسی لیبرال مورد تردید قرار گرفته و هم مشارکت مردم که یا دچار بی‌علاقگی می‌شوند یا تحت تأثیر عوامل غیرسیاسی مانند فوتبال، تبلیغات سینما و غیره، چهره‌های عمومی را بر چهره‌ها و نیروهای سیاسی ترجیح می‌دهند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که ارزش اعتماد، سرمایه گران‌بهای اجتماعی و اقتصادی در جوامع غربی لیبرال، رو به کاهش است؛ در حالی که بسیاری از متخصصان غربی در صدد احیای این ارزش در جوامع خود هستند.

فرانسیس فوکویاما شارح نظریه خوش‌بینانه «پایان تاریخ»، از جمله صاحب‌نظران در این زمینه است که در کتاب خود به نام *اعتماد*، به تشریح ضرورت وجود «اعتماد» در لیبرال - دموکراسی غربی می‌پردازد. وی در واقع احیای ارزشی را دنبال می‌کند که سال‌ها پیش از جامعه غربی رخت بر بسته است. گفتنی است که فوکویاما «بحران اعتماد» و کتاب با این عنوان را پس از ارائه نظریه و کتاب *پایان تاریخ و واپسین انسان* می‌نگارد. نظریه پایان تاریخ، لیبرال - دموکراسی را شکل نهایی و حکومت پیروز در جوامع بشری و نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشر و پایان تاریخ می‌داند! اما نگاه نویسنده در کتاب *اعتماد*، درون‌گرایانه و همراه با آسیب‌شناسی و هشدار است. ارزیابی‌های فوکویاما از جوامع غربی، بی‌تردید برای جهان سوم که به نسخه‌برداری کورکورانه از

۱. «واکنش‌های سیاسی و نشانه‌های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، ص ۳۵.

الگوهای غربی در شتابند، اهمیت دارد. وی ضمن تأکید بر مبانی فرهنگی، بر ضرورت ارتقای روح کار جمعی، وجدان کاری، سطح اعتماد و روحیه مردم‌آمیزی خودجوش در جوامع لیبرال - دموکراسی به‌ویژه امریکا، پای فشرده و این موارد را رمز موفقیت‌های پایدار در جوامع بحران‌زده مزبور دانسته است.<sup>۱</sup>

### مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌ساز دین‌سالاری سپهری مهدوی

مطالب پیش‌گفته بسیاری از ضعف‌ها و تعارض‌های نظری و عملی لیبرال - دموکراسی را عیان ساخت؛ گرچه به هیچ وجه نیز منکر پاره‌ای از شایستگی‌های آن نیست. هواداران دموکراسی نیز به این معایب معترفند، ولی ادعا می‌کنند که اگرچه دموکراسی‌های غربی با تئوری دموکراسی محض فاصله بسیار دارند، دست‌کم به اهدافی که توده‌های مردم در طول تاریخ در نظر داشته‌اند و به جامعه‌ای که انسان‌ها از نظر مادی و در آرزوی رسیدن به آن بوده‌اند، نزدیک‌تر هستند.

حتی اگر با خوش‌بینی این ادعا پذیرفته شود، به هیچ وجه نمی‌توان الگوی بحران‌زده دموکراسی و تمامیت آن را الگوی نهایی و برترین نظام سیاسی به شمار آورد و آن را برای تمام نظام‌ها توصیه کرد و به گفته دوبنوا:

اگر دموکراسی به معنای غربی آن، ریشه در تاریخ و تشکیلات و نهادهای سیاسی اروپا دارد و اگر دموکراسی لیبرال با اخلاق یهودی و مسیحی و نیز با فلسفه روشن‌گری اروپا در قرن هیجدهم عمیقاً مربوط است، پیاده کردن چنین نظامی در کشورهای جهان سوم را چگونه باید توجیه کرد؟<sup>۲</sup>

این نظام که مبتنی بر مفهومی آشفته است و به تعبیر کارل کوهن، از مدافعان

۱. برای اطلاع بیشتر نک: «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه‌های فوکویاما»، ص ۱۳.

۲. «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ص ۳۰.

دموکراسی، «در نتیجه بی‌بند و باری لفظی، آشفتگی فکری، و حتی اندکی فریب‌کاری عمدی، اصطلاح دموکراسی تا حد زیادی معنای خود را از دست داده است. این اصطلاح که در جهان سیاست تقریباً به هر چیزی اطلاق می‌شود، به جایی رسیده است که دیگر تقریباً هیچ معنایی ندارد.»<sup>۱</sup> کوهن، چاره معایب دموکراسی را نه در خوش‌بینی و نه در بدبینی بدان می‌بیند بلکه به تلاش برای بهبود و رفع معایب آن معتقد است.<sup>۲</sup>

از سویی، در واقع الگوی نظام دموکراسی لیبرال را نمی‌توان برای تمامی جوامع و نظام‌های سیاسی تجویز کرد و این مدل، با رفع نقایص اساسی خویش، باید ویژگی‌های بومی، مذهبی و فرهنگی این جوامع را به دست آورد. ظهور آموزه و نظام مردم‌سالاری دینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در حقیقت یکی از اشکال نقادی، بومی و دینی شده دموکراسی غرب در کشور ما و جهان اسلامی است. در حقیقت با تدوین نظری و نضج عملی این آموزه، دموکراسی غرب با چالشی جدید مواجه گشته و در صورت توفیق و تحقق روزافزون مردم‌سالاری دینی، این چالش‌ها افزایش و قوت چشم‌گیرتری خواهند یافت.

شیوه‌ها و راه‌های مختلفی برای بحث از مردم‌سالاری دینی وجود دارد؛ برای مثال می‌توان در دین سیاسی و عملی امام علی علیه السلام و آرمان‌های حکومت علوی به تجسم عینی و مصادیق برجسته مردم‌سالاری دینی دست یافت؛<sup>۳</sup> هم‌چنان‌که می‌توان آیات و روایات متعدد در این زمینه‌ها را بررسی کرد و یا به تجربه مزبور در کشورهای اسلامی پرداخت. راه دیگر و طریق مختار این نوشتار، این است که با نقد دموکراسی لیبرال و ارزیابی الگوی مردم‌سالاری دینی و با عنایت به منابع

۱. دموکراسی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۴۱۷.

۳. برای نمونه نک: «آرمان‌های حکومت در نهج البلاغه»، ص ۱۲۹-۱۴۸.

اصیل اسلامی، الگوی دین‌سالاری سپهری مهدوی را تا جای ممکن ترسیم کرد. گفتنی است بحث امکان یا امتناع تحقق دموکراسی در جوامع دینی از دیرباز و حتی در یکی دو سده اخیر همواره مطرح بوده و متفکران بسیاری در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ از جمله برخی از روشن‌فکران مذهبی و روحانیان موافق با دموکراسی دین‌سالارانه، با روی‌کردی درون‌دینی در این چند محور، برای وفاق اسلام و دموکراسی تلاش داشته‌اند:

الف) سازگاری و بدیل‌یابی نهادها و کنش‌های دموکراتیک موجود فعلی با نهادهای مدنی صدر اسلام همانند شورا، بیعت و...؛

ب) انطباق فلسفه سیاسی دموکراسی با فلسفه سیاسی حکومت در اسلام؛

ج) مشروط و محدود کردن دموکراسی غربی و تلقی آن به مثابه زیرمجموعه‌ای از دین اسلام و مندرج در آن؛

د) پذیرفتن دموکراسی به مثابه نوعی روش حکومت در اسلام؛

ه) تأویل مجدد مفاهیم دموکراتیک در سنت اجتهادی و تحلیل زبانی اسلام. از شارحان برجسته این نظریات، از اهل سنت می‌توان به کواکبی، عبده، حسن البناء و در میان شیعیان به علامه نائینی رحمته‌الله اشاره کرد. در حالی که اشخاصی مانند ابوالاعلی مودودی و منیرالحسینی به شدت با هرگونه چارچوب نظری تبیین دموکراتیک حکومت دینی مخالفت ورزیده‌اند.

امام خمینی رحمته‌الله نیز در باب دموکراسی غربی و نوع اسلامی آن، آرا و اندیشه‌های مبسوطی ارائه کرده‌اند. ایشان با فراست کامل به ابهام، تغییر و تلون مفهوم و رژیم دموکراسی معتقد بوده‌اند و با لحاظ برتری و وضوح اسلام و حکومت اسلامی نسبت به این نحله فکری و شکل حکومتی، نوع غربی آن را نفی کرده‌اند. به باور امام رحمته‌الله، پدیده دموکراسی و آزادی‌های غربی، پدیده‌ای مصنوع، دست‌ساز، سیال و در جهت منافع غربی‌هاست که همواره و فریب‌کارانه این واژگان را به نفع خود



تأویل و تفسیر می‌کنند و بدین ترتیب، ایشان هم منتقد اصل و اساس دموکراسی غربی بوده‌اند و هم رژیم‌های دموکراتیک غربی را از واقعیت دموکراسی اصیل بیگانه می‌شمرده‌اند و آنها را با آرمان‌های مورد ادعای فلسفه دموکراسی منطبق نمی‌دانسته‌اند. باور امام علیه السلام بر مبنای تحقق دموکراسی اصیل در جامعه دینی است و بارها ایشان برتری حکومت اسلامی را بر دموکراسی یادآور شده و آن را دموکراسی درست و حقیقی خوانده‌اند و بر جامعیت و کمال حکومت اسلامی پای فشرده‌اند.<sup>۱</sup>

اما در مقایسه لیبرال - دموکراسی با مردم‌سالاری دینی، باید گفت که دموکراسی در بهترین شکل و کارآمدترین صورت، تنها تأمین‌کننده مصالح مادی مردم است؛ در حالی که حکومت اسلامی علاوه بر این، وظیفه اصلی خود را انسان‌سازی و بازسازی و ارتقای امور معنوی مردم به شمار می‌آورد و اصلی‌ترین ممیزه آن با لیبرال - دموکراسی، این است که خدامداری را جای‌گزین فردگرایی و انسان‌محوری می‌کند تا جایی که حتی عده‌ای از متفکران معاصر اسلامی، ترجیح داده‌اند به جای کلمه مردم‌سالاری دینی، از واژه‌هایی مانند «دین‌سالاری مردمی»<sup>۲</sup> و یا «دموکراسی قدسی»<sup>۳</sup> استفاده کنند. هم‌چنین اصل نسبت اخلاقی و ارزشی و آزادی‌های منفی‌گونه دموکراسی غربی در اندیشه حکومت اسلامی جایی ندارد و مردود است و آزادی تنها در محدوده‌های اسلامی پذیرفته می‌شود. در مردم‌سالاری دینی، اصالت فرد و فردگرایی افراطی لیبرال - دموکراسی نفی می‌شود؛ گرچه اعتقاد به ارزش والای فرد و حقوق و آزادی‌های فردی مانند حق مالکیت، تأمین جانی و مالی از جایگاه عالی‌ای در این نحله برخوردار است. در مردم‌سالاری دینی، در کنار احترام به حقوق فرد، جمع اصالت داشته و این باور

۱. برای اطلاع بیشتر نک: «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، ص ۷۲-۹۱.

۲. نک: «مردم‌سالاری دینی یا دین‌سالاری مردمی؟»، ص ۲-۶.

۳. نک: دموکراسی قدسی.

وجود دارد که فرد همیشه به تشخیص عقلانی مصالح خود قادر نیست و انزال شرایع الهی و پیامبران، در حقیقت برای مساعدت انسان‌ها و جوامع صورت گرفته است تا در انتخاب راه درست و مشی در آن، یاری‌گر افراد باشند. مردم‌سالاری دینی علاوه بر رد تساهل و رواداری افراطی لیبرال - دموکراسی، با اعتقاد به خاتمیت و جامعیت و علو اسلام نسبت به تمام ادیان، افراد را در انتخاب آزادانه عقاید در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، صاحب اختیار دانسته و معتقد است که دولت نباید تفتیش و بازخواست عقیدتی اعمال کند.

مردم‌سالاری دینی، حکومت مشروع را تنها بر اصل «رضایت» و قرارداد اجتماعی مبتنی نمی‌داند، بلکه وجه اصلی مشروعیت را به واسطه الهی بودن حکومت، در مقبولیت شرعی آن می‌داند و آن‌گاه رضایت مردم را در قالب شریعت و محدوده آن می‌پذیرد و فعلیت حکومت را حاصل مطاوعت و همراهی مردم به شمار می‌آورد. بدین ترتیب، برخلاف دموکراسی، اراده الهی منشأ قدرت و قانون و حاکمیت بوده، سپس در این چارچوب، بر اراده مردم مبتنی است.

سکولاریسم در مردم‌سالاری دینی، به معنای «عرفی‌شدن» و «دنیاپرستی» و یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آن‌چه غیر آن است - از جمله مذهب - جایی ندارد. هم‌چنان‌که لیبرالیسم اقتصادی، به معنای آزادی مطلق افراد در فعالیت اقتصادی و نفی کامل کنترل سیاسی و دخالت دولت در اقتصاد را نفی می‌کند و در کنار احترام به مالکیت‌های خصوصی، مداخله دولت در پاره‌ای از امور اقتصادی را برای جلوگیری از ایجاد شکاف‌های طبقاتی و شکل‌گیری انحصارات، لازم می‌شمارد.

مردم‌سالاری دینی علاوه بر اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، بر این باور است که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق و همواره موافق و مقارن با حق

و حقیقت نیست و با احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ‌گاه، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی‌دارد و مصالح جمعی را در قالب چارچوب‌های اسلامی، بر خواست و مصالح فردی مقدم می‌کند. با وجود این اختلاف‌های اساسی که بین مردم‌سالاری دینی و دموکراسی لیبرال وجود دارد، می‌توان مشابهت‌هایی نیز بین آنها ترسیم کرد. برای نمونه، میان مردم‌سالاری دینی و لیبرالیسم که مهم‌ترین منبع فکری، فلسفی و نظری نظام‌های دموکراتیک است، می‌توان به موارد مشابهی مانند نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. دفاع از دولت مشروط و مقید به قانون، آزادی و حقوق مدنی به ویژه مالکیت خصوصی، و بیزاری از قدرت خودسرانه و استبدادی اعم از طبقاتی، توده‌ای، مذهبی، حزبی و کوشش برای به وجود آوردن شکل‌های دیگری از کاربست قدرت اجتماعی و تحدید و مشروط کردن حکومت به خدمت در جهت مصالح عموم مردم و رعایت قانون؛
۲. تفکیک حوزه‌های دولت و جامعه، تحدید و کنترل قدرت دولتی در مقابل حقوق فرد و جامعه و تأکید بر چندگانگی مراکز قدرت؛
۳. محدود و مشخص کردن حدود دخالت دولت در زندگی خصوصی و مدنی به قیود نیرومند و اجرایی و تأکید بر مداخله نکردن دولت در امور خصوصی؛
۴. بیان آزادانه عقاید شخصی و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و حق انتخاب برابر و آزاد؛
۵. حمایت از تمرکززدایی و پیشتیبانی از آزادی‌های محلی، گروهی و خودگردانی بومی؛
۶. برابر انگاشتن همه مردم در بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات موجود؛
۷. حمایت از نظام نمایندگی و پارلماناریسم، انتخابی شدن مناصب و تأکید بر

- تفکیک قوا به منزله یکی از ابزارهای کنترل قوا و نظارت بر سه قوه؛
۸. عدالت اجتماعی بر مبنای لحاظ شایستگی افراد.
- هم‌چنین به نظر می‌رسد برخی از مشابهاات مردم‌سالاری دینی و دموکراسی‌های غربی بدین قرار باشد:
۱. مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...؛
  ۲. آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت بر آن؛
  ۳. ضرورت حکومت قانون و تعدد گروه‌های قدرت؛
  ۴. وجود سازوکارهای مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی؛
  ۵. قوت جامعه مدنی و خودجوشی و تکثر آن؛
  ۶. محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی؛
  ۷. تکثر و تعدد گروه‌ها و منافع و ارزش‌های اجتماعی؛
  ۸. امکان تبدیل اقلیت‌های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظارت گروهی؛
  ۹. امکان بحث و گفت‌وگوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره تمام مسائل اجتماعی؛
  ۱۰. برابری سیاسی گروه‌های اجتماعی از لحاظ دست‌رس به قدرت؛
  ۱۱. استقلال قوه قضائیه در جهت تأمین و تضمین آزادی‌های مدنی افراد و گروه‌ها؛
  ۱۲. تفکیک قوا یا استقلال حداقلی سه قوه از یک‌دیگر؛
  ۱۳. امکان ابراز مخالفت سازمان‌یافته در نظام و امکان وجود «اپوزیسیون قانونی».

## دین‌سالاری سپهری مهدوی

در این نوشتار به طور اجمالی، برتری الگوی دین‌سالاری سپهری مهدوی در برابر الگوی لیبرال - دموکراسی با ذکر دلایل و پاره‌ای استنادات روایی تبیین می‌شود، اما این نکته نیز اهمیت دارد که چون دین‌سالاری مهدوی، آخرین مرحله تکاملی الگوی مردم‌سالاری دینی است، در مبحث بعدی به برخی آفات محتمل مردم‌سالاری دینی اشاره می‌شود.

### الف) فقدان آفات مردم‌سالاری دینی در دین‌سالاری سپهری مهدوی

مردم‌سالاری دینی در برخی موضوعات و حوزه‌های محتمل ذیل، امکان دارد با چالش و خطر روبه‌رو شود و به عبارتی آفت‌ها و خطرهایی در کمین آن باشد که بدیهی است این آفات و مخاطره‌ها، در الگوی دین‌سالاری مهدوی جای نخواهد داشت:

۱. نبود تنویر لازم ماهیت و مبانی دموکراسی دینی؛
۲. امکان صوری شدن اصل برابری؛
۳. رفع نکردن ایرادات بر رژیم نمایندگی؛
۴. تعارض‌یابی روش‌های وصول به مردم‌سالاری دینی با مبانی آن؛
۵. امکان صوری شدن اصل تفکیک قوا؛
۶. تبیین نکردن دقیق حقوق متعامل دولت و مردم؛
۷. حاکمیت یافتن مردم‌سالاری نخبه‌گرا به مثابه مانعی بر سر مشارکت واقعی مردم؛
۸. تحقق الیگارشسی آهنین به واسطه احزاب و تبدیل احزاب به بنگاه‌های تجاری و ماشین‌های جمع‌آوری رأی در موسم انتخابات؛
۹. کم‌رنگ شدن و تضعیف نقش اپوزیسیون قانونی؛
۱۰. ضعیف، محدود، بی‌محتوا و صوری شدن مشارکت سیاسی؛

۱۱. افزایش بی‌اعتنایی سیاسی، انفعال و از خود بیگانگی و «تمیزه شدن» اجتماعی افراد در اثر عواملی مانند ماشینیسم، افزایش مجادلات و درگیری‌های بی‌حاصل جناح‌های سیاسی حاکم؛
۱۲. کاهش قدرت پارلمان به منزله یکی از مظاهر اساسی مردم‌سالاری دینی؛
۱۳. خطر فریب افکار عمومی و نفوذپذیری آن به واسطه عوامل مخمل داخلی و خارجی؛
۱۴. تضعیف بنیادها و مبانی دینی حکومت اسلامی و رواج مذهب‌زدایی، اباحه‌گری، لائیسزم و سکولاریسم در سطح نخبگان و خواص و آحاد اجتماع.

#### ب) شاخصه‌های برتری دین‌سالاری سپهری مهدوی

##### ۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام‌های بشری

بی‌شک حکومت دین‌سالاری مهدوی که نه تنها مردمی و جهانی است بلکه کل سپهر آفرینش را به منزله «امری جدید» در برخواهد گرفت، سرآمد همه مکتب‌ها و نظام‌های فکری و سیاسی جهانی و مرحله فرجامین و بهینه‌ترین آنها خواهد بود؛ زیرا هراس، ناامنی و بی‌عدالتی گسترده قبل از ظهور، نشان از ناکارآمدی و به بن‌بست رسیدن تمام نظام‌های بشری دارد و لیبرال — دموکراسی نیز از این شمول مستثنا نیست. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی علیه السلام] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.

در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد. با پستان‌هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد، به سوی شما می‌آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن

هیچ شناختی نیست، زمام‌داری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و عمّال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند.<sup>۱</sup>

هم‌چنین پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ پرسشی درباره هنگام قیام قائم، فرمود:

زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد.<sup>۲</sup>

در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

یهدم ما قبله کما صنع رسول الله ﷺ و یستأنف الإسلام جدیداً؛<sup>۳</sup>

گذشته را ویران می‌سازد همان‌طوری که پیامبر ﷺ چنین کرد و اسلام را از نو آغاز می‌کند.<sup>۴</sup>

هم‌چنین امام باقر علیه السلام ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر ﷺ در ابطال احکام جاهلیت، می‌فرماید:

... هم‌چنین است قائم وقتی قیام می‌کند، احکامی را که در ایام مصلحه با کفار در دست خلائق بوده، باطل می‌گرداند و با عدالت در میان خلائق رفتار می‌کند.

بدین‌گونه، دین‌سالاری مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید

۱. نهج البلاغه، ص ۱۹۰، خطبه ۱۳۸.

۲. «سئل عن النبی ﷺ متى یقوم قائمکم، قال ﷺ إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶)

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ص ۲۳۱، روایت سیزدهم.

۴. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الإرشاد، ص ۳۶۴)

آن برحسب مقتضیات جدید معطوف بوده و بدیهی است چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف خواهد انجامید. هم‌چنین ایشان درباره سرآمدی دولت مهدوی بر تمام نظام‌ها می‌فرماید:

إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدَّوَلِ وَ لَمْ يَبْقِ أَهْلِيَّةٌ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَثُمَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>

دولت ما آخرین دولت‌هاست و هیچ خاندانی که صاحب دولتند، نمی‌ماند، مگر این‌که پیش از حکومت ما به قدرت می‌رسند تا وقتی شیوه ما را دیدند نگویند ما نیز اگر به قدرت می‌رسیدیم مانند اینان رفتار می‌کردیم و این همان سخن خدای تعالی است که می‌فرماید: «و عاقبت برای پرهیزکاران است.»

## ۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست

نهی نظریه سکولاریسم و جداسازی حکومت از دین، از مبانی نظری حکومت جهانی مهدوی است که از مبانی اصلی لیبرال - دموکراسی نیز به شمار می‌آید. از آن‌جا که حکومت جهانی مهدوی حکومتی الهی است، نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن را خداپرستی شکل می‌دهد. از این رو، سیاست، ابزار در خدمت اهداف دینی است و فضیلت‌گرایی در اوج خود خواهد بود. اساساً سیاست و حکومت، در حکومت عدل مهدوی، ابزار اجرا و تحقق دیانت و شریعت هستند و گرنه ارزش ذاتی ندارند. هم‌چنان‌که دین و شریعت ملاک اصلی عدالت و تعیین جایگاه و محل بایسته قرارگیری هر چیزی در جامعه اسلامی است، زنده کردن حق، دین، و شریعت و میراندن باطل، ملاک استیفای حقوق به شمار می‌آید. حکومت عدل مهدوی، در حقیقت نسخه و ادامه حکومت علوی است.

۱. محمد صدر، تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۸۲.



برای فهمیدن رابطه دین و سیاست در حکومت مهدوی باید به بیان علی علیه السلام نگاه کرد؛ آنجا که در *نهج البلاغه*، هدف خود را از پذیرش حکومت با جمله «لنرد المعالم من دینک و نظهر الإصلاح فی بلادک، فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطلة من حدودک»<sup>۱</sup> بیان می‌فرماید. امام علیه السلام با تضرع به خدا عرض می‌کند که هدفش از قبول حکومت، عشق به قدرت و دست‌یابی به فزونی متاع دنیا نیست؛ تنها بدان منظور است که نشانه‌های دین خدا را به جایی که بوده، بازگرداند و اصلاح را در شهرهای او ظاهر کند تا بندگان ستم‌دیده خداوند در امان باشند و حدود ضایع شده الهی اقامه شود.

بنابراین، در حکومت امام عصر علیه السلام وحدت اساسی میان دین و سیاست برقرار است و سیاست و حکومت، وسیله و ابزار اجرای منویات دیانت شریف اسلام به شمار می‌آید و اوامر حکومت حضرت، قدسی بوده، اطاعت از آنها مأجور درگاه الهی و سرپیچی از آن گناه و مستوجب عقاب است. این ویژگی در هیچ مکتب و نظام سیاسی در این مرتبه دیده نمی‌شود. در همین زمینه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام قائم أهل البيت قسم بالسوية و عدل في الرعية فمن أطاعه فقد أطاع الله  
و من عصاه فقد عصى الله؛<sup>۲</sup>

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت‌المال را] با مساوات تقسیم می‌کند و به شهروندان عدل می‌ورزد. پس هرکس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او مانند سرکشی و گناه نسبت به خداست.

در حکومت دین‌سالار مهدوی برخلاف لیبرال - دموکراسی و بسیاری دیگر از نظام‌های غربی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنابه روایات، با از بین رفتن زمینه‌های بسیاری از گناهان، دروازه‌های برکت بر عالمیان گشوده خواهد

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۳۱.

۲. *بحار الأنوار*؛ ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم؛ همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳.

شد. امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مهدی علیه السلام فرماندهان (فرمان‌داران) را به شهرها می‌فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند؛ گوسفند با گرگ یک‌جا خواهند بود؛ بچه‌ها با عقرب و مار بازی می‌کنند؛ بدون آزار و اذیت... بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند؛ رونق کشاورزی بی‌اندازه می‌شود؛ زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی‌بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می‌آورند؛ نماز جماعت رونق می‌گیرد؛ عمرها طولانی می‌شود؛ امانات ادا می‌شود؛ درختان پرمیوه می‌شوند؛ برکات فراوان می‌گردد؛ اشرار نابود می‌شوند؛ اختیار باقی می‌مانند؛ دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمی‌مانند.<sup>۱</sup>

### ۳. جهان‌گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی

#### در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام<sup>۲</sup>

دین اسلام، پس از ظهور آن حضرت، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود؛ چنان‌که دین و سیاست نیز از هم تفکیک‌ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت، در خدمت دین و اهداف متعالی آن است؛ در حالی که در لیبرال - دموکراسی، اعتقاد به نسبییت اخلاقی و ارزشی، اعمال اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان، جزء ادعاهای اصلی به شمار می‌آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در مقابل دیانت و مذهب، خنثا بوده و از منظر آنها حمایت و جانب‌داری از یک مذهب، به معنای مداخله در آزادی‌های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید است. در حالی که سکولاریسم یا عرفی‌شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه مکتب لیبرال - دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ‌گونه مجامله و تعارفی، اسلام آیین مطلق و برتر و

۱. منتخب الأثر، ص ۵۹۳. (به نقل از: کشف‌الأسرار)

۲. برخی آیات که تفاسیر آنها بر جهانی‌بودن اسلام و نهضت مهدوی دلالت دارد عبارتند از: سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره قصص، آیه ۵؛ سوره نور، آیه ۵۵؛ سوره حج، آیه ۴۱.

متعالی به جهانیان معرفی می‌گردد و آنان نیز پس از شناسایی، اسلام را می‌پذیرند؛ هم‌چنان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

فرمان‌روایی او شرق و غرب عالم را در برمی‌گیرد. خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند و در زمین خرابه‌ای باقی نمی‌ماند و همگی آباد می‌شود.<sup>۱</sup>

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می‌کند که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه *﴿وَكُلُّ أُمَّلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾*<sup>۲</sup> فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی‌ماند مگر این‌که کلمه طیبه لاله‌الاله، محمد رسول‌الله در آن‌جا به آواز بلند گفته می‌شود.<sup>۳</sup>

خداوند نیز در شب معراج به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو، زمین خود را با تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خود آباد می‌سازم و زمین را از دشمنان پاک می‌سازم و دوستان خود را وارث آن می‌گردانم.<sup>۴</sup>

دین‌سالاری مهدوی، بر مبنای این روایات و توضیحات، دولتی جهانی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام از سوی همه مردم جهان و عالم‌گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. از این رو، گستره توسعه سیاسی نیز به مرزهای ملی محدود نبوده، بلکه انسان‌ها دغدغه‌های مشترکی خواهند داشت و در سختی‌ها و ناملایمات، هم‌پیکر و در کنار هم خواهند بود. زندگی سیاسی، دیگر نه معطوف به کسب منافع گروهی یا نژادی و

۱. امالی، ص ۲۳۱.

۲. «هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل‌عمران، آیه ۸۳)

۳. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۴. منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

حتی ملی، بلکه در جهت سعادت بشر و صلاح و اصلاح همه انسان‌ها خواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی خواهد بود؛ در حالی که در لیبرال - دموکراسی، قراردادها، قوانین موضوعه، تمایلات بشری، الحاد و حاکمیت سکولاریسم محور و مبانی اصلی است و عنان این مکتب و نظام سیاسی در کف بی‌کفایت سرمایه‌داری استیلاطلب قرار دارد.

#### ۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت

حضرت مهدی علیه السلام که مظهر انسان کامل است، در دین‌سالاری سپهری، عالی‌ترین و عادلانه‌ترین نوع مدیریت را عرضه می‌کند. برای پیشرفت‌ها در عصر ظهور، عواملی باید تحقق یابد؛ وجود رهبری معصوم، پاک و منزله از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی‌جا، شهوت، کبر، غرور و خودخواهی) یکی از آنهاست. او فقط به خدا وابستگی دارد و برخلاف نظام‌های سیاسی ملیت و سلطه‌طلب موجود، به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام، نژادها و ملیت‌ها نمی‌گذارد. بدین ترتیب، دین‌سالاری سپهری مهدوی در تمام جهات با حکومت‌های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ همانندی‌ای با حکومت‌های موجود در عالم ندارد؛ نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص بوده، متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم از اهداف آن به شمار می‌آید. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستوره‌های الهی است. اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی

باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که در آن، کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش‌بینی کرده و در حدود وظیفه تشریح، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است. اساساً حفظ انسانی کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه‌داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا انسان‌های عادی عهده‌دار تشکیل چنان حکومتی نخواهند بود.<sup>۱</sup>

بدین لحاظ برخلاف لیبرال - دموکراسی که با عقل‌گرایی افراطی همه چیز را صرفاً به انسان و عقلانیت مادی وی واگذار می‌کند، در جامعه مهدوی، رهبری آسمانی نقش اساسی ایفا می‌کند و مهربانانه‌تر از اولیای انسان‌ها، هدایت کشتی طوفان زده بشری را بر عهده خواهد گرفت؛ هم‌چنان‌که در روایات آمده: «وَأَشْفَقَ عَلَیْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛ مهدی موعود از پدران و مادران بر امت خود مهربان‌تر است»؛ انسان کامل و معصومی که به گفته خویش، لحظه‌ای از یاد شهروندان خود غافل نیست و همواره بلاگردان آنهاست.<sup>۲</sup>

### ۵. پشت‌گرمی و مؤید به رعب و نصرت الهی

طبق روایات فراوان، قیام و دولت طیبه مهدوی با رعب و نصرت الهی و با

۱. نک: «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام».

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. «إِنَّا غَیْرُ مَهْمَلِیْنِ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِیْنِ لَذِکْرِكُمْ؛ ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی‌کنیم و

یاد شما را از خاطر نمی‌بریم.» (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷)

- «بِیْ یَدْفِعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَ شِیْعَتِی؛ خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می‌کند.» (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶)

کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه و محقق خواهد شد. پیامبر ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است<sup>۱</sup>... او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از جور و ستم شده بود.<sup>۲</sup>

شیخ مفید در کتاب *ارشاد* از ابوبکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرموده است:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می‌بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن‌جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می‌سازد.<sup>۳</sup>

هم‌چنین امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

... خداوند صاحب‌الأمر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن‌کشان می‌اندازد) تأیید می‌کند.<sup>۴</sup>

با این توضیحات روشن شد که دین‌سالاری مهدوی که معطوف به تحقق حیات طیبه قرآنی است، نسبت به تمام نظام‌های بشری امتیازی بی‌بدیل دارد و آن مؤید و مستظهر بودن به نصرت لایزال الهی است.

## ۶. فراگیری سپهر آفرینش

اگر مکاتب و نظام‌هایی مانند لیبرال - دموکراسی، به مردمی بودن خود تفاخر

۱. نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۱۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۱۱۹.

۴. همان، ص ۱۱۲۵.

می‌کنند، دین‌سالاری مهدوی نه تنها مردمی بلکه جهانی و در مرتبه‌ای بسیار بالاتر («سپهری») است؛ یعنی تمام هستی و سپهر آفرینش را دربرگرفته و در این جغرافیای گسترده، همه را اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها را از خود به اذن و برکت الهی، منتفع می‌سازد. بنابه روایات، زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور الهی منور و تابان می‌گردد. امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

يَطْهَرُ اللهُ بِه الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَيُؤَدِّي خَرْجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضِ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ؛<sup>۱</sup>

خداوند به و اسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می‌کند. پس هنگامی که وی (حضرت مهدی علیه السلام) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی شود و ترازوی عدالت در میان مردم حکم‌فرما گردد. پس از آن، دیگر کسی ظلم نمی‌کند و او کسی است که زمین برایش درنوردیده می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلامی زیبا، خشنودی تمام موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را با عبارت «یرضی عنه ساکنن الأرض و السماء»<sup>۲</sup> بیان فرموده‌اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی موجودات به شمار آورده، می‌فرمایند:

فيفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و الوحوش و الحيتان في البحر؛<sup>۳</sup>  
ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح‌ناک هستند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲. همان، ج ۵۱، باب ۱، ص ۱۰۴، روایت ۳۹.

۳. منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت سوم.

بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان‌داران و حفظ حقوق و رعایت محیط زیست آنها در دین‌سالاری سپهری مهدوی محقق و میسر نمی‌شود و با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی می‌فهمیم که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخوردار می‌گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید.

#### ۷. برخورداری از نهایی‌ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)

دین‌سالاری احیاگر مهدوی که با پرچم ایمان و عدالت صورت می‌پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می‌گیرد و با پذیرش همگانی ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی تحقق می‌یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می‌دهند. در این میان، فرقی میان دیانت‌ها، نژادها، قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون مردم گیتی نیست؛ زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان‌گستر و عالم‌شمول برای نجات و رستگاری همه بشر است. عدالت‌گستری حضرت مهدی علیه السلام، خود زمینه‌های تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل‌های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.

دین‌سالاری مهدوی حکومتی ولایی است که مشروعیت حکومت از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می‌گیرد و در عین واقعیت، دارای عالی‌ترین حد کمال از حیث مشروعیت است؛ برخلاف حکومت‌های امروزی بشر و نظام لیبرال - دموکراسی که منشأ مشروعیت آنها خدایی نیست یا مشروعیتی ناقص و کاذب و نوعاً محصول دماغ‌کوژی یا عوام‌فریبی و دست‌کاری افکار است. براین اساس، هیچ‌یک از حکومت‌های بشری از مشروعیت دینی برخوردار نیستند، اما حکومت ولایی که از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می‌گیرد، چنین مشروعیتی را دارد؛ زیرا خداوند، آفریدگار و مالک انسان و جهان است و بالذات حق تصرف در امور بندگان خود را دارد.



با این توضیحات و بنابر روایات، می‌توان نتیجه گرفت که دین‌سالاری مهدوی، مورد رضایت اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام‌های سیاسی گوناگون بوده، از لحاظ آنها دارای سه درجه مشروعیت کامل یعنی مقبولیت، قانونیت و حقانیت است.

### ۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت

چنان‌که بیان شد، از اصلی‌ترین شعارهای لیبرال - دموکراسی، حکومت اکثریت و تجمیع خواست اکثریت و پاسخ به آنها در قالب نظریه قرارداد اجتماعی است؛ اما در آموزه مهدویت یا دین‌سالاری مهدوی، همانند مردم‌سالاری دینی ضمن اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، این باور نظری و عملی وجود دارد که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق نیست، همان‌طور که عنایت به دیدگاه‌ها و سخنان امام علی علیه السلام در این زمینه بسیار راه‌گشاست. ایشان بر رضایت توده‌ها و اکثریت مردم تأکید بسیاری داشتند و جلب رضایت و اعتماد آنان را ضروری، مفید، مشکل‌گشا و مقتضای حق می‌دانستند و از والیان خود می‌خواستند تا راه موفقیت و خدمت را از طریق توده و اکثریت بجویند؛ زیرا به تعبیر امام علیه السلام:

بی‌شک توده‌ها ستون فقرات جامعه دینی، تکیه‌گاه مکتب و وسیله شکست دشمنان می‌باشند. پس باید با آنها بود و بر آنها تکیه زد و به خواست و نیاز آنها توجه کرد.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید:

محبوب امور نزد زمام‌دار اسلامی، باید مؤثرترین آنها در حق و فراگیرترین آنها در عدل و جامع‌ترین آنها برای رضایت عامه جامعه باشد.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر از دید امام علیه السلام، نظر اکثریت همواره موافق و مقارن با حق و

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح فیض‌الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۹۶، روایت ۱۳.

۲. همان، ص ۹۹۶، بند ۱۱.

حقیقت نیست. امام علیه السلام پایه حکومت خود را بر پیروی از حق و اقامه آن نهاد و خود، محور و مفسر حق بود. از این رو هرگاه اکثر جامعه، از حق پیروی می‌کردند، پیش‌رو آنان بود، ولی اگر از حق سر باز می‌زدند، او هم‌چنان با حق بود و از جدایی اکثریت باطل، بیم نداشت. هم‌چنان‌که به عمار فرمود:

ای عمار! اگر دیدی علی از راهی رفت و همه مردم از راه دیگر، تو با علی برو و دیگران را رها کن. یقین بدان علی هرگز تو را به راه هلاکت نمی‌برد و از شاه‌راه رستگاری خارج نمی‌سازد.<sup>۱</sup>

از این سخنان نتیجه می‌گیریم که دین‌سالاری مهدوی و مردم‌سالاری دینی، در کنار احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ موقع، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی‌دارد و در کنار رعایت چارچوب‌های اسلامی، به مصالح جمعی اهتمام می‌ورزد و آن را بر خواست و مصالح فردی مقدم می‌کند.

#### ۹. الهی دانستن مبانی عدالت، تفاوتی ماهوی با لیبرال - دموکراسی

عمومی‌ترین تعریف عدالت در اندیشه اسلامی، قرار گرفتن هر چیز در جای خویش، حق را به حق‌دار رساندن، ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست. این تعریف درباره نوع عدالت حاکم بر نظام مهدوی نیز صدق می‌کند. در چنین نظامی، قرار گرفتن هر چیز در جای خود و استیفای مداوم حقوق، به تعادل، ثبات، استقامت و پایداری نظام سیاسی می‌انجامد. شریعت مبنای اصلی عدالت در حکومت مهدی علیه السلام است. دیانت شریف اسلام، ملاک و مناط عدالت به شمار می‌آید. مبنای توافق و تعاملات میان افراد و عرف حاکم در میان مردم باید بنابر عدالت مبتنی بر شریعت باشد. هم‌چنین برخی دیگر از شاخصه‌های عدالت سیاسی مهدوی عبارتند از: نفی خودکامگی و تغلب، بسترسازی مشارکت برابر و

۱. کنز العمال، ج ۱۲، روایت ۱۲۱۲.

آزادانه عموم در عرصه‌های گوناگون، توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد، شیوه منصفانه و مبتنی بر رعایت استحقاق‌های تمام افراد جامعه در توزیع بیت‌المال و خدمات و منافع، نفی برابری و یکسان‌سازی مطلق در میان اجتماع و ایجاد زمینه‌های دستیابی مردم به فضایل و مراتب مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سرانجام تمهید همه زمینه‌های تحقق توان‌مندی‌ها و استعداد‌های بالقوه همه شهروندان جامعه.

اساساً مفهوم عدالت در اندیشه فعلی غرب و نظام لیبرال - دموکراسی، در قالب‌های انسانی و غیرروحانی و فایده‌انگارانه و به صورت مفهومی متغیر، نسبی و زمینی، نه در چارچوب شرایع آسمانی، بیان شده است. لذا عدالت در بیشتر نظریه‌ها و مباحث در لیبرال - دموکراسی، نسبت داشت، تابع هر نوع ذوق و سلیقه مشاهده می‌شود. از سویی، نظام‌های سیاسی لیبرال - دموکراسی، چه در حوزه نظری و چه در حوزه اجرایی، به نظر بسیار پیشرفته به نظر می‌آیند، ولی در واقعیت، عدالت در نظام سیاسی به معنای پیش‌گفته به چشم نمی‌آید. از دلایل اصلی آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: تلون، ابهام و سیالیت در مفهوم دموکراسی، حاکم شدن و حاکمیت‌الیت‌ها (نخبگان) و الیتسم (نخبه‌گرایی) به جای مشارکت عموم مردم، حاکمیت ماشین‌ها و الیگارش‌های قدرت‌مند حزبی بر خواست و اراده مردم، فرآیند تبلیغات عوام‌فریبانه در عرصه سیاست و دست‌کاری افکار عمومی، افراط در اکثریت‌گرایی و نادیده گرفتن دیدگاه‌های اقلیت و ضعیف و آسیب‌پذیر بودن نظام نمایندگی و ... .

#### ۱۰. مساوات‌طلبی حقیقی

در آموزه مهدوی، دیگر شکاف‌های اقتصادی، تبعیض‌های ناروا و فقر ماحصل عمل‌کرد لیبرال - دموکراسی سرمایه‌داری و سلطه‌طلب غربی وجود ندارد و به جای مساوات‌طلبی صوری و ظاهری، مساوات واقعی و برابری بر مبنای استحقاق، برقرار می‌شود و همه در برخورداری از فرصت‌ها برای بالفعل کردن

استعدادهای خویش، مساوی خواهند بود. بر این مبنا، نه تنها شکاف‌های مزبور در اقصی نقاط دنیا پرمی‌گردند، بلکه جامعه بشری به استغنائی کامل می‌رسد و حتی فقیری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چنین وضعیتی، محصول توسعه وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان‌شمول و سپهری مهدوی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

... و در میان خلایق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و آله حکم می‌کند. در این وقت زمین، خزینه‌های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می‌گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی‌تواند پیدا کند که صدقه‌ای به او بدهد یا احسانی در حق وی نماید؛ زیرا که همه مؤمنان غنی و مال‌دار هستند.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

... فَإِنَّهُ يَقْسَمُ بِالسُّوْيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبِرِّ مَنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ؛<sup>۲</sup>  
آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می‌کند و میان همه مردم، نیکوکار و بدکار، به عدالت رفتار می‌نماید.

بر اساس این روایت، در مواردی که برابری میان مردم از مظاهر عدالت است، اموال به تساوی تقسیم می‌شود، نه این‌که در همه موارد به همگان یکسان پرداخت گردد. در واقع، برابری میان مردم با هدف تأمین ضروریات و امکانات اولیه زندگی است تا همه افراد و قشرها از یک حد منطقی و رفاهی معقول برخوردار باشند.

### ۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

امنیت از مقوله‌هایی است که حاکمان و سیاست‌مداران پیوسته بدان توجه

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

داشته‌اند، اما در بسیاری از نظام‌های دنیا و از جمله در لیبرال - دموکراسی، این امنیت در حیطه فیزیکی و از حیث روانی برای شهروندان فراهم نیست و نبود دین در عرصه‌های فردی، جمعی و اجتماعی، باعث شده تا مردم از مبنای اصلی امنیت یعنی ایمان، طمأنینه و آرامش روانی برخوردار نشوند. این امر، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های فراوان رفتاری سیاسی را برای ایشان به ارمغان آورده است. در مقابل، برقراری امنیت واقعی و همه‌جانبه بر مبنای ایمان در جامعه یکی از آرمان‌های دین‌سالاری مهدوی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که جان و مال و حیثیت افراد جامعه از تجاوز دیگران حفظ شود. تحقق امنیت برای همه شهروندان، به ویژه مظلومان و مستضعفان رسالت حکومت جهانی مهدی علیه السلام است، زیرا این قشر بیشتر در معرض ناامنی‌اند. بدین علت، امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد امنیت برای مظلومان را یکی از آرمان‌های حکومت اسلامی و علوی می‌داند.<sup>۱</sup> از سویی، محصول عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق همه کائنات و موجودات در سپهر گیتی، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی‌تواند باشد. همان‌طور که برحسب روایات، کینه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشری رخت برمی‌بندد، این کینه‌ها و عوامل نزاع، از عالم حیوانی و جانوری نیز ناپدید خواهد شد. حتی حیواناتی که به کینه‌جویی و تقابل با هم شهره هستند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت‌آمیز در کنار هم خواهند پرداخت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره موعود و امنیت آن عصر طیبه فرموده‌اند:

... نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در آشیانه‌هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می‌کنند و نهرها کشیده می‌شود و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می‌رویند...<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲. مهدی موعود، ص ۱۰۹۵.

بدین ترتیب در دین‌سالاری مهدوی برخلاف نظام‌های سیاسی فعلی و غربی، امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وفور و بالاترین حد برای همگان تأمین خواهد گردید؛ زیرا عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می‌شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت‌ها و محاکم، دیگر هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می‌کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می‌گیرد و این حکومت و قضاوت به الهام الهی و بر همین مبنا به علم امام متکی است. بدین ترتیب، امام علیه السلام از مردم بینه و شاهد درخواست نمی‌کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می‌نماید.<sup>۱</sup>

#### ۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره‌ای شدن» اجتماعی

فردگرایی و مادی‌گرایی افراطی و سکولاریستی لیبرال - دموکراسی و اکتفا به عقلانیت سوداگرایانه و منفعت‌محور انسان غربی، باعث از بین رفتن پیوندهای عاطفی میان افراد اجتماع و گسترش انزوا و بی‌اعتنایی سیاسی و اجتماعی گردیده است؛ فرآیندی که جامعه‌شناسان غربی از آن به «ذره‌ای شدن» یا «اتمیزاسیون» فرد و اجتماع یاد می‌کنند. افراد در نتیجه این پدیده، علایق جمعی خود را از دست داده، همانند ذره‌های گسسته از یک‌دیگر، فاقد پیوندهای عاطفی، احساسی و صمیمیت و تعاملات لازم می‌گردند. این مشکل هم‌چنان گریبان‌گیر انسان غربی است. اما این مسئله در دین‌سالاری مهدوی به شدت معکوس است. امام باقر علیه السلام درباره صمیمیت و برادری در عصر ظهور می‌فرماید:

إذا قام القائم جاءت المزملة و يأتى الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا يمنع؛<sup>۲</sup>

۱. نک: بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۱، ص ۱۴، روایت ۲۳.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳.

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه (در میان مردم) رایج می‌گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی‌کند.

ایشان بروز این صمیمیت و برادری کامل را در هنگامه رشد عقول و تکامل اخلاقی در عصر ظهور می‌داند و می‌فرماید:

«آیا شما نزد برادرتان می‌روید و دست در جیب او می‌برید و به اندازه نیازتان برمی‌دارید و او مانع شما نمی‌گردد؟» راوی می‌گوید: «گفتم این رسم در میان ما نیست.» امام فرمود: «پس جالب توجه نیست.» گفتم: «آیا هلاکت در پیش است؟» فرمود: «این مردم هنوز به رشد عقلانی نرسیده‌اند.»<sup>۱</sup>

امام کاظم علیه السلام نیز آرزوی خود را در نحوه تعاملات پیوندهای اجتماعی مسلمانان چنین بیان می‌دارد:

«ای عاصم! چگونه پیوندهای اجتماعی را محکم می‌دارید و دیگران را در مال خود شریک می‌سازید؟... آیا در تنگ‌دستی‌ها کسی از شما به دکان یا منزل برادرش می‌رود و آنچه را نیاز دارد برمی‌دارد و (صاحب آن) مانع او نمی‌گردد؟» گفت: «نه چنین نیستیم.» امام فرمود: «شما (در روابط اجتماعی) آن‌طور که من دوست دارم نیستید.»<sup>۲</sup>

بسیار واضح است که این فرمایش و خواست امام، در حیات طیبه مهدوی به بهینه‌ترین صورت، محقق خواهد شد.

### ۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابررسانه‌ای»

جامعه مدنی در ادبیات سیاسی غرب و هم‌چنین در لیبرال - دموکراسی، به تشکل‌های مردمی و خودجوشی گفته می‌شود که به منزله حلقه واسطه و ارتباطی

۱. عصر زندگی، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۵۶ - ۱۵۷.

میان افراد و گروه‌های اجتماعی با دولت انجام وظیفه می‌کند و در واقع مطالبات مردم را به دولت منتقل می‌سازد. از جانب دیگر بر عمل‌کرد این نهاد نظارت می‌کند؛ زیرا بر مبنای این الگوی سیاسی، معمولاً میان خواسته‌های افراد و گروه‌های سیاسی با دولت، نوعی ناهم‌سازی و تعارض فرض می‌گردد و هر یک از این دو به دنبال به دست آوردن امکانات و اختیارات بیشتر، و تحدید و تعدیل افزون‌تر دیگری است.

اما در دین‌سالاری مهدوی به هیچ وجه از این رابطه تقابلی و نسبتاً خصمانه خبری نیست. در واقع هم‌گرایی کاملی میان افراد، گروه‌ها و جوامع مدنی در یک‌سو، و دولت در سوی دیگر وجود دارد. در حقیقت دو دستگی و اختلاف مطالبات و اهداف میان آنها دیده نمی‌شود و الگوی فعالیت سیاسی هر دو، همکاری و مشارکت سیاسی فعال متعهدانه با رهبری امام معصوم، بر اساس شریعت و هدایت الهی، برای زمینه‌سازی سعادت و فضیلت اخلاقی در عرصه جهانی است. هم‌چنین فضاهای ارتباطی و رسانه‌ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه‌های فعلی است. این امر امکان ارتباطات بسیار گسترده‌تر، رخ‌به‌رخ و حتی به تعبیری نوعی دین‌سالاری مستقیم را محقق خواهد ساخت؛ زیرا امکان ملاقات مستقیم و همیشگی همه مردم با یک‌دیگر و با کارگزاران سیاسی و حتی امام معصوم علیه السلام در هر لحظه وجود دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق قرار دارد، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همان‌گونه آن‌که در مغرب قرار دارد، برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند.<sup>۱</sup>

و نیز فرموده‌اند:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.



هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد.<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت‌ها، به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاهای ارتباطی تنها به تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی منحصر نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، از کمالات اعطایی الهی برخوردار می‌گردند و گوش و چشم آنان دارای قدرت فراشنوایی و فرابینی و به عبارتی فرامکانی خواهد شد. همان‌طور که در هر لحظه با یکدیگر ملاقات سمعی و بصری دارند، می‌توانند به طریق اولی با حضرت مهدی علیه السلام نیز ارتباط داشته باشند و از فیض مطلق وجود او، در ورای مکان‌ها و زمان‌ها استفاده کنند و در نزد ایشان و برای متابعت و انقیاد دائم از آن حضرت دائم‌الحضور باشند. بدیهی است در آن عصر که هر چیز و از جمله انواع تعاملات افراد و دولت به کمال نهایی خود می‌رسد، تجهیز مؤمنان که اشرف مخلوقاتند، به چنین مواهب الهی دور از ذهن نیست و در این صورت، توسعه و مشارکت سیاسی آگاهانه به متعالی‌ترین حد خود خواهد رسید.

#### ۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عاقلان

نگرش دین‌سالاری مهدوی به عقل و عقلانیت، به هیچ وجه افراطی، مادی و منفعت‌انگارانه و تک‌سویه نیست. برعکس، عقل در جهان‌بینی توحیدی جایگاهی بس بالا و والا دارد. عاقلان نیز از حرمت و کرامت ویژه‌ای برخوردارند. برتری عقلی پیامبران، از امتیازات آنان بر دیگران بوده است. آنها در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند. مطابق احادیث، انجام دادن فرایض دینی به تنهایی، نشان‌دهنده کمال و تعالی شخصیت انسان نیست،

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

بلکه کمال ربانی عقل، نشان دهنده تکامل شخصیت اوست. عقل، انسان را به معرفت درست خداوند رهنمون می‌سازد و در حوزه عمل او را به تسلیم در برابر اوامر و نواهی الهی برمی‌انگیزد، همان‌طور که علم و دانش از مکارم و مفاخر انسانی است. فرشتگان بر حضرت آدم علیه السلام که از موهبت «علم الأسماء» بهره‌مند بود، سجده کردند. عقل نیز در پرتو هدایت حضرت مهدی علیه السلام به رشد و کمال وافی می‌رسد و شکوفا می‌گردد. کوه‌بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار دون و ناپسند با افزایش بصیرت عمومی، از جامعه رخت برمی‌بندد. امام باقر علیه السلام در همین باره می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده، عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می‌رود...<sup>۱</sup> در زمان مهدی به شما حکمت بیاموزند.<sup>۲</sup>

در دین‌سالاری و نیک‌شهر مهدوی، با وجود تکریم عقل و تجلیل از ره‌آورد برهان عقلی و تجربه حسی، هدایت اصلی به وحی الهی را به امام معصوم می‌سپارند و با گسترش دانش و آگاهی میان مردم، زمینه حضور فعال آنها را در عرصه عمومی آماده می‌کنند. در آن هنگام عقول مردم تکامل می‌یابد و طبعاً کنش‌های سیاسی - اجتماعی نیز که بر اساس جهل و رقابت‌های ناسالم به تعارض تبدیل شده، جای خود را به همکاری و تعاون و عقلانیت در عرصه سیاسی - اجتماعی می‌دهد و ریشه منازعات بی‌حاصل سیاسی و اجتماعی، سودجویی‌ها و کنش‌های نامعقول، از جامعه برطرف می‌گردد.

### ۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل‌کرد احزاب و امکان حذف تحزب

در دولت مهدوی زمینه‌های تعارض و اختلاف از بین رفته و امت واحده ایجاد

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۵۲.

خواهد شد. بدین ترتیب، علل به وجود آورنده احزاب و گروه‌ها نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا شکاف‌های گوناگون در سطح اجتماع، دلیل اصلی پدید آمدن احزاب و گروه‌های متنوع است. گروه‌بندی‌ها و احزاب متعددی از شکاف‌های جنسی، سنی، طبقاتی، قومی، نژادی، هویتی، تاریخی و... برای حفظ منافع این جوامع مدنی و دفاع برای افزایش این منافع به وجود می‌آید. بدیهی است، وقتی حکومتی عادل و فاضل برقرار باشد که زمینه تبعیض‌های ناروا، نابرابری‌ها و شکاف‌ها را پر کند، دیگر به وجود احزاب و گروه‌های مختلف نیازی نیست. وجود این گروه‌بندی‌ها ممکن است جامعه و امت واحده عصر مهدوی را دچار تفرقه و انشعاب کند. امروزه در تعریف حزب به گردهم‌آیی پایدار گروهی از مردم گفته می‌شود که از عقاید مشترک و تشکیلات منظم برخوردارند و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند. از آن‌جا که در حکومت مهدوی، همه با رضایت کامل و افتخار این حکومت را پذیرفته و به شهروندی آن تن داده‌اند، اساساً مبارزه‌ای علیه حکومت وجود نخواهد داشت تا حزبی بخواهد آن را نمایندگی کند. علاوه بر آن، چنین حکومتی، زمینه‌های مشارکت واقعی شهروندان را در تمام امور حکومت بسترسازی می‌کند، مشارکت آنها را بر اساس میزان اهلیت، کاردانی و استحقاق آنها می‌پذیرد و از چنین افرادی در اداره جامعه با آغوش باز استقبال می‌کند.

در دین‌سالاری مهدوی، حزب‌الله که همان امت واحده است، جای احزاب متفرق را می‌گیرد و همه مردم در حزبی واحد که همان تشکل اصلی مؤمنان است جای گرفته، مجدداً امت واحده قرآنی با حیات طیبه محقق می‌شود. البته به نظر می‌رسد در صورت بقای گروه‌ها و احزاب متعدد سیاسی در عصر ظهور، تعاملات انسانی و اسلامی، نه رقابت‌های کاذب و سیاست‌های ماکیاولیستی میان آنها حاکم باشد و همه آنها آرمان‌های واحد و والا را از طرق متنوع دنبال کنند.

### ۱۶. سبیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت‌ها

بر اساس روایات، در دین سالاری مهدوی، حضرت مهدی علیه السلام بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیرموحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات‌بخش آن با قاطعیت تکلیف می‌کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت، همان‌طور که از نامشان نیز می‌آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید مبتنی بر اقتناع باشد. روایات نیز به این مطلب اشاره دارند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و ... را پیدا می‌کند و بر اساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت‌وگو کرده، بر آن اساس بر آنها حکم می‌راند تا آن‌که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان‌شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام نیز علاوه بر اشاره به این مسئله، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر علیه السلام با دیگر ادیان را به وضوح تشریح فرموده‌اند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد گفتمان و احتجاج و اقناع‌سازی که شعار لیبرال - دموکراسی است، به نحو احسن در دین‌سالاری مهدوی محقق خواهد شد.

### ۱۷. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام

امروزه در بسیاری از نظام‌های لیبرال - دموکراسی دنیا، قومیت و نژادگرایی، چه در حیطه نظری و چه در حیطه عملی، هم در میان رهبران و کارگزاران و هم در میان شهروندان، به گونه‌ای افراطی مشاهده می‌شود. دسته‌بندی‌هایی مانند کشورهای شمال، دول دارا و غنی و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مانند

۱. مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹ و ۲۴۳ - ۲۴۴. هم‌چنین برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب در دولت مهدی علیه السلام».

گروه هشت، ناتو، اتحادیه اروپا و... نیز بیشتر بر همین مبادی و هم‌بستگی‌های قومی، نژادی و استکباری مبتنی است. بی‌دلیل نیست که درخواست مصرانه ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دلیل مسلمان بودن این کشور پس از گذشت سالیان متمادی همواره رد گردیده است و یا این‌که در بسیاری از کشورهای غربی، گروه‌های نژادپرستی مانند «نئونازی‌ها» به شدت فعال هستند!

قومیت‌مداری و نژادگرایی مکاتب غربی و از جمله لیبرال - دموکراسی در دین‌سالاری مهدوی جایی ندارد و از منظرها و ملاک‌های تقوا و شایسته‌سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری، به شکل جهانی اندیشیده و عمل می‌شود. ویژگی دیگر عدالت مهدوی و جهان‌شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی علیه السلام، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس شایستگی و ملاک‌های قرآنی و الهی، از کشورها، قومیت‌ها، ملیت‌ها و شهرهای گوناگون برمی‌گزینند، نه از یک نقطه خاص. این امر نشان می‌دهد که حرکت امام علیه السلام مختص ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به همه جهانیان است و همین امر به همراه دیگر ویژگی‌های حکومت طیبه مهدوی، باعث می‌گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم قرار گیرد. با اجرای کامل عدالت، شکاف‌ها و محرومیت‌های ناشی از استکبارورزی و زیاده‌خواهی ملل و دول زورمند از جهان برداشته خواهد شد و استعدادها، توانمندی‌ها و استیغای فراگیر تمام حقوق جوامع بشری محقق خواهد گردید و در جهان، به اصطلاح امروزی، توسعه موزون برقرار خواهد شد.

هم‌چنین بر اساس برخی روایات، این‌گونه به نظر می‌رسد که در دین‌سالاری سپهری مهدوی، در عین عالم‌گیر بودن حکومت اسلام، ملل دیگر نیز در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم، علاوه بر تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی‌هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ‌های ملی غیرمتعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها ملحوظ می‌فرماید. امام صادق علیه السلام

در این زمینه می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه‌ای نماینده‌ای می‌فرستد و به او می‌گوید:  
«حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می‌بینی عمل کن.»<sup>۱</sup>

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کسی ضایع نمی‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز درباره عدالت‌گستری و هم‌چنین اصحاب حضرت مهدی ﷺ فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یصدّق الله عزّوجلّ و یصدقه الله فی قوله یخرج من تهامة حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لاذهب و لافضة إلاّ خیول مطهّمة و رجال مسومة یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدّة أهل بدر ثلاث مئة و ثلاثة عشر رجلاً معه صحیفة مختومة فیها عدد أصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حالهم و کناهم کذا دون مجدّون فی طاعته؛<sup>۲</sup>

مهدی به عدالت حکم کرده، به آن امر می‌فرماید. خداوند عزوجل او و کلامش را تصدیق می‌کند و هنگامی که نشانه و علامت‌ها آشکار می‌شوند، از مکه خروج می‌کند. وی دارای گنج‌هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج‌های او اسب‌های خوش‌اندام و نیکو منظر و مردان مشخص شده‌ای هستند که خداوند آنها را از دورترین بلاد برای وی جمع‌آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر است و صحیفه‌ای همراه مهدی قرار دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کنیه‌ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می‌کشند.

### ۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر در دوستانه

برخلاف شعارهای کذب و استفاده ابزاری لیبرال - دموکراسی از موضوع

۱. نک: ظهور نور، ج ۲، ص ۲۰۲ - ۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۷۱۲)

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت چهارم.

حقوق بشر، در دین سالاری مهدوی، کرامت انسان‌ها و حقوق بشر دوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی‌ترین حد خود خواهد رسید. امیرمؤمنان علیه السلام، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می‌فرماید:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی‌ماند، جز این‌که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و بده‌کاری نمی‌ماند، مگر این‌که دین او را می‌دهد و مظلومه‌ای نمی‌ماند، جز این‌که آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند، مگر این‌که دینه او را می‌دهد... و کشته‌ای نمی‌ماند، جز این‌که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می‌نماید تا آن‌جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می‌نماید، همان‌گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لبریز است...<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز علاوه بر تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی فرموده است.<sup>۲</sup>

رعایت کرامت انسان‌ها و حقوق بشر دوستانه، تنها به امام عصر علیه السلام ختم نمی‌شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می‌دهند. حضرت علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی علیه السلام که به واقع می‌توان از آن به منشور حقوق بشر دوستانه دولت و آموزه طیبه مهدوی یاد کرد، می‌فرماید:

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره

۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱ - ۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ص ۲۲)

۲. همان، ص ۷۵۰ - ۷۵۱. (به نقل از: عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)

نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ طرف‌دار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی‌ها باز دارند؛ جامه‌های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و ... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود؛ جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن‌چنان که آنها می‌خواهند، باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن‌چنان‌که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن‌چنان‌که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و....<sup>۱</sup>

### ۱۹. اخلاق و تربیت‌مداری، رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

انسان در دین‌سالاری مهدوی، به نهایت تزکیه و بلوغ و تکامل اخلاقی می‌رسد، برخلاف لیبرال - دموکراسی که در مورد تربیت اخلاقی افراد دغدغه ندارد و آن را امری فردی و دخالت در حیطة خصوصی آنها می‌شمارد، الگوی توسعه اسلامی در سیره معصومان علیهم‌السلام، تلاش برای نیروسازی و تربیت و آماده‌سازی آنها بوده است. نگاه به سیره امام علی علیه‌السلام در این زمینه راه‌گشاست. ایشان به عثمان بن حنیف، فرمان‌دار بصره، درباره ضرورت بینش‌دهی و تعلیم امت توسط امام می‌فرماید:

ألا و إن لكلّ مأموم إماماً يقتدى به و يستضيء بنور علمه؛<sup>۲</sup>

بدان هر پیروی، پیشوایی دارد و به او اقتدا می‌کند و از نور علم وی منور و آگاه می‌شود.

۱. جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

۲. نهج‌البلاغه، نامه ۴۵، ص ۹۶۶، بند ۲.



و نیز فرمود:

و علی الإمام أن يعلم أهل ولايته حدود الإسلام و الإيمان؛<sup>۱</sup>  
بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد.

بر مبنای همین سیره علوی، امام عصر علیه السلام در آن حیات طیبه موعود، خود به تعلیم و تفسیر واقعیت‌های قرآن به مردم همت می‌گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنها تشریح می‌کند. واضح است که برپایی این دانشگاه همگانی، نه تنها به معنای مداخله در زندگی خصوصی و آزادی استقلال اعتقادی مردم نیست، بلکه بالندگی و شکوفایی کلیت افراد و اجتماع را سبب می‌شود. علاوه بر این که در حیات طیبه مهدوی، هرگونه تجاوز نابه‌جا به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی می‌شود. برای نمونه، حکومت اسلامی در آن عصر، حتی با مشرف بودن خانه‌ها یا ریزش آب از ناودان‌ها به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه‌های مردم و یا ساخته شدن بخشی از بنا در راه‌های عمومی، برخورد خواهد کرد و این موارد هرچند با تخریب مسجد، برطرف می‌گردد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می‌کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می‌کند و به حال ساده و بدون اشراف می‌گذارد. شاه‌راه‌ها را توسعه می‌دهد، هر گوشه‌ای از خانه‌ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می‌کند و ناودان‌ها را که مشرف به راه مردم است، برمی‌دارد. هر بدعتی را برطرف می‌سازد و هر سنتی را باقی می‌گذارد...<sup>۲</sup>

## ۲۰. صلح طلبی و نفی سیاست امپریالیستی و جنگ‌افروزانه لیبرال - دموکراسی

با وجود شعارهای صلح‌طلبانه نظام‌های سرمایه‌داری لیبرال - دموکرات به

۱. شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲. مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

رهبری امریکا، در جهان امروز هم‌چنان سلطه‌طلبی و جنگ‌افروزی منفعت‌محورانه این‌گونه کشورها، به ویژه با روی‌کرد تقابلی و سرکوب‌گرایانه در برابر بیداری و نهضت جهانی اسلام به چشم می‌آید. مداخله نظامی وحشیانه لیبرال - دموکراسی ایالات متحده در عراق و افغانستان و سعی در تحمیل نظامی طرح خاورمیانه جدید و اعمال جنایات بی‌شمار در لبنان و فلسطین، با هم‌دستی رژیم غاصب صهیونیستی، از ارمان‌های دموکراسی و لیبرالیسم برای بشر است. با وجود این، برپایی صلح جهانی از آرمان‌های متعالی و پیوسته بشر در طول تاریخ بوده و براساس مبانی دینی، بستر صلح جهانی در سایه برپایی حکومت جهانی مهدوی تحقق می‌یابد. صلح عادلانه جهانی در حکومت مهدوی، با تکمیل عقلی و رشد علمی، تأمین می‌گردد. به بیان دیگر، زمینه اقامه قسط و عدل با بهره‌گیری کامل از عقل، فراهم می‌شود.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت‌محور و امنیت‌گستر مهدوی این است که حضرت ولی عصر علیه السلام فاتح شهرهای شرک هستند و حتی تصویر ایشان در روایات و هنگام قیام گونه‌ای ترسیم شده که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما واقعیت این است که قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست.<sup>۱</sup> بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی‌شماری است که طاغوت‌ها بر دست و پای انسان فعلی زده‌اند و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پس‌رفت و قهقرا کشانده‌اند.

هم‌چنین در دین‌سالاری مهدوی اختلاف و درگیری بین ملل و دول متنوع وجود نخواهد داشت؛ زیرا اساس بسیاری از این درگیری‌ها، اجرا نشدن عدالت و وجود شکاف‌ها و محرومیت‌های ناشی از استکبارورزی و زیاده‌خواهی ملل و

۱. برای نمونه و توضیح بیشتر نک: «بررسی چند حدیث شبه‌ناک درباره عدالت آفتاب عالم‌تاب»

دول زورمند است. با رفع و از بین بردن این استکبارورزی‌ها و کینه‌ها، عداوت جای خود را به محبت، سازش و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، با جهت‌گیری‌های معنوی و کمال‌خواهانه خواهد داد. این دولت طیبه، مورد رضایت اهل عالم قرار خواهد گرفت. بنابراین، برخلاف تصور فعلی و آنچه در جهان حاکم است، در امت واحده مهدوی، نه تنها شاهد درگیری و نزاع نخواهیم بود، بلکه میزبان جهانی سرشار از صلح و هم‌بستگی خواهیم بود که در عین پاره‌ای کثرت‌ها و تنوع‌ها، در واقع یک‌پارچه است و وحدت را در کثرت می‌توان مشاهده کرد.

### نتیجه

در این فصل طی گفتارهایی چهارگانه، ابتدا مفهوم لیبرال - دموکراسی و معایب آن بازکاوی شد. آن‌گاه با اعتقاد به این‌که انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج است، نوع نظام مردم‌سالاری دینی در ایران اسلامی و تمایزات آن نسبت به لیبرال - دموکراسی نمایان گشت. سپس وضعیت دین‌سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه‌ای مقایسه‌ای با آن دو تشریح گردید و در واقع، نوشتار حاضر با ماهیت‌شناسی الگوی لیبرال - دموکراسی، واقعیت سراب‌گونه و معضلات نظری و عملی آن را به صورت استدلالی تبیین کرد و بر نهایی بودن مقصد این مکتب و سامانه اداره اجتماع، برای رفع حرمان‌ها و آلام بشری خط بطلان کشید. در حقیقت، این فصل به روایی‌سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی‌بخشی بشری پرداخت و این ادعا را اثبات کرد که هم‌چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت حضرت مهدی عج نهفته است و بشر باید با تحقق انتظاری فعال، در زمینه‌سازی و تحقق آن بکوشد.

هم‌چنین به طور اجمالی برتری الگوی دین‌سالاری سپهری مهدوی در مقابل الگوی لیبرال - دموکراسی با ذکر دلایل و پاره‌ای استنادات روایی بر مبنای شاخصه‌های ذیل تشریح گردید:

۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام‌های بشری؛
۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست؛
۳. جهان‌گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی؛
۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت؛
۵. پشت‌گرم و مؤید به رعب و نصرت الهی؛
۶. فراگیری سپهر آفرینش؛
۷. برخورداری از نهایی‌ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)؛
۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت؛
۹. تفاوت ماهوی با لیبرال - دموکراسی در الهی دانستن مبانی عدالت؛
۱۰. مساوات‌طلبی حقیقی؛
۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛
۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره‌ای شدن» اجتماعی؛
۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابررسانه‌ای»؛
۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عقلایی؛
۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل‌کرد احزاب و امکان حذف تحزب؛
۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت‌ها؛
۱۷. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام؛
۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه؛
۱۹. اخلاق و تربیت‌مداری، رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛
۲۰. صلح‌طلبی و نفی سیاسی امپریالیستی و جنگ افروزان لیبرال - دموکراسی. بدین ترتیب و پس از اثبات بی‌اعتباری لیبرال - دموکراسی و استناد به شاخصه‌های برتر روایی، سرآمدی و برتری آموزه طیبه مهدویت و دین‌سالاری سپهری مهدوی اثبات گردید.

## منابع

۱. قرآن مجید (ترجمه محمدمهدی فولادوند، چاپ اول: انتشارات دارالقرآن الکریم، تهران ۱۴۱۵ قمری)
۲. *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، [بی‌نا] تهران، ۱۳۵۱ شمسی.
۳. *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۴. مرتضی فرید تنکابنی (گردآورنده)، *نهج الفصاحه*، چاپ چهارم: نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۵. آربلاستر، آنتونی، *دموکراسی*، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات آشتیان، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۶. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۷. ابن‌سینا، *الاشارات و التنبیها*، جلد چهارم، انتشارات دفتر نشر کتاب، تهران ۱۳۶۲ شمسی.
۸. \_\_\_\_\_، *الشفاء و الالهیات*، به کوشش الاب قنواتی و سعید زاید، قاهره ۱۹۶۴ میلادی.
۹. ابن‌منظور، *لسان العرب*، جلد دوازدهم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۸ میلادی.
۱۰. ابومحمد بن شعبه الحرانی، *تحف العقول*، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۳۶۳ شمسی.
۱۱. اخوان کاظمی، بهرام، «آرمان‌های حکومت در نهج البلاغه»، نشریه *حکومت اسلامی*، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۹.
۱۲. \_\_\_\_\_، «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه *دانشگاه آزاد اسلامی*، شماره ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۸.
۱۳. اصیل، حجت‌الله، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.

۱۴. الیاده، میرچا، فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایرة المعارف دین، هیأت مترجمان، زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۱۵. امیری، مجتبی، «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه‌های فوکویاما»، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، مهر و آبان ۱۳۷۴.
۱۶. امین، سمیر، سرمایه‌داری در عصر جهانی‌شدن، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۱۷. بشیریه، حسین، «اندیشه‌های لیبرال - دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
۱۸. \_\_\_\_\_، «نسل قدیم لیبرال دموکرات‌های قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۹-۱۰۰، آذر و دی ۱۳۷۴.
۱۹. \_\_\_\_\_، «تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های قرن بیستم، اندیشه‌های لیبرال - دموکراتیک»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۹۵-۹۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
۲۰. بشلر، ژان، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۰ شمسی.
۲۱. بازارگاد، بهاء‌الدین، تاریخ فلسفه سیاسی، جلد دوم، چاپ چهارم: انتشارات کتاب‌فروشی زوار، تهران ۱۳۵۹ شمسی.
۲۲. بیران، پرویز، «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
۲۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد چهارم، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ شمسی.
۲۴. حبیبی، محمدحسن، کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ شمسی.
۲۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی، چاپ پنجم: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۲۶. \_\_\_\_\_، «جهانی‌سازی اسلامی، جهانی‌سازی غربی»، فصل‌نامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۲۷. حیدری کاشانی، حسین، حکومت عدل‌گستر، چاپ سوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، [بی‌تا].
۲۸. دونوا، آلن، «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۳ - ۷۴، مهر و آبان ۱۳۷۲.
۲۹. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۹۷۲ میلادی.
۳۰. رحیمیان، محمدحسین، جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، انتشارات دارالقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.
۳۱. رشاد، علی‌اکبر، دموکراسی قدسی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۷۹ شمسی.
۳۲. روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸ شمسی.
۳۳. سعادت‌پرور، علی، ظهور نور، (ترجمه کتاب الشمس المضمیة)، ترجمه محمدجواد وزیری‌فرد، چاپ دوم: انتشارات احیاء کتاب، تهران ۱۳۸۰ شمسی.

۳۴. شریعت‌زاده خراسانی، محمود، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت، انتشارات مؤسسه فرهنگی انصارالحسین، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۳۵. شولت، جان آرت، نگاهی موثکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۳۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الأثر، انتشارات مکتبه دآوری، قم، [بی تا].
۳۷. صدر، محمد، تاریخ مابعدالظهور، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۲ اقمری.
۳۸. صدرا، علی رضا، «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرایمی مهدویت»، فصل نامه قیسات، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳.
۳۹. طاهری، حبیب‌الله، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، فصل نامه انتظار، شماره ۲.
۴۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد پانزدهم، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۷۴ شمسی.
۴۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد دهم، انتشارات دارالمعرفه، [بی جا]، [بی تا].
۴۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علی رضا حیدری، چاپ پنجم: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۴۳. طوسی، خواجه نظام‌الملک، سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال، جلد دوم، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۴۴. العاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، انتشارات دارالبلاغه، بیروت ۱۴۱۳ اقمری.
۴۵. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چاپ سوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ شمسی.
۴۶. غریب آبادی، کاظم و دیگران، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۳-۱۹۴، مهر و آبان ۱۳۸۲.
۴۷. غنی‌نژاد، موسی، «ظهور اندیشه آزادی و پیوند آن با اقتصاد سیاسی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۹-۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۳.
۴۸. فارابی، ابونصر محمد، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، شرح و ترجمه سیدجعفر سجادی، چاپ دوم: انتشارات طهوری، تهران ۱۳۶۱ شمسی.
۴۹. \_\_\_\_\_، فصول المدنی، تحقیق م. دنلوپ، انتشارات کمبریج، ۱۹۶۱ میلادی.
۵۰. فولکیه، پل، فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، چاپ دوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ شمسی.
۵۱. قراگوزلو، محمد، «جهانی شدن»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۷۸، خرداد و تیر ۱۳۸۱.
۵۲. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سیدمحمد حسینی، انتشارات دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ شمسی.
۵۳. قطب، محمد، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد اویسی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵۴. کلنز، داگلاس، «نظریه انتقادی جهانی شدن» ترجمه حسین شریفی رهنانی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۹-۱۸۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

۵۵. کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۵۶. کوهن، کارل، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۵۷. ربانی گلپایگانی، علی، *ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم*، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵۸. لاتوش، سرژ، *جهانی‌شدن: غربی‌سازی جهان*، ترجمه فرهاد مشتاق صنعت، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵۹. مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، جلد ۱۱۰، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، [بی‌تا].
۶۰. \_\_\_\_\_، *مهدی موعود*، (ترجمه جلد سیزدهم *بحارالأنوار*)، ترجمه علی دوانی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
۶۱. \_\_\_\_\_، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، چاپ پنجم: انتشارات مسجد جمکران، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۶۲. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمه*، جلد اول، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، قم ۱۳۶۲ شمسی.
۶۳. مردانی گیوی، اسماعیل، «جهانی‌شدن نظریه‌ها و روی‌کردها»، *نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۶۷-۱۶۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
۶۴. مرقاطی، سیدطاها، *جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی* (مجموعه مقالات)، جلد دوم، انتشارات مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۶۵. معرفت، محمدهادی، «جهانی‌شدن، زمینه جهانی‌سازی یا در انتظار یوم موعود»، *فصل‌نامه قیاسات*، پاییز ۱۳۸۳.
۶۶. مکارم، محمدحسن، *مدینه فاضله در متون اسلامی*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ شمسی.
۶۷. موسوی، سید فضل‌الله، *حقوق بین‌الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد* (ترجمه)، نشر میزان، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۶۸. مهدوی کنی، محمدرضا، «مردم‌سالاری دینی یا دین‌سالاری مردمی؟»، *نشریه پیام صادق*، شماره ۴۴، آذر و دی ۱۳۸۱.
۶۹. مهدی‌پور، علی‌اکبر، «بررسی چند حدیث شبهه‌ناک درباره عدالت آفتاب عالم‌تاب»، *فصل‌نامه انتظار*، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۳.
۷۰. نقیب‌زاده، احمد، «واکنش‌های سیاسی و نشانه‌های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، *نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۸۱-۸۲، خرداد و تیر ۱۳۷۳.
۷۱. وینسنت، اندرو، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشریه، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۷۲. هال، گس و دیگران، *روندهای اخیر جهانی‌شدن و آلترناتیوهای واقعی آن*، ترجمه هما احمدزاده و احمد جوهریان، انتشارات پژوهنده، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۷۳. هلد، دیوید، *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، انتشارات روشن‌گران، تهران ۱۳۶۹ شمسی.